

مکتوب یکی از فضلاء جلیل

(از شماره ۲۵)

در تملک

شیر بدم و سر اشکم که دید

این چنین شیری خدام نافرید

اطمان بی قدرت چون مجاهدان مکتوفند. و فرمان
گزاران بی علم چون سراقان مکفوف.. وقتی که صدارت
عظمی کافی الکفایت اسمعیل صاحب این عباد باعد که
از وزرای سلاطین دیله بوده است - یا مستندالرجال
للعالم العامل الزکی الشیخ علی الکرکی یا شیخ الاسلام شیخ
بهائیکه شیخ الاسلام و وزیر اول سلاطین صفویه بوده
و امثال ذلک رضوان الله علیهم باشند یا لا اقل احد از
آنها طرف مشاورت در مدور احکام سبیه کردند
دیگر کرا زهره و یا راست که در مخالفت چنین حکمی
اظهار رأی نماید یا در مقام انبیر و تبدیل ابواب حیه
و تدبیر کشاید وزیر عالم میتواند بگوید که خراج و
مقاسمه واجب است و ادایش از جمله فرایض مسلمانان
شمرده میشود در صورتیکه حفظ حوزه ملت واجب
است حفظ بیضه اسلام واجب است ادای خراج یا
مقاسمه هم واجب است و بیت المال اسلام و مظالم و
مال مجهول و غیره موقع و مصرفش با ملاحظیات
شرعیه الامم فالامم متعین است که آنچه در حفظ
حوزه دولت اسلام ضرور است از استحکام محکمهجات
کشور و آرایش و ترتیب لوازم لشکر باید مصرف
شود از درهم و دینار یا قطره و قطار بمصرف شئون
و همیه و شهوات سبیه و بهیمیه فلان خادم الشریعه و
بجان شردالدیوان دادن حرام است بلکه همان طوریکه
حفظ حوزه اسلام اول واجبات است این مصرف عجا
هم اند محرمات است میتواند بگوید پسر فلان زجاج
یا فرزند فلان فراء یا حلاج و محمد سهاک و حاجی بابای
دلاک که در طریق السانیت رنج برده و جامع علم و
عمل گردیده است مدیر فلان عمل یا شیخ الاسلام فلان
عمل باشد و بعد از گرفتن ایشان که فی الحقیقه حکومت
شرعی محسوسه عامه ناسی بکمال میل و امتنان رجوع
بایشان مینمایند یا آقا زاده حضرت مستطاب حجة الاسلام
اجل که بن پرست تنبل و قاطع تمام علائق علم و عمل
است ریاستش به قلب و دماغ دولتمت با اهل کائنات بی ما

و بی عمل است پسر وزیر را بعضی وزیر زاده کی و قبی
نهند و فلان فرزندکی طب احمق را بنام امیرزادگی موجب
فوق العاده ندهند هرکس در طریق خدمتگذاری بدین
و دولت واه راستی پیود و بذل جهده بدرستی نمود
در میان ملت بمرت سرافراز شود و در اداره دولت
صاحب لقب و امتیاز گردد سرتیب خراج از فوج
را بحکم خدا و رسول بعنوان سربازی داخل قهرهای
فوج شمارند و آقا زاده بسواد را از حکومت زور
بخوان و خوب نبی از منکر باز دارند مثلا اگر املاک
خالصه را که در عناوین مظالم و مال مجهول اموال
بیت المال است فلان ملک و بجان الشریعه خرید و حال
اینکه فروخته نمی شود الا بشرایط چند که در مقام
ذکرش نیستم وزیر عالم یا شیخ الاسلام یا حاکم ميسوط
البدی که خود را در مقام ابتلا بتکلیف دید البته اصل
حاصل یا مدار فاضل را از متصرف میجوهد و
سرکار جلالت آثار یا شریعت مدار را بصرف مال
مظالم بکالکه چهار سبه سوار باقی نمیگذارد ولی وقتیکه
وزیر عالم نباشد البته آقا تکلیف خودشانرا بهتر میدانند
و جاهل را بر عالم بحق نیست وزیریک عالم باشد یا
طالبیک وزیر شود مال بیت المال اسلام را که بمصرف
حفظ حدود و سد نفوس دوات اسلامیه باید برسد
به صرف و خرج ششکم و فرج شهوت پرستان
امضا نمی نماید و اگر حاجت به فرنگستان فرستادن
هم بشود از بابت و خوب تهیه اسباب استقامت و
استقلال مسلمانان بطور و خوب کفایت است و شرایط
مقرره نه اینکه بعنوان تحصیل کمال بصرف زیادی از
ادوال مسلمانان زیارت مجالس ریختن و سرود بروند و جز
اسباب خسارت چیزی بسوقات نیاروند البته هیچ يك
از مسلمانان راضی باین گونه مسافرت یا معاشرت که
از افراد بزرگ مصیبت و عین طرابی دوات و ملت
است رضا ندهند و اتفاق نکند فکیف العلماء و اهل
الدین یکدیگر از بیت المال مسلمانان را بمصرف شهوات
فصایه و شئون شخصیه کسی دادن بمحکام مذهب
حلال است و بکدام قانون شرعی یا عقلی درست است
که همچنان زحمت کش جان بکنند و تحصیل مال کنند
و هوا پرستان بی عقل و ایمان و همبزرگان بی حبه و وجه
و همچنان کالکه خانه واسطیله بهارند و بزرگ و همارت

و موبل بردازند مال دیوان و بیت‌المال بدون شرایط خوردنش حرام است لباس را مدخلی در حلیت و حرمت آن نیست یعنی حرام خدا حرام است بر تمام مخلوق خواه کلاه و کمرچین و سزه و باتولون پوشیده باشد یا عبا و حمامه و فلین باوجود شرایط هم خوردنش مباح است خواه خان خان باشد یا آخوند ناخوانده حفظ حوزه اسلام واجب است بر همه واجب است بجنب لباس کسی معاف و دیگری مرد مصاف نمیشود حرام و منکر گناه است بر همه کس حرام است و امر بمعروف واجب است بر همه کس تکلیف است در احکام خمس تمام مکلفین بالتساوی شریعتاً قرابت با جناب شیخ مفیر احکام اسلام و انتساب با حضرت اجل محل حرام نیست کسب حلال و تجارت و زراعت و خدمت خالق و تعمیر حوزه ملت مستحب و سنق است که پول بواجب میزند بلکه در بعضی موارد عین واجب است بیکاری و مفت خواری و کل بر خلق بودن مذموم و مکروهی است که با حرام همزمان است بلکه غالباً حرام لا کلام است از مال دیوان اسباب ترفه و تحمل آراستن و انزوا بیت‌المال کاستن ظلم صریح است بر آن زارع یا تاجری که بزحمت زیاد و صدمات فوق‌العاده خود را بمشقت انداخته حقوق خراجیه را بجهت حفظ حدود و شئون خود و سایر مسلمانان دیوان اعلی برداشته درین ظلم هر کس شرکت کند ظالم است و حال ظلم و ظالم در نزد عقل و شرع بلکه در پیش تمام اهل دنیا معلوم است ما را بس است از برای تنبه و تأسی باو قصه خاموش کردن بسوبه‌الهدین و سلطان المتقین امیرالمومنین جراتی را که از مال بیت‌المال بجهت محاسبه اموال بیت‌المال افروخته بودند در وقتیکه مهان شخصی بر حضرت وارد شد و اعتراض مهان و جواب آنجناب یا قصه و نجاییدن بدن برادر خود حضرت عقیل را باهن سرخ شده بجهت رد خواهش او یک صاع از گندم بیت‌المال را در حالتیکه خود حضرت تصدیق مینماید که دیدم اطفال عقیل را که غبار قاقه رنگ روی و روی ایشان را انبیر داده بود اگر برای خرابی طما جتی دیگر نباشد همین بس است حاکم بیت‌المال که سرمایه آبروی دولت و ملت است بمواجب و مستمری و تخفیف و مفردی و غیره و غیره چون

آخوند فرسید بیکار یا خان و میرزا و بیک فارغ از تنگ و طار مصرف شود و این همه وجود السانی به بلای بیکاری و بیماری گرفتار گریزند و بعلت مفت خواری از جمیع قون و فضایل دنیوی و اخروی طاری ماند و سربازان دولت که مستحفظ ثغور ملت و اسباب امنیت ملک و رعیت هستند بجهالی و مزدوری یا گدائی و دزدی و مردم آزاری گذران کنند سرباز و قشنگ چی که در قراولخانه شهر یا سرکگذارها و گردنها میبند که طاع تعدیات افراد رعیت باشد چون مواجب و مرسوم و جیره و عایق معلوم او را صاحب منصب ظالم میخورد و این بیچارگان چه در شهر و چه در بیابان باسم حق قشنگچی یا قراول بناخت و چپاول این و آنرا لخت میکنند همه برخلاف حکم خدا و رسول بلکه مخالف تمام احلام و عقول است این خود محسوس است که اگر طالی در رزرا بهم رسد (باقی دارد)

اعلان

کتاب (کسری نامه) که دارای شرح سلطنت و جهانگیری حکیم خسرو و ارد شیر بابکان و شاپور ذوالاکتاف و اتوشیروان عادل و خسرو پرویز است و از تألیفات مرحوم لسان‌الملک و از جمله نوارخ سابق صحیح و فصیح و بهر است اول این کتاب از عکس همین خسرو ملک رقاب مزین و مزین و دو آخر دارای دو قصیده آبدار بل لالی شاهسوار در ستایش شهریار تاجدار خلافت ملک و سلطانه میباشد مطالعه کسری نامه بجهت بزرگان مایه مسرت و تفریح و برای کودکان اسباب سرعشق و تحصیل و تکمیل زبان فارسی است

قیمت این کتاب در ممالک ایران هفت قران و در هندوستان دو روپیه است و بجهت فروش در خدمت حضرات ذیل میباشد

طهران - سرای حاجب‌الدوله حاجی شیخ احمد شیرازی

تبریز - کتاب خانه شرفه تربت و وکیل نامه مقدس شیراز - سرای فیل حاجی میرزا محمود تاجر

تهران

کرمان - آقا میرزا غلام حسین تاجر کرمان
پزد - مقابل مسجد کسری حاجی سید عبدالرسول یزدی

پوشید - در بازار آقا عبدالکریم و آقا احمد شوشی
اسلامبول - اداره اختر
بنیاد - آقا شیخ محمد هادی گنجمیری
بیشی - پرین رود مقابل اسپتال نو پولیس آقا
مشهدی محمد

همچنین

قرآن مشهور سمرقندی حکوفی که در ۲۲۰۰
پترزبورگ (ایمپراتور-کایا بولویچ نایا بیلیونیکسکا)
موجود بود طبع میشود - این قرآن گویا نوشته دست
خلیفه سوم عثمان سال (۶۱ تا ۷۳ هجری) میباشد
چند جلد روی کاغذ بسیار عالی با قطع خوب و شکل
(۶۷-۶۸ سانتیمتر) چاپ میشود تقریباً
بیشتر از بیست و پنج جلد فروش نخواهد رسید -
قیمت فی جلد با صد منات است

این قرآن را س - ی - پساوف در
(پترزبورگسکی آرخبولوجیکسکی انستیتوت) در سنه
۱۹۰۵ طبع میباشد این قرآن مشهور سمرقندی عثمان
خیلی بزرگ است ۷۰۶ صفحه دارد تفسیرهای رنگین
بسیار خوب روی بسیاری از صفحه‌های اوست - در
وقت چاپ کردن دقت شده که تفسیرهای رنگین و خط
همان شکل در بیاید - هر کس که بخواهد این قرآن را
از کتابخانه س - ی - پساوف طلب کند - ۱۰۰
منات پیمان باید فرستد باین آدرس - شهر پترزبورگ
(روسیه) در کوچه نوسکی پروسیکت خانه نمبر ۱۰
خرج پست نیز بر ذمه فروشنده است

No 4422.

مکتوب از تبریز

(نوب جدیدالاخترع)

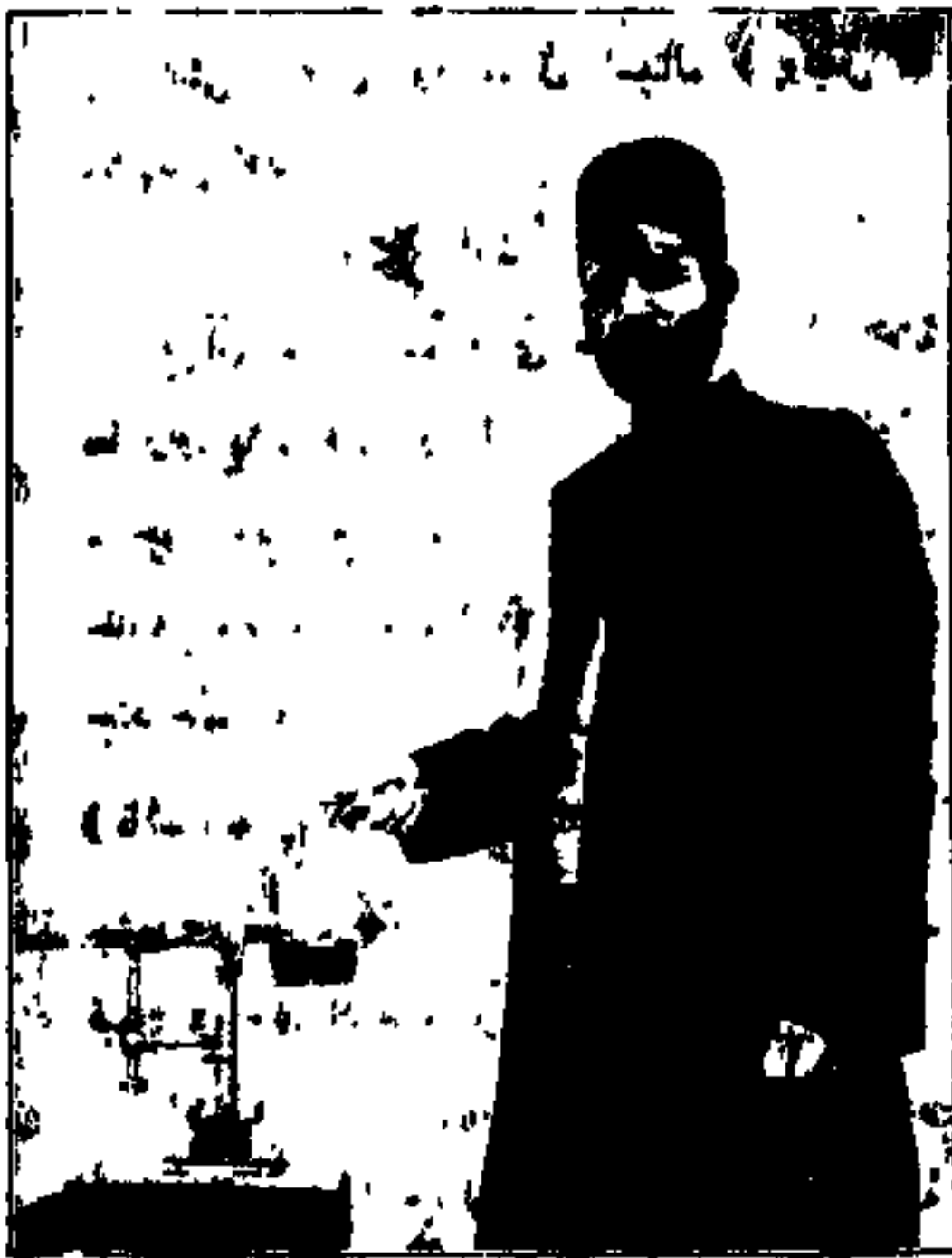
بنده گاهی بزیارت و مطالعه نامه مفصه نایل
و متفخر شده و هماره بقا و استمرار آرا از صمیم
قلب از درگاه کردگار خواهانست و در صفحات آن
نامه گرامی مقاله و مکاتیب مفیده همه مبنی بر وطن
پرستی و دولت خواهی است که از هر طرف و شهر
بداوة مفصه نگاشته میفرستد در نامه گرامی برای
بصیرت و اطلاع ابناء وطن درج میشود - در
انجمن مقاله از آذربایجان خاص تبریز است که شهر
حکومت ایرانست ندیده نهایت در این فکر متأسف و متأم

در وادی حیرت بودم که مگر ادبا و اهل قلم در این ملک
نام شده یا اینکه وادی خواص و اشراف کشته که از هیچکس
از وطن پرستان حرکت و آوازی بر نیاید
پس از اندیشه بسیار بخاطرم رسید بچاره نویسنده از
کدام وضع خوش و ترقیات مملکت و مدارس قدیم و یا اینکه
از تأسیس و نظامات دبستان و مکاتب جدید و با انحاء
حضرات اعیان و تجار در ایجاد کارخانجات در رفع
احتیاجات و با تعمیر و تسطیح راهها برای حمل و نقل
مالالتجاره و حیوانات و علف که از هیچ کدام خبر
و آبروی ظاهر نیست بنویسد - اگر ارحامات فلاکت این
مملکت بنویسند مایه عزید بریشانی خاطر وطن پرستان
در هر شهر و دیار خواهد بود این است اگر چند
نفر هم اشخاص وطن دوست هستند در کنار و گوشه
خزیده که المصراع مفتاح الفرج

تا اینکه ایروزها اختراع جدیدی معید بحال
دولت و ما در تبریز بمنصه شهود رسیده ابدان
افسرده را روح تازه دمید و باعث امیدواری وطن
پرستان و رفع یأس و ناامیدی ایشان گردیده است
مشهدی محمد جعفر رئیس خیاطهای تبریز قرآنی
الاصل که از بدو عمر در اسلامبول و طهران و تبریز
مشغول صنعت خیاطی است و در وطن برستی و ملت
دوستی طایر ندارد مدتی در دیار فکر و خیالات
غوطهور بود و گاهی از شغل و کار کناره
منزوی دیده روزی از او سؤال شد که در پریشان و
متفکرت می بینم بچه خیال و ... در وقت
بمجمرات می آیم شما را افسرده می بینم که گهت
من غیر از ترقی ابناء وطن و پیشرفت و اوقات
خیالی در سر ندارم افسوس که ... احمد صدق
نیاید و کسی نامی در حق و هم خیال - روز
قل تپیده از برای چند ساعت به ... طاهر
گردید توب سریع الاطلاق که ...
اختراع نموده در میدان هنر و ...
قلوب افسرده حاضرین را مسرور ...
امتحان توب مزبور گردید که برای ...
فنانگ ۱۲ نمره نوبور را میبخورد ...
پرو خالی میشود از فواید و محسنات این توب که ...
است که اولاً زیاده از دو نفر عمل لازم ندارد دوم دو

نسخه عکس مجتهد توب امسال

مشهدی جعفر خیاط باشی



حبل المتین

خدای را شکر که اندک اندک آواز نیک بختی از هر جانب ملک و ملت بتداست بارها نوشته و بازمنتگامیم که طبیعت ایرانیان برای هرگونه صنعت موزون و در مواد تقلیدیه بلکه اختراعه میتوان گفت نظیر و عدیل ندارند. دولت باید قدردانی کند و ملت تشویق باید هرگاه این دو اصول ملک و ملت ایران را و داغ نگفته امروز در هر چیز با جانب محتاج نبودیم و طبع نگار مؤثق افایده نمجداتی که درباره اختراع (توب مسلسل) نموده ما را امیدوار نموده که هرگاه حضرت اقدس والا ولیمرد دون مرد اندک توجیهی بمنتزع نموده قدردانی فرمایند سنده این اختراع به کارهای عمده مفیده منجر گردد در صورتیکه این اختراع ناشی و تقلید هر باشد مجتهد قابل هر گونه مرامی و تشویق و قدردانی است چه هیچ هنرمندی بدوا اختراع خود را کاملی نکرده ولی کسیکه چنین احتیاطی نمود لذت زمین که اسپاس جمع شد با این مطلع عالی دوزون تکمیل نوانی آن را نیز تواند نمود آلت و قایم نگار نامه مقدسه و در این زمینه است که این اختراع و قدردانی

حزکت بزو خلی میشود سیم لوله توب را بهی سمت مطلوب بنماید میجر شد فولید بسیار در موقع استعمال در حین جنگ و هجوم دشمن دارد. عکس از اختراع و توب بر داشته لقا تقدیم نمود - هرگاه رأی مبارک اقتضا فرماید طبع و نشر فرمایند تا مشتاقین بلامه تقدسه و هموطنان ما در عالم از یاس و نا امیدی استیصالس یابند

در حقیقه این شخص غیور وطن دوست با این کسب و عظیم بصاعت خدمت بزرگ بدولت و ملت نموده - باید ما ایرانیان خاصه اهالی آذر با بجز این ازین اختراع جدیده نامه بوجود او افتخار و مباحث نامیم تا امروز بهنگونه اختراع نافع بحال دولت و ملت در ایران از کسی بظهور رسیده - امیدواریم این اختراع اول ترقی و حوش بختی ملت با غیرت ایران باشد - بدین است در صورت تشویق انواع و اقسام اختراعات در نظر بلند مخترع مزبور و سایر دانشمندان وطن خوا، جلوهر خواهد شد گویا توب مزبور درین چندروزه از نظر والا حضرت اقدس ولیمرد گذشته امتحان شو.

ایشان در آیه شرح حالات و این اختراع مخترع را که از عدم بصاعت تا حکونه زحمت این اختراع را نموده برضی خواهد رساید

الساعة که مشغول تحریر این ورقه بودم مخترع مزبور وارد از تحریرم برضی نمود گفتنش مختصر هرینه باداره حبل المتین که امروزه مانند پدر مهربان هم قسم و هم گونه منی ابناء وطن خویش است چنگارم خواش کرده این چند فرد کم خود ابناء نموده عرض کنم خادم ملت محمد تبریزی (مؤیدالسلاما)

- ۱ زنو برضی مرا امید خام است
- ۲ اگر در خاطرت کرده نام است
- ۳ نام فرود دین نیارد کل بیاف
- ۴ شب اگر در روشن از نام جیراف
- ۵ تا قیامت راعد ارمی می میکنند
- ۶ تا نوشتند باده مپیتی کی میکنند
- سرای حاجی سید همین (محمد جعفر) تبریزی
- خطاطهای تبریز

و تکمیل مقاطع علمیه حاصلین مدارس را بوجه
بم فرام باید شوال ۱۳۲۲

جبل‌اللتین

اعضای نامه مقدس از بهارت این حس انتخاب
ممرت خود را نمیتواند کاینفی بیان نماید چه جناب
علامتک را در موزونیت این خدمت نیکو مینمایم
و از صورت دستخط آفتاب نقط مبرس که اعلیحضرت
هایونی و شاهزاده سدارت عظمی به بکوتربن رجسی
مقام این عهد و وزارت را داسته که چنین شخص
بزرگ معارف بزوهی را انتخاب نموده‌اند - واضح است
که دستورالعمل شاهانه برای ترتیبات این وزارت کامل
ترین دستورالعمل است - امیدواریم که وقایع‌نگاران
جبل‌اللتین دستورالعمل ملوگاه و تأییدات سدارت
عظمی و اقدامات جناب علامتک وزیر علوم و معارف
را برای درج در نامه مقدسه و آگاهی افراد ملت و
نشارت معارف خواهان بنویسند - اعضایی اداره
جبل‌اللتین از طرف نامه معارف پژوهان ملک جناب
مستطاب آقای علامتک وزیر علوم و معارف را از
صمیم قلب تبریک میگویند و بزبان حال عرض میکنند
(تقد جان ملک و ملت در کف تست ای حکیم)
(نوشتار و ریز در گامش نه از سم تقیم)

مکتوب از اسلامبول

مدیر جبل‌اللتین در شماره نوزده شرحی در خصوص
کمرک و اغتشاشی راه یزد و سکه و نزل قران در مبادله
مسکوکات خارجه از قول نجار بجبشی درج در صحایف
نامه مقدسه بود ملاحظه شد - مناسب دیدم اقدامیکه
تجار ایرانی مقیمین اسلامبول درین خصوص نموده
اطلافاً عرض نمایم
گویا رئیس کمرکات تبریز چندان پای سندی بقواین
کمرک و تعرفه جدید نمی نمود و از رأی خود
میخواست برخی بدع در کمرک جاری دارد نجار تبریز
بنا کپای مبارک اعلیحضرت اقدس ولینعمت کل عرض
تنظیم نموده و چون یکدفعه سکه ایران صد بست و
پشتک نزل نمود با اسلامبول خبر دادند سکه بجهت
حقوقی باشد چه با این وضع اغتشاش مسکوکات وجه
نمیتواند فرستاد

تجار اسلامبول که کاروا بدین عنوان باقی خود را
تجار از عرض نظم دیدند و ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۲
تلگرافی بعنوان ذیل بتوسط حضرت اشرف سدارت
عظمی بخاک پای هایونی نمودند

(صورت تلگرافی نجار محترم اسلامبول)

(بتوسط شاهزاده سدارت عظمی بخاک پای هایونی)

بواسطه اختلال مسکوکات و تکالیف شاقه کمرکات
ایران اساس ثروت و سعادت جا کران منهدم و مجبور
به تعطیل تأدیبات شده‌ایم - در این صورت از اتجاء
به ذیل مراسم ملوگاه نجار تا در آسایش حال تجار
و رعایا سکه اول مقصد تمام دول و ملل است جاری
فرمائید که تحمل بیش ازین خسارت و دوام در امر
تجارت نماند است (عموم تجار ایرانی)

و نیز نجار محترم سداگاه تلگرافی به شاهزاده صدر
اعظم بدین عنوان نمودند

طهران - بندگان حضرت اشرف سدارت عظمی
بد از همس نصرت جا کرانه اصلاح مسکوکات و رفع
اجتماعات کمرک داخله را از توجهات آسفاغه مسترحند
(عموم تجار ایرانی)

بعد از چند روز که نزدیک بود عموم را بآس
حاصل آید - چه سابقه بر حرکات مستبده سابقین از
صدور داشتند (که محض مقاصد خود همواره هیئت
اجتاهیه ملت را از آستان راستان نواز اقدس هایونی
مأیوس و ابداعتنا به نظم زبردستان نمی نمودند و
ملت را از دولت مرعوب و جفا میداشتند) ناگاه
فرائس تلگرافی رسید و دو تلگرافی از بندگان اشرف
سدارت عظمی آورد که یکی اظهار امتنان از عرض
نصرت و دیگری در پاسخ مطالب معروضه بود
(جواب تلگرافی نجار محترم اسلامبول)
(از بندگان شاهزاده سدارت عظمی)

تلگرافی شهوا برش خاک پای مبارک لورواخا فداه
وسانیدم . برای اطلاع شما می نویسم که تقویض وزارت
تجارت بمناسبت سداغوره و تغییر رئیس کمرکات
در آذربایجان دلیل است بر توجهات ملوگاه در توسیع و
ترقی تجار و ترقیه حال عموم تجار - سبب اختلال

میگیرد دولت و ملت ما نیز مانند دولت و ملت ژاپون
بهمه گونه خبری دسترس میگرد

حبل المتین

خدای را شکر که همه روزه از هر طرف بهم آوازی
ما صدای ملت بلند و تکارشات نامه مقدس را در حق
شاهزاده صدارت عظمی تأیید و تصدیق مینماید

بلی انتخاب سمدالدوله بوزارت تجارت از حسن
انتخابات است که میتوان گفت تا کنون در دوازده دولتی
نشده - جناب سمدالدوله از اولین دانشمندان ایران
بلکه این عصر است و چون سالهای دراز در خارجه
تجربه حاصل نموده میتوان اطمینان حاصل کرد که به
تأییدات شاهزاده صدارت عظمی عنبریب جمیع نواقص
تجارتی رفع و سکه ایران بیک میزان معتدل بایستد -
در علم و دانش و تجربه و بی طمعی و خیرخواهی ملت
و دولت جناب سمدالدوله را همین بس که مرحوم
حاج میرزا علی خان امین الدوله ~~حک~~ در قطار اولین
رجال مدیر با سیاست حکیم این عصر بشمار بود -
در حق ایشان فرمود (سمدالدوله برای ریاست هر یک
از ادارات ملکی و دولتی ایران، وزون و مناسب و
بهترین مدیر ایرانش باید گفت - وجود او را ما در
داخله بیشتر ضرورت داریم تا خارجه)

آری همین ملاحظاتی بود که شاهزاده صدارت
عظمی این وجود با دانش را برای انجام چنین خدمتی
بزرگ معین فرمود - از انتخاب جناب سمدالدوله
بوزارت تجارت اعضاء اداره حبل المتین را در ترقی
تجارت ایران و رفع نواقص آن و اضافه صادرات ملکی
و احداث بنک داخلی و اصلاح مسکوکات اطمینان
حاصل است لذا از جانب عموم تجار و موافقو امان
ملت جناب سمدالدوله را تبریک میگوئیم و از جمیع
ارباب قلم و دانشمندان ملت مستدعی هستیم ~~حک~~ در
امور تجاری آراء خویش را بوزارت پیش نمایند و
برای تعلیم ملت که این گونه مسائل را موضوع بحث
سازند محاورات و محاوراتی که در اصلاح حال تجارت
بوزارت مینمایند برای درج در حبل المتین افتاد دارند

تکرات

(۱۵ محرم - ۲۲ مارچ)

و قایم نگار (روز) از (عمق آباد) خبر میدهد که

مسکوکات را نمیتوان فقط بموادت داخله منحصر
دالت اولیای دولت علیه جدا بر اصلاحات آن سی
دارند شاه هم اگر خبری به نظران میرسد در اصلاح
این فقره بوزارت تجارت بنویسند

الحق این تلگراف بنندگان حضرت اشرف صدارت
عظمی همه رعایا را از استقبال ملت و ملک اعلی
بمخفی زبرا واضح گردید جبهه اصلاح امور جمهور در
صدد وسیله میباشد در کارها مراجعت به آرای
تبه و زیردستان را منافی استقلال نمی شمارند
(چنین کنند بزرگان جو گرد باید کار)

بلی این نکته اهم را دیگران از نظر دور داشته
شوکت و ثروت ملایم نموندند هیئت اجتمعیه همینکه
دیدند اولیای امور آنانرا شریک نفع و ضرر میشمارند
در فدای همه چیز آماده میشوند و با اتساق هیئت
ملت علاج همه دردی بدست می آید عدد نفوس ایران
کتر از چهل کرور نیست - اینان در میان طوایف و
محل پیوسته بشجاعت و بسالت مشهور و ممتاز بوده
و هستند آیا ممکن نمیشود که جلای افساقت نموده و
اقدام کنند باعمار ملک و دفع شریکانه؟ خدا گواهد
مشاعر ایشان خیره و تیره نشده که ادراک بنمایند
احتیاجات خود را بیکدیگر و کردن نهند فرمان
اولوالاسی خود این فتنه را در میان آنان احداث نمود
هگر اولیای امور خیانت پیش که پیوسته اهالی ملت
را از ولینعت خود مأیوس نگاه میداشتند بجز و
ستم ثروت رعایا را از کف آنان میبردند و از روی
مکر و حيله به برخی طمان کج اندیش که با آنان
دارای یک عقیده و کیش بودند مهمی می بنمیدند تا
مردم را ساعتی نگاه دارد امیدواریم در سایه این
روش پسندیده عموم ملت بمقاد آیه کریمه (انما المؤمنون
اخوه) طریق اخوة و برادری را پشه قیام بیکانگی
و اتحاد نموده در جلو سیاهانیکه رو به آنان آورده
صدای محکم استوار نمایند بلی همینکه دولت بملت الفنا
فرمود که همگی با دولت شریک النفع والضرر میباشدند
خیر دولت خیر ملت و خیر دولت ضرر ملت است
در خیر دولت و ملت آرای شما آزادست آنچه بگری
شما نمیدانید با کمال آزادی اظهار کنند همه کاری انجام

جوانمردی گرفتند

§ جنرال (کروپاتکن) و اکثر اخبارات (پترسبرگ) ظاهر داشته اند که چند بار حمله های ژاپنیان را رد کرده - ولی اخبارات ژاپون تصدیق نمی کنند و ژاپنیان صاف صاف تلفات خود را بیان می نمایند -

§ خبریکه از روسیه از راه (مکن) رسیده ظاهر میدارد که بتاريخ چهارم مارچ تا دو روز قشون روس بیخدا ماند - روز چهارشنبه جنرال (نوکی) بسپورسات روس عزیمت شد که چینی ها از راه (سمنگ تن) به مکن می آوردند لطیفه جنگ این است که اهالی مکن این میدان قیامت خیز را از بالاخانه ناشتا میکردند

§ جی از سیاسیون را عقیده این است که دولتین انگلیس و (آمریکا) درباره شرایط صلح مابین ضلالت روس را خواهند نمود

(۱۶ حرم - ۲۳ مارچ)

§ ژاپنیان (شنگ تن) را که بجانب جنوب (قاپون) است قبضه نمودند -

§ بموجب اخباراتیکه انتشار یافته قبل ازینکه ژاپنیان (مکن) را متصرف شوند چینی ها مجروحین و اطباء بیمار داران روس و زنان پرستار را قتل کردند -

§ خبر (روتر) از (پترسبرگ) خبر میدهد که کاغذ استقراض داخلی دو صد میلیون (روبل) بوعده بخواه سال دستخط شده

§ در یکی از مجالس لندن (سرایندرونوبل) مردانگی و علو شان و تدابیر جنگ و صداقت مراسلات ژاپنیانرا خیلی تمجید کرده و اظهار داشته است که ژاپون باکی است محلو از خیالات قوی و با این همت در صفحه گیتی ژاپون قومی بسیار بزرگ با بلندی مرتبه خواهد شد

§ امپراطور (آلمان) برای سیاحت (تأخیر) نهضت فرما شدند - روزنامه جنوبی آلمان گرت می نگارد که تشریف فرمائی اعلیحضرت به (مراهکو) مبنی بر خصوصیات بولتیک نیست -

(۱۷ حرم - ۲۴ مارچ)

§ سرافان (پترسبرگ) باین دارند که نظریات موجوده یا به اغوای معبران و وزیران اعلیحضرت امپراطور روس از جنگ دست خواهد کشید - این خیال صراحتاً است که بواسطت وزیرطایه درباره قرضه جدید گفتگو کرده بودند -

§ وقایع نگاران جراند متفق الکلمه میگویند که قشون ژاپون هرروزه بکفدم پیش گذاشته و با سرعت و تیزی جلو میروند - و تا وقتی که روس دوست هزار قشون

یوم چهارشنبه جماعتی از مسلمانان یا اسلحه در مشهد هنگامه عظیم برپا و انبارهای روسیان را تاراج کردند حال میخواهند بر کسائیکه در قونسل خانه روس پناه گرفته حمله کنند حکومت محلیه از ضعف و ناچاری ساکت است

§ وقایع نگار (استیسن) کلکتا از لندن می نویسد - نهد هزار لشکر در میدان جنگ (مکن) مصروف کارزار بودند - این جنگ در صفحات تاریخ یادگار خواهد ماند - ده روز است نائزه جنگ مشتمل است و شعله اتی هرروزه سخت تر می شود - مطلب مارشل (اوپل) این است که همه روسها را در قلاع و سنگرهايشان نابود نماید نه تنها از مکن بیرون کند

§ خبر موثق رسیده که جنرال (کروکی) میسره اردوی روس را که در تحت امر جنرال (لئوچ) بود شکست داده و جنرال (بودزو) قلب سپاه روسرا عقب نشانده ، جنرال (اوکو) بر میسره قشون که در حکم جنرال (کالبرس) است از جانب مغرب و جنرال (نوکی) از جانب جنوب حمله کرده - علاوه بک دست قشون ژاپون بجانب راه تینگ و هاربن می رود تا فراریان روس را متلاشی و جمعیت شان را پریشان کند

§ نظم و اسق قشون ژاپون ازین قرار است - مقابل جنرال (کالبرس) طرف غرب مکن جنرال (اوکو) بر میسره روس حمله میکنند - از طرف جنوب و شرق جنرال (نوکی) میخواهد جنرال (اوکو) متصل شود - جانب شمال (مکن) جنرال (بودزو) مقابل جنرال (بلدرلنگ) که سرکرده قلب لشکر روس است - و جانب شرق (مکن) جنرال (کروکی) مقابل جنرال (لئوچ) که سردار میسره قشون روس است - از طرف جنوب (مکن) دست قشون ژاپون سمت (تینگ) مستعد است که قشون جنرال (کروپاتکن) را از رفتن (هاربن) مانع شود -

§ مارشل (اوپل) اردوی خود را بشکل حلال ترتیب داده شانی از آن در جنوب گذاشته تا لشکریان روس که در اطراف حندق (مکن) اند محصور سازند

§ دیروز دست قشون جنرال (نوکی) بک فرسخ آن طرف (مکن) بود - عده تلفات ناگتون معلوم نیست ولی تخمین شده است که درین جنگ شش روزه کتر از صد هزار نفر از چینیین قتل شده اند

§ ژاپونها مردانه در حرکت و بجانب بالا روی آورده اند و روسها طاقی ندارند که مزاحم شوند قلاع و سنگرهای راه را و ژاپنیان از نوك نیزه با قایت

برای تکمیل امری است و حفظ حقوق خود بر جنگ عبور گردید - در این محبت مارشل [اویاما] از مردانگی و دلیری روس خیلی تمجید کرده گفت که لشکریان ژاپون نیز خواستات خود را بانجام رسانیده پایه افتخار دولت و مملکت خود هستند

§ بموجب جریده (ریکی) اعلیحضرت امپراطور روس جنرال (کرین برک) را از سپهسالاری قشون اردوی دوم (منجوریا) معزول و در ندامت خود شامل نموده است

§ دسته سوم جهازات (بالتیک) بجانب شمال ازسویز حرکت کرده

(۲۰ محرم - ۲۷ مارچ)

§ مخبر (روتز) از (پترسبرگ) تلگرافاً خبر میدهد که بوم صبحه وزرای دولت متفق الکلمه بیان عک کردند که حالا موقع آن است که درباره صلح تحریک شود روز شنبه ازین امر اعلی حضرت امپراطوری را نیز آگاه کردند -

§ در سنی هشت جهاز از طرف تاجار بکراه گرفته شده تا ده هزار اسب به (هانک کانگ) بیرون که دولت ژاپون خرید نموده است جهاز اول بعد از دو هفته از آنجا حرکت خواهد کرد

تجزیه داری کلکته

اگرچه امسال وبای طاعون در این موسم زیاده از سنوات قبل است - ولی رونق مجالس ازسال سابقه بهتر بوده - در هر حسیلیه مانند ایام سابقه عزاداری بعمل آمد - علی الرسم در حسیلیه کربلای محمدخان مرحوم هر شب از اول محرم الی طشورا مجلس عزای برپا و هر شب اطعام مختصری بفقرا داده می شد روز هشتم نیز علم مانند سنوات سابقه بیرون آمد

روز هفتم محرم هم علی مرحوم میرزا مهدی مشکی بیرون آمده و اهتمام آن امسال بدست جناب آقا محمد علی صاحب تاجر دوشتری بوده الحق خوب انتظام نمودند

در حسیلیه حاجی محمد جعفر صاحب اصفهانی ولواتشان آقا محمد باقر صاحب و آقا محمد صادق صاحب تاجران اصفهانی طرف عصر اول دهم محرم مجلس برپا داشته و مجلس خوبی می شد

در حسیلیه گول کوتی به حسن انتظام آقا محمد حسین صاحب کاشانی و آقا زین العابدین صاحب شیرازی مجلس ازهرساله بهتر بانجام پذیرفت و طمام داری بفقرا و مساکین هم بانتظام بود

کک قبرستد ممکن است بتوانند (هارین) را بدست خود نگاهدارند

§ سه قشون جنرال (رن کزینف) ضایع و برباد شده است -

§ اعضای (باریس بنک) رسماً انتشار داده اند که گفتگو و معاهدات درباره قرض روس باز شروع شده و با حسن وجه جاری است -

§ کافذ سی میلیون لیرا قرضه ژاپون بسود صدی چهار و نیم که نصف در انگلستان و نصف در (آمریک) گرفته شود عنقریب دستخط خواهد شد - ضامن ادای این قرضه اجازه تنباکو است و در مدت پنج سال ادا خواهد شد اگر استرضای ژاپون باشد

§ مستر (تکاشی) بیان نموده که این قرضه تا یک و نیم سال دیگر مصارف جنگ را کافی است و تا در آن مدت گمان آنست که جنگ یکطرفه یا صلح شود

§ دسته سوم جهاز (بالتیک) با تدارک بسیار در بندر (سید) رسیده - امشب برای (جبهوتل) روانه میشود

(۱۵ محرم - ۲۵ مارچ)

§ مخبر (روتز) از (پترسبرگ) خبر می دهد که اکابر و اجه ایجا یقین دارند که حالا وقت آن است که دولت روس درباره شرایط صلح تقاضا و تقبیح نماید عده صاحب خوامان همه روزه زیاد می شود - و نیز در طبقه رجال دولت این خیال جا گرفته که هر قدر دیر شود شرایط صلح سنگین تر خواهد شد -

§ تعویق در نظم و نسق قشون روس به سبب مشکلات قرضه است که همأ قریب فیصل خواهد شد

§ دلی تلگراف می نویسد که دولت ژاپون خساره جنگ را فقط تقد طلب نخواهد کرد - بلکه میخواهد از شرایط صلح کاملاً و دلاً مستفیض باشد

§ جنرال [لویج] خبر میدهد بتاریخ بیست و چهارم در نواح راه آهن جنگ حقیقی بین قشون سواره روی داده -

(۱۹ محرم - ۲۶ مارچ)

§ مخبر [روتز] از [توکيو] خبر میدهد که رسماً اعلانی انتشار یافته که خصم از [حسن شنگ] بجانب [هالکشن] مراجعت و فرار کرده اند

§ مخبر [روتز] از مارشل [اویاما] ملاحظه شد - خواست درباره صلح با او صحبت دارد - سپهسالار مذکور از بیانات صلح انکار کرد و گفت قشون ما تا حد ضرورت از جنگ دست بردار نخواهد شد و دولت ژاپون

جلد سیتم از کتاب ویم ناسخ التواریخ و وقایع اقالیم سبعه

تقریر یافت که در میان رسول خدا و یوسفیان و سبیل بن عمرو کتاب صلح نگاشته آید من بر حسب فرمان نوشتم **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** هَذَا مَا اصْطَلَحَ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ابْنُ سُلَيْمَانَ وَ سَهْلُ بْنُ عَمْرٍو اینه کام سبیل گفت من رحمن و رحیم نامم و تو را رسول خدای تو نامم چه اگر تو را رسول خدای من نامم با تو قائل ندادم و ترا از زیارت مکه باز نداشتم بدین قدر شاد و شاد خواری باش که نام خویش را بر نام ما مقدم نگار کنی و حال آنکه تو بسال از من کمتر باشی و پدر من نیر بسال از پدر تو کمتر بود رسول خدا فرمود بجای من **الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** تعانون جا بیتی **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** رقم کن و لفظ رسول خدا را نیز محو فرمای من چنان کردم و نوشتم **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** هَذَا مَا اصْطَلَحَ عَلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَخَاهُ سَبْعُمُورٍ ازا این روز خبر داد و مرا با مسویه و عمرو بن العاص کار بد انسان رفت کابی که مرقوم افتاد و هَذَا مَا اصْطَلَحَ عَلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَخَاهُ سَبْعُمُورٍ گفتند ما اگر تو را امیر المؤمنین دانستیم با تو قائل شدیم این لفظ را محو کن رسول علی بن ابیطالب من چنان کردم و اتفاقاً رسول خدای نمودم گفتند حرف نخستین را پاسخ کنی اکنون گوشه را تا حرف دوم را چه نوشته گفت بهمانا کابی که حکیم برافرمودی در امر خلافت نظر کند اگر مسویه را نبرد از تو بردارند او را اجابت کنند و اگر نه تو را اطاعت نمایند مگشوف افتاد که تو در خلافت خویش دست خویش شک و شبهت گشتی چون تو در حق خویش شک باشی سبکان شکت باز یادت خواهد بود امیر المؤمنین علیه السلام فرمود من در خوشترین شک نمودم و اینکه گفتم اگر مسویه را نبرد از تو بریافتی او را بخلافت بردارید در سخن انصاف دادم و طریق نصفت سپردم تعانون بود حکیم را گویم مسویه را دفع و مید و کاد را بر من فرود آید این سخن از در شکت نکردم چنانکه خدای فرماید **قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْبَائِسِينَ** آفرین ضلالت منین اینگونه کلمات را آنچه شکت خوانند بهمانا خداوندانا بود که پیغمبر و برحق است گفتند این حرف را نیز بگذار و حرف سیم را گوشه را فرمود تقریر باید کرد گفتند ما تو را اقتضای حکم نامس میندیشتم چه شد که حکومت بر دیگر کرد گشتی و در بنا لپونی حکیم برداشتی فرمود شمار رسول خدا را بسبکان نامس دانید گفتند چنین است فرمود خداوند میفرماید **لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ فِي دِينِ اللَّهِ** آنرا از آورده گرفته گفتند مگر ندیدید در یوم نبی قریظه رسول خدای سعد بن معاذ را حکم ساخت و حکم او مردان نبی قریظه را کردن دند و ناز آورده گرفته گفتند این سخن را نیز بگذار و حرف چهارم را پاسخ بگوی فرمود آن کلام است گفتند آنرا که تو را با لشکر بصره مقاتلت میرفت ما از خدمت تو اختیار کردیم و با ایشان رزم زدیم چون خداوند تو را نصرت کرد و بر ایشان دست یافتی آنچه ایشان از در لشکرگاه بود با ما کند و زمان فرزند انانجا هر از ما در بیخ داشتی که و میر که خون بیاید ریخت و خون ایشان بر ما حلال باشد چیرازن فرزند ایشان را حرام دانیم فرمود لشکر بصره بر من بیرون آمدند و ابتدا بجنگ کردند و دفع ایشان بر من واجب افتاد چون بر ایشان ظفر ما قیوم رواند اشتم صنیر را بنگاه بگیر ما خود دارم و زمان و فرزند انانیا زار آورده گیرم در اینجا نیز افتاد بر رسول خدای کردم چنانکه در یوم فتح مصطفی بر کافران و مشرکان مکه منت نهاد و زمان فرزند انانیا زار دست باز داشت من بر لشکر بصره منت نهادم و زن فرزند ایشان آزاد کردم از این کردار نباید مرا انکار کرد گفتند این جمله را نیز از پس پشت انداختیم حرف پنجم را پاسخ بگوی و آن بن است که خداوند از بهر تو نهاد و است که هر که از او ای در دین خدا حکم سازی و تو مردان را در دین خدا حکم ساختی فرمود من مردان را در دین خدا حکم ساختم بلکه قرآن را حکم ساختم زیرا که خداوند کلام خویش را حکم ساخت و من فرمودم حکم خدا را از قرآن استخراج کنند آنچه نبوی نفس حکمی بر آید و نیز خداوند مردان را در خون طایر حکم ساخت آنچه که میفرماید **وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ فَكَيْفَ يَكْفُرُ بِمَا قَتَلَ مِنْكُمْ** مثل ما قتل من التیم پنجم به **ذَوَا عَدْلٍ** مینکرم بهمانا خون مسلمانان بزرگتر از خون طایر است و پاشد که از مسلمانان مردم عادل حکومت کنند و حافظ مال جان مردم باشند و همچنان خداوند در صلاح ذات من مردوزن چون ضومت گفازند فرمان کرده که از قبیل مردوزن

بلاذن

جبل‌المتین کلکته

مبیکل کالج - اقربیت نمبر،

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

متنظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

په شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

(۴ صفر ۱۳۲۳ هجری)

مصادف با

کَلِمَاتُ

سنه ۱۳۱۱

قیمت اشتراك

سالانه — شش ماهه

هند — و برمه

۱۲ روپه — ۷ روپه

ایران — افغانستان

۴۰ قران — ۲۵ قران

عثمانی — و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا — و چین

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

روس — و ترکستان

۱۰ اپریل ۱۹۰۵ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود

مراسلات عام المنفعه مقبول و دو انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

- تکرات • مجلس عزرا در انگلستان • کیسیون
- کابل • مساوت یمن • ناپینده دولت چین • تلفات
- روس • حالات زلزله • تأصف • مکتوب از قزوین
- اعلان • تاریخ حرب ژاپون • رپورت مهندس
- هولاندی • جبل‌المتین • انوخامه یکی از دانایان
- مکتوب یکی از موقین • مکتوب از حراسان
- جغرافیای ایران • قابل توجه وزارت کمرکات
- مکتوب مهم سوطالی • لباس گران • وقایع سرحدی
- علت بزرگ خرابی روس • افغانستان • کیسیون
- افغانستان • منزل استاسل • کلکته

تکرات

(۲۰ محرم — ۲۷ مارچ)

از هر طرف صدای صلح بین دولتین روس و رابون بلند است - بموجب خبریک تازه رسیده درباریان (اسکندریه) طالبانند شرایط صلح را کاملاً استماعوده در مواد او غور و تأمل نمایند

خبریک درباره قتل مجروحین و زنان تیار دار و برستاران داسکتران روس در (مکدن) منتشر گشته تردید شده است

اقتشاشات زیادی در (باتائی) (کریجا) واقع شده شورشیان انبارها و دکاکن و غلنهای پلیس را سوزانده

رؤساء پلیس را مجروح کرده اند - حکومت محلیه برای حمودگی نیران بغاوت قشون ککک طلب کرده جهازات جنگی روس نیز برای رفع این غاله از (سواستاپول) حرکت کرده اند

تبیجه حکومت شخصیه که دول عظام به شاهزاده (پارچ) در کرید دادند این شده که شش صد جوانان مسلح (کرید) در قرب (کینیا) جمع و اعلان داده اند که این جزیره را به جزیره یونان ملحق نمایند - و دول ساره درعاده امنیت و انتظام حکومت موجوده هیچگونه تصرف نمایند - شاهزاده موصوف برخلاف این استدعای شورشیان رسماً ناراضی خود را اظهار داشته است

(دانایان رموز سیاست نیکو میدانند که این اغتشاش ها همه مبنی بر بلتیک و محرک آن شخصاً پرنس جلرچ است که بارها این استدعا را نموده و دول قبول نه نموده بودند)

اعالی قوجان ما رطای روس نزاع نموده روسیان از آنها گریخته اند

(درین اغتشاشات چنانچه انگلشتم دست اجانب درکار است بر ماست که قافیه را نباخته مانقت منافع خویش باشیم)

§ جنرال (پنویج) سردار قشون روس اطلاع میدهد که پست و ششم جنگ خفین روی داده حالت قشون ما مثل سابق است يك تلگراف غیر رسمی از روسیه اظهار میدارد که (شاؤموزی) را بومیان خالی کردند.

§ سیاستون را عقیده این است که دولت روس از طرق مختلفه درباره شرایط صلح دولت ژاپون را حلی کرده که مشاواها نمی خواهد خساره جنگ را بدهد یا الحاق صوبه از عمالک روسیه بژاپون در عوض خساره جنگ بشود.

§ یکی از اخبارات غیر رسمی روس مینویسد با وجودیکه طایفه رطایا درباره اتمام جنگ راضی اند ولی دولت روس بر قبول شرایط صلح آماده نیست.

§ اعلیحضرت امپراطور روس حاکم صوبه (پولند) را حکم فرموده اصلاحاتی که باعث بهبودی و رفاه حال رطایا و رفع اغتشاشات ملک است مجری دارد.

§ اغتشاش (جرجن) همه روزه در تزايد است - سرکردگان که در اضلاع و کوهها ساخلو و قراول بوده منزول و از طرف خود اعلان رسمی بحکومت خویش داده اند.

§ در (باطوم - مروان - قورس) که از بلاد روسیه است اغتشاشات عظیمی واقع شده.

§ اخبارات نیم رسمی فرانسه مینویسد که اعلی [آلان] و [مراکو] مسافرت اعلیحضرت امپراطور و پلهم را مبنی بر سیاست و پلنیک می دانند و چنان تصور میکنند که سلطان ازین ملاقات فائده گرفته دور نیست متعرض بسیاری از امور پلنیک فرانسه بشود.

§ درباره قرضه ژاپون محاورات سخن شد و در نیویارک - شکاگو و یاستس و شهرهای دیگر ده برابر قرضه که خواسته بود صرافان برای ادای او تقدیم هر ضداخت نموده.

§ غیر (روت) از (دربن) خبر میدهد که تاریخ نوزدهم جهاز (دارت) که از رنگون آمده سی جهاز جنگی و چهارده کشتیهای دفاعی را هشتاد و نه فرسنگی شمال شرقی (معاکسکر) مشاهده نمودند.

§ علیسا حضرت ملکه انگلستان در (جیل طاق) رسید این باول نوبت است که ملکه انگلیسی مقام مذکوره را ملاحظه فرمودند - اعلی خلی با تکریم و

§ سفر دبلو - بی (مارس) وقایع نگر (طمس) قرب پوستخانه (تلمیو) ایستاده بود شخصی قه بر شکمش زده - ولی صدمه زیادی باو نرسیده است.

(۲۱ محرم - ۲۸ مارچ)

§ شام شنبه اغتشاشات زیادی در (پاکا) شد - باغبان پنج قصبه را محرق ساخته - و جماعتی از خودگی حریق طمع شدند - تمام عماراتی که راجع به پلیس بوده منهدم و خاکستر نمودند - و مجوسین را رها کردند خواستند به صندوق عالی اداره صفای ده دست برد زنند متضی للرام بدهند.

§ سلطان زنجبار به (وانه) رسیده است.

§ همینکه اعلی فرانسه استماع نمودند که دولت ژاپون اراده دارد يك حصه قرضه تازه را از (امریک) حاصل کند - نزد صرافان (نیویارک) از طرف خود مبلغ زیادی برای شرکت درین قرض فرستادند.

(۲۷ محرم - ۲۹ مارچ)

§ بموج اخباراتی که از (گنت زولنگ) رسیده ژاپونیان مجدداً حرکت کرده - دنباله اردو ده فرسخ در (شاؤموزی) و چهارده فرسخ در شمال (گنت زولنگ) کشیده شده است.

§ غیر روتر از (پوسدگ) خبر میدهد که شرایط صلح آنچه ملاحظه روسیان است تصفیه شده اهالی روسیه دولتین فرانسه و امریک را تمجید می کنند که بتوسط آنان مسئله صلح موضوع بحث گردیده است.

§ در نواحی قاف چه در قصبات و چه در شهرها رفع اغتشاشات شده زارعین را حرف این است تا وقتی حکومت حقوق آنها را منظور نه نماید آرام نخواهند گرفت - باغبان مهارت اداره صفای بلد و مکانات حول و حوش آن را خراب و منهدم کرده اند - حکومت علیه قشون جبهه سرکوب آنان فرستاده است.

§ اغتشاشات روسیه قدری سستگون و آرام شده حمایات جنگی و قشون کچی به (وارسا) رسیده علامت و آثار امنیت ظاهر شده است.

§ در (فلند) اغتشاش زیادی بین اهالی و حکومت پیدا شده و آن به آن در تزايد است.

§ پست هزار نفر بلوئیان در بازار (ابو) رخ نموده علی باوت افزایته در حالتیکه موزیکان میزدند.

§ هفت پیش آمده - علیا حضرت موصوفه سوار کالسکه شده در شهر گردش نمودند
 § شاهزاده (جارج) حاکم (کرید) اعلی را اعلان داده که مول خارجه برای حفظ امنیت قشون خود را حکمی فرستاده ولی حکومت (کرید) از آنان مهلت یک و نیم روز طلبیده تا بعورشیان تمام حجت نماید که سلاح نهاده آرام گیرند

(۲۳ محرم - ۳۰ مارچ)

§ کونت (مسدوف) از شرایطیکه دولت روس برای صلح راضی هست برقصای خود اطلاع داده - و قبل ازینکه گفتگو آغاز بشود رجال سیلسون درین مسئله بطور خود بحث خواهند کرد

(۲۰ محرم - ۱ اپریل)
 خبریکه وقایع نگار (طمس) از (پترسبرگ) نسبت پرسیدن (روزوات) نوشته بود که به میانگیری مقرر شده بیرون از صداقت است

§ اخبار نویس (دیلی کراکی) از پترسبرگ می نویسد که حکومت (فنلند) برای اعطای یک میلیون (استرلنگ) رضایت خود را ظاهراً ساخته بشرطیکه حکومت روسی اهالیان (فنلند) را در میدان کارزار شرق الشرق فرستند - هیئت شوری از وزرای دولت هدیه را قبول و منظور فرموده - و ازین رو روانگی بست و شش هزار قشون به میدان جنگ معطل مانده

§ دپروز اعلیحضرت امپراطور (ویلم) در جیل طارق با سر جارج (وائت) شام تناول نموده - بعد از آن اهالیان برای شرف بیی حاضر خدمت شدند - و به سبب تأخیر در ورود قلعه را مشاهده فرمودند

§ وقایع نگار (طمس) از (پترسبرگ) می نویسد که دولت روس و ژاپون پرسیدن (روزوات) را میانگیری مقرر کرده و گفتگو درباره صلح جاری است - چه عجب که ناره جدال و قتال فعلاً خاموش بشود

§ در (سنجیر) خبری اکتفا یافته که سبب تعویق ورود اعلیحضرت ویلم از شنیدن بعضی خبرموحش بود - و نیز از اخبارات چنان معلوم میشود که باعث توجع آب و تندی هوا بوده است

§ در دارالشورای ملی بجواب سوالی - ملوکوس (باته) اظهار داشته که شرایطیکه با امیر عبدالرحمن خان شده بعد از رسیدن خبر از هندوستان برای عمل و باندی دائمی اثر خواهد یافت

§ نایندگان سلطان و اهالیان نوآبادی (آلمان) را اعلیحضرت ویلم استقبال حک کردند - اعلیحضرت به باشندگان (آلمان) مخاطب شده فرمود - که تشریف فرمائی ایشان باعث بهبودی تجارت (آلمان) خواهد بود - و اعلیحضرت را یقین واثق است که قوت و حکمرانی (مراککو) محفوظ خواهد بود - بعد ازین اعلیحضرت تا دیر باز با نایندگان سلطان را تجلیه نمودند

§ اعلیحضرت امپراطور ویلم از (اسن) برای (مراکو) نهضت فرما شدند

§ سپهسالار (اویاما) خبر میدهد که بموجب اخباراتی که از اهالیان رسیده روسها در (می تنگ) که بست و شش فرسخی جانب جنوب و مغرب (کرین) است نمودار شده و ازین مقام نیز شکست خورده در (کرین) جمع میشوند

(۲۴ محرم - ۳۱ مارچ)

§ شب گذشته لاره (لاسدون) در اداره ملی بیان کرد که ترقی مخارج قشون بحری وبری دو استحکام نظم طالبه رخنه انداخته است و ما را لازم است که غور کرده مخارجش را کم نمایم - کثرت آراء حک و اصلاح سینه بحری را واجب ندانسته و نه ضرورت این امر را دیده که قشون هند یا نقاط نوآباد کم کرده شود البته اصلاحی در قشون انگلستان لازم است

§ اعلیحضرت امپراطور (ویلم) از جیل طارق نهضت فرما بجهانب (ماهان) و (نیر) شدند و قلاع را ملاحظه نه فرمودند

(۲۶ محرم - ۲ اپریل)

§ جماعتی از افسران روس درباره صلح انکار میکنند

در تحت امیرالبحر (نب گتوف) در (پارم) رسیده و بسوی (جیوتل) رهسپار گردید

§ سپهسالار قشون فرانسه در (کینیا) حسب خواهش دول خارجه با سرداران بلوآیانی در محابره است - هفت جهاز جنگی انگلیس در طلیح (سودا) لنگر انداخته اند منتظر نتیجه است

§ خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که واپوئیان (پانتشین) را که در جانب راه (کارن) واقع است قبضه نموده اند

§ وقایع نگار (روتر) از (پتسبرگ) مینویسد که بعد رسیدن رپورت از جزال (لویج) و دیگر سپهسالار قشون روس مجلسی در (زارسکوسیلو) برای تصفیه امر جنگ تشکیل خواهد یافت که آیا جنگ همین منوال جاری باشد یا خاتمه شود

§ دستة سوم (پاتیک) در تحت امیرالبحر (نب گتوف) در (جیوتل) لنگر انداخته است -

§ بلوآیانی (نلتند) روس قدری آرام گرفته اند

(۲۸ محرم - ۴ اپریل)

§ امروز در (مسکو) مجلسی برای تدابیر اندفاع مرض حیضه تشکیل یافته - اطباء متفق الکلمه بیان کردند که به سبب شورش بلوی آنان از محالجات و فرمایشات مجلس متعذر هستند

§ وقایع نگار (طیس) از (ناهییر) مینویسد اعلیحضرت امپراطور (آلمان) در بین گفتگو به نمایندگان سلطان فرمودند - حالا وقت نیست که اصلاحات [اروپا] منی بر احکام منهب اسلامیان جاری شود - و از رأی خود کاملاً به حکومت (مراکو) اطلاع خواهد داد - و ضرورت نمی بیند که بین دولتین [آلمان] و سلطان توسطی باشد

§ شاهزاده هنری [پروش] و زوجه محترمه اش در [زارسکوسیلو] از اعلیحضرت امپراطور روس ملاقی شدند

(۲۹ محرم - ۵ اپریل)

§ جماعتی از [پایس] و لشکریان بر حبس خانها شب گذشته بمقام [وارسا] حمله آورده اسباب ولوازمات حرب مثل تفنگ و غیره و کاغذات و رسائل مغویانه بیرون آورده - شصت و سه نفر را گرفتار کردند - از ماه جنوری تا کنون چند بار همین طریق در مقام [پتسبرگ] و مسکو جلا شده چه اجبار فرقه آزادی طلبان در کمال آشفته معلوم میدوند

ولی اهالی (پاریس) و (پتسبرگ) را عقیده بر آنست که معالجت قریب الوقوع و وقتش رسیده است

§ ده کالکه مملو از سیورسات و اسلحه و غیره هرروزه برای (ولادیوستک) از روس روانه میشود - ازین معلوم میشود که خوف در محاصره ولادیوستک نیز پیدا شده است

§ گشتر (پلیس) را در شوارع عام (لادن) از نارنجکی سدمه شدید رسیده - اهالی پولیس حمله گزان را مجروح نموده و در شفاخانه فرستادند

§ دیروز در (وارسا) مابین جماعت یهود که بر قهسای سرخ در دست داشتند با اهالی پولیس که تخمین آنان زائد از بیست بود جنگ شدیدی واقع شد پلیس بیان میکنند که زیادی از طرف بلوآیانی است و ما مجبور نشاء شدیم - در این مجادله چهار نفر مقتول و چهل مجروح و بسیاری از بلوآیانی گرفتار شدند

§ اهل (مراکو) در (نجیر) از تشریف فرماتی اعلیحضرت امپراطور (ویلم) خیلی دل شکسته شده چه آنان را گمان بر این بود که برای دلجویی آنها از زبان مبارک چیزی خواهند فرمود

§ اخبارات روس می نگارند که هفتاد نفر از اسپران ژاپونی در صوبه (نوگرود) خود را هلاک کردند - ولی جریده رسمی مینویسد که صرف يك نفر خود کشی نموده است

§ کبیرونی در تحت پرافیسر (مارتنس) در (پتسبرگ) تعین یافته که در ماده خساره جهاز انگلیسی (هتسنگ) نام که خرق شده بود تحقیقات کامل بنماید

(۲۷ محرم - ۳ اپریل)

بموجب خبریک انتشار یافته سلطان مراکو در نامه خبر مقدمیکه به نزد اعلیحضرت ویلم بر جهاز فرستاده بود خواهش نموده بود که آنها را از جنگ فرانسه نجات بدهند - اعلیحضرت ویلم را این مطلب سخت ناگوار افتاده خیال مراجعت داشت - سفیر آلمان را این مصر شده که باین نیامدن اعلیحضرت موجب پاپالی حقوق رعایای آلمان خواهد شد - اعلیحضرت به فارغخانه خود رفته و از فروکشی به محل سلطان مراکو که ندارد آنها قبل از وقت کرده بود ایا نمود - ازین روش امپراطور آلمان اهالی مراکو و نیز فرانسه خیلی دلتنک میباشد

§ بتاريخ یکم امیرله دستة سیوم جهازات (پاتیک)

مجلس هنر - در انگلستان

بتاریخ ۱۶ ماه مارچ اعضای مجلس اسلامی لندن در قهوه خانه (شانیس پری اونیو) مجلس هنر را برپا نموده جمعی از شیعیان که در آن صحنه میباشند در مجلس شرکت داشتند. سه نفر از اهل ایران هم موجود بودند. جناب میرزا محمد جواد صاحب روضه بلهجه متأثرانه خوانده حضار را متأثر ساخت. بعد از ختم مجلس و دعای ذات ملکوتی صفات و بقای اتحاد دولتین انگلیس و ایران گلاب بصورت همه حاضرین پاشیده و اطعام مفصل نمودند. این اولین مجلسی است که در آن صفحات رخ داده

کیسیون کابل

کیسیون کابل تاریخ ۲۹ مارچ از کابل روانه هند و در راه به طوفانی برخوردند. روز قبل از روانگی امیر کابل درباری منعقد نموده جماعت کیسیون را حلالی کرده و با آنها با نهایت مدارات پیش آمدند این کیسیون تاریخ دوم وارد (ساموج) گردید. روز پنجشنبه ششم اپریل در جلال آباد و یازدهم در (لندی تونر) و ۱۳ ماه حال بهمه وارد خواهند شد. تاریخ ۲۵ مارچ نیز دعوت مفصلی در خانه جناب سردار نصراقت خان بعمل آمده بود

بناوت یمن

بتاریخ یکم اپریل (روتر) از لندن خبر میدهد که قشون زیادی از روم در (سنا) رسیده است و بموجب اخبارات اهالی (حدیده) قبل از رسیدن فوج (سنا) مقابله با قشون نموده جنگ سختی رخ داده است حالات فصل آن تا کنون معلوم نیست

نماینده دولت چین

نماینده دولت چین که فعلا در کلکته استقامت دارند روز چهارشنبه پنجم ماه حال با همراهان خود در عدالت العالیه کلکته رفته بهلوی قاضی القضاات نشسته در مصافحه و جرح و کلام مشغول و یکساعت کامل در آنجا صرف وقت را نمودند. بعد از آنجا برخواستند در محاکمه مستر (سپیل) رفته قریب یک ربع ساعت وقت خود را در آن محکمه صرف کرده مراجعت با وطن خویش نمودند. جمیع و ازدهام زیاد برای تاشا آمده بودند

تلفات روس

عده مقتولین و مجروحین و اسیران روس از

ابتدای مئی الی هشتم فروری سه لک و نود هفت هزار یکصد و چهل یک بوده چنانچه از نقشه ذیل دریافت خواهد شد

یکم مئی	بمقام	یالو	۲۹۴۹
۲۷	نشان	۴۰۰۰	
۲۴ جون	وافن گان	۱۰۰۰۰	
۲۷	متن انگ و غیره	۱۰۰۰۰	
۱۷ جولائی		۷۰۰۰	
۳۰ - ۳۱ جولائی	توشنگ	۴۰۰۰	
۲۵ - ۲۶ اگست	افشن من	۵۰۰۰	
۵ ستمبر	لیاؤنگ	۲۵۰۰۰	
۹ - ۱۷ اکتوبر	شاهو	۶۸۰۰۰	

از جولائی سنه ۱۹۰۴ تا یکم جنوری سنه ۱۹۰۵ بمقام قلعه آرتر ۳۵۰۰۰

۱۵ - ۲۹ جنوری حکوتی ۲۱۰۰۰

از ۸ فروری تا کنون در جنگ خلیفه ۱۲۰۰۰

۲۳ فروری - ۱۷ مارچ در مکن ۲۰۰۰۰۰

از ۸ فروری تا ایندم دو جنگ بحری غیر از قلعه (آرتر) ۳۰۰۰

۲۹۷۱۴۹

حالات زلزله

(تاریخ ۴ اپریل سنه ۱۹۰۵)

شبه - زلزله ساعت شش و یازده دقیقه محسوس شده و ایام سکونت دو دقیقه بود و حرکت از شمالی مشرقی به جنوبی مغربی بود بعضی از امارات را صدمه رسانیده است نقصان قشون تا کنون معلوم نیست

آگره - ساعت شش و ده دقیقه محسوس و چند دقیقه دوام داشت و اهالی بیوجان آمده بودند. اگرچه تا کنون از نقصانات خبری نرسیده ولی از قرائن معلوم میشود که نقصانات وارد آمده است. حرکت زمین اینجا از مغرب به مشرق بود

اله آباد - ساعت شش و یازده دقیقه محسوس و حرکتش چندان مؤثر نبود البته مهلکانه و بعضی مقامات در طرف ایستگاه را خراب نموده است

دملی - حرکت زمین اینجا خیلی سخت بود و ساعت شش و ده دقیقه محسوس و الی ساعت نهمین

علیه خواهند شد و استحضاتی رجوع همه نوع خدمات دارند

مکتوب از قزوین

حضرت مؤبدالاسلام بیوسته مؤید و منصور باد و جریده فریدمانش تا ظهور عرض اکبر مفتوح و باز که بنور معرفت و کالات ضمیر دامن طبر اندیش را گلشن و دیدگان حق بین را روشن و مزین فرمود باعجاز خامه سحر آفرین عالی و دانی و عارف و طای را ارشاد نمود و هر روز به بیانی تازه دلنهای افسرده را فرحی بی اندازه بخشید - زهی بر آن کلک و بیان که الحلق هر غمزه از گرمی روزنامه اش کسای است با هزاران سود و معنی مدغم و هر ورقش اساسی برای تربیت و تمدن محکم امیدوار بدرگاه حق لایزالیم که ازین حسن نیت و صدق طوبیت که جز طبر خواهی و حق گون درباره دولت و ملت شایبه منظوری مظلون و منصور نیست خفتگان نیز بیدارگفته و درجات ترقی و تمدن را طی نماید مانند همگان . . .

الجله روزنامه پست و بکم شعبان مطابق ۱۳
اکتوبر ۱۹۰۵ را با همان ذوق و شوق باطنی که بر حضرت مؤبدالاسلام محفی و مجهول نیست زیارت نموده تا رسید شرح وقایع استرآباد حکه فصلی از حسن مراقبت و اهتمامات جناب حفر علیخان مرتب فوج شرف نگاشته و از تخفیف مرض کلرا اشعار فرموده بودند که در اواخر صده اموات آنصفحات به بخنجر رسیده - این بنده برستنده را طیلی شگفت و حیرت آمد که حضرت مدبر جبلالمنین وقایع نگاری درخشا قزوین که منزله یکی از عملات طهران و چهارراه ایران است داشته باشند تا از حسن تربیبات و تفصیل حالات این نقطه شریف نیز خاطر مبارک را مستحضر دارند خاصه در وقوع این عرض جانگاہ که دست اطاول بسمت قزوین نیز میخواست دوازکند - شخص شخص حضرت اجل معظم آقای دانش یزوه سالار اکرم حکمران قزوین دام ناله دامن همت بر کر زده چندان در لوازمات حفظالصحه و تنظیفات بده کوشش فرمودند که گون هیچ نبود پس بسی دور از صورت و انصافی است که جریده فریده جبلالمنین اشارتی از حسن کفایت و ملت پرستی و دلسوزیهای این شخص متین قریبند

متزلزل بود - مجدداً آنچه شب نیز زمین بحرکت آمده بعضی همات را شکافته و آنهایکه از صدمه حرکت صبح شگافی رسانیده بود از پا در انداخته است - قصانات و تلفات را درست رپورت نداده اند

لکنؤ - در طرف صبح بوقت شش و پانزده دقیقه محسوس شد - صدمات به بعضی مکانات رسیده - ایستگاه (دهر مساله) بکلی طراب و چند نفر انگلیسان و یومی مرده اند

لاهور - بعد از شش و چند دقیقه زمین بقسی در حرکت آمد که مردمان کهن سال یاد این قسم زلزله را ندارند - هماتهای زیادی به باد قسا رفته و تلفات قوس خلیل بوده - حکه گنجایش آن در اینجا نداشت

تأسف

جناب محمد حسین خان سردار منعم ایلمخانی بختیاری که از رجال با عقل و هوش با صکفایه با تجربه ایرانیان بشمار بود در اوایل ذیحجه الحرام ۱۳۲۳ در (طالیر) بمرض سکتہ این جهان فانی را وداع نمود چون سایر خوانین عظام بختیاری (دراب بید) که چهار فرسخی شوشتر واقع است بودند بوصول این خبر وحشت اثر بحاس قلمه بزرگی برآ - جناب اعظم السلطنه والی عربستان از دزفول و علماء و اعیان از شوشتر بجهت ختم مجلس (دراب بید) رفته پس از برجیدن مجلس ختم مساودت نمودند - محمد حسین خان ایلمخانی تمام عمر را صرف خدمات دولت علیه نمود منجمه خدمات او که در عهد ولیعهدی اعلیحضرت شاهنشاهی خلافت ملصکه باعده سوار در جنگ شیخ عبیدالله خدمات نمایان و شایان نمود دوازده سال در بختیاری مستقلاً بریاست مشغول و خدمات اولیای دولت را بروسفیدی بانجام رسانیده جنابان شهاب السلطه و معین هایون اخوان آن مرحوم که دارای هرگونه مزایای شخصی و مستغنی از توصیف میباشند با فرط کفایت و کار دانی همه قسم لیاقت و شایستگی برای انجام خدمات دولت علیه دارند و اسباب اقتضای محکمیتی مستند زیاد فرماید - نظر بخدمات آن مرحوم و شایستگی خودشان البته مورد لطف و مرام اولیای دولت

همه حکام ملقب میباید اشک حسرت از دیده میرینخت
ولی حالا بیاید و به بنید چون است - آرزو میکنم
که کاش پای حضرت مؤیدالاسلام قزوین میرسید
آنوقت با نظر کیمیا اثر همه را دیده و با این بنده
برستنده زبان بر تعریف و تصدیق این وجود مقدس
مفتم می‌کشوند

همینقدر عرض میکنم که اگر چنانچه هر مملکتی
از ممالک ایران چنین حاکمی مهربان و داد خواه و
سایه‌گستر داشتی هر آینه تمام بلاد و اوطان عزیز ما آباد
و معمور بودی و هموم هموطنان نیک بخت و خورسند
اگر چند سالی بدین استقلال این وجود محترم در حکومت
پایدار بماند آنوقت اهل قری و مردم دور دست
نیز احساس خواهند کرد که بجه اندازه از خواری و
ذلت و فقر و مسکنت خلاص گشته و چه قدرها از
حیث زراعت و فلاح و امنیت و همه چیز پیش
اقتصاد اند با اینکه حکام غالباً مبنوض تامه میشوند
تا کنون احدی از ضرب و بوسی گدا و مستغنی ارباب
و رعیت کسی را ندیده و از احدی نشاید هم که جر
دعای طبر یادی از ایشان کنند و بجز رضا سخنی گویند
الحق سزاوار شکرانه این نعمت اعلی حضرت ظل الله
اعظم شاهنشاه طلم پناه ارواحنا فداء است که بر رعیت
قزوین چنین سر برستی رؤف و حاکمی مهربان عطا
فرموده اند مزاجگوش نمیکند و مقصودی ندارم و
آنچه عرض میکنم یکی از هزار و اندکی از بسیار
است درین سه سال بعد دیناری بصف و ناحق از
کسی گرفته شود و مأمورین حکومت را اگر خطائی
سرزده و بر حسب عادت دیرین . . . چیزی از کسی
گرفته و مقصری را رها داده چگونه تهدید فرموده
و بجه تنبیهات سخت تأدیب نمودند

نان و گوشت و سایر مأكولات که مایه آسایش
طعمه است پیوسته در کمال و فور و ارزانی بوده و
بالکلیه صرف نظر از منافع و مداخل این امر فرموده
اند - یکتقر از نوکرهای شخصی خود را با مواجب
معصکی و مخصوص مواجب و فور و جنس نان و
سخت کیل و میزان فرموده و تمام سنگهای ترازو را
در بدو حکومت با آهن ریخته و با مهر مبارک روی
آنها را مهور فرمودند که دیگر احدی قادر بر افراط

هر چند این بنده برستنده لیاقت تعریف و توصیف
آزاد ندارد مصلحتاً با قلم شکسته خود شمه از اقدامات
حکیمانه انجام مهربان بر حضرت مؤیدالاسلام عرضه
میدارد تا حضرت تعالی نیز با قلم حق نویسن گوشزد
هموطنان عزیز فرمایند شاید جمله حکام نیز بدین
طریقت منائل گردند و در مات برستی اینگونه همت
کارند که مردم قزوین در واقع اینوجود مقدس را
همیشه برای خود پدر مهربان میدانند اگر بخواهد
مفصلاً ذکر جمیل اینوجود جلیل را برشته نخر بر آرد
و از اوصاف معانی و شرح حکومتش که سال سوم
است آنچه دیده بیان نماید متنوی هفتاد من کاغذ شود
من عاجز ز گفتن و خلق از شنیدنش

هیچ برهانی بر مراتب کفایت و دالتش و کیاست
این شخص محترم بهتر و بالاتر از راه شوسه همدان
نمیبود که امتیاز آن روسها داده شده و خط این
راه بر حسب هندسه مهندسین از پشت قلعه شهر
تقریباً یکفرسخ از میان باغات علما و سادات و تجار
و کسبه و اعیان اتفاق افتاده که خارج از حیز امکان
بنظری آمد که این راه بی‌مخمه و قیل و قال
از وسط باغات کشیده شود و با اینصورت اختتام
پذیرد - ولی حضرت عالی مرتبت سالار اکرم بمقتضای
فرط کفایت و درایت و علم سیاسی بطوری اسبابرا
فراهم آوردند که کسی ندانست این یک فرسنگ راه
که تماماً از وسط باغ و میان اشجار مردم بود چگونه
گشته وجه قسم بدون گفتگو انجام یافت که هم مالکین
اراضی و باغات متشکر و هم صاحبان امتیاز راضی
هیچ مآثر خدمت و زحمت بهتر از این نمیشود - دوازده
فرسخ راه شوسه که در خاک قزوین کشیده شده و
فلاً نیز در کارند احدی از رعیت و روسها محتاج
و مجبور بعرض و شکایت باستان اولیای دولت و
وزارت امور خارجه نشدند ولی در خاک همدان
با انواع زحمت‌گر قاری فراهم آمده و بقوه جبریه مأمور
وزارت خارجه و غیره در صدد سلطنت راه هستند
بالا تر از این نشان میدهم سرای دولتی و عمارات
سلطنتی قزوین که یادگار سلاطین صفویه است شباهت
بر همت و غیرت و وطن پرستی و اقدامات واقیه و
دلسوزیهای این شخص جلیل میدهد که اگر کسی در

و قریب و قلب و تخلفی نیست اغلب شبها یک و تنها در کوچه و بازار شخصی اختیار مینمایند که رعیت آسوده در بستر ناز بخوابند در این مدت از فرط امنیت دست کسی بسرقت نرفته بلکه دزدیهای کهنه و قدیم ده سال قبل را نیز که در زمان حکام سلف نامت و نازها میکردند بتدابیر عقلیه و حسن کفایت دستگیر نموده بعضی را سیاست و برخی را سخت کننده و زنجیر کشیدند بی مبالغه و افراتق اکنون چنانست که قزوین را یکی از بلاد امن و آزاد اروپا که این بنده سالها بودهام میتوان گفتم . . .

در این سال سوم که قصه هایله ناخوشی کلرا رح ایران نهاده و کم کم سرایت بطهران و گیلان و همدان نمود فوراً در صدد ترقیات قرآنی و تکالیف حفظ الصحه برآمده و مباحثی از کبسه قنوت خود در سر این راه گذارده و بطوری همت خود را مصروف فرمودند که در ظرف چهار ماه شیوع این مرض یکصد و چهل نفر بیشتر عده اموات و گرفتاران نشده و اغلبی از آنها نیز بهبودی و صحت یافتند - و حال آنکه قزوین چهار راه ایران و دارای چهل هزار نفوس است تو گوئی اعجابی کردند و اهل این شهر را بر گزیدند بنده مرض میسکم نه معجز است نه کرامت هانا بجهت همت و دلسوزی و غیرت و ملت پرستی و حیت جان اهل قزوین را خریدند و با اینکه قزوین از طبیب بی نصیب است بتدابیر طیبه کلیه میوه جات را قدغن فرموده و دکا کین خوراک بری باراری را که خود دیده و میداید از قبیل کاه بز و حلیم بز و کبابی و دماغخانه ها که محل تیش میکروپ وبا و مایه انواع عکثافات است بست و مسدود فرمودند و مالیات آنها را از جیب قنوت خود دادند و نظر رافت از حفظ وجود منات برداشتند باین اکتفا نکرده چند نفر فراشی در سر قنوات و لنهار شهر گماشتند که کسی لباس جریکینه و کتیف در آب نشویند حق دست مال بر نیاید باشد

آیا این فراشا خانه و خرج نداشتند ؟

بله مخارج خود و کسان آنها را روز بروز عنایت فرمودند که قسم از سر خدمت بر ندارند پس معاش خوراک بزنان چه شد که همه از آن دکانها تحصیل می

میکردند ؟ . . .

آری جناب عالی مخارج یومیه آنها را نیز مرحمت فرموده و بعلاوه روزیکه اجازه بخت و بز و بلز کردن دکا کین رسید تمام دکان آنها را تعمیر و تنظیف کرده و بهر کدام لباسی نو دادند بنده چیزی عرض میکنم و دوستان چیزی می شنوند (شنیدن کی بود مانند دیدن) حال ملاحظه فرمائید اصناف است که این همه علوحت و محامداخلاق این شخص بزرگوار عالی قدر را ناگفته و مجهول گذارند و موجب هیجان و عبرت دیگران که حکم شایرا دارند نویسند اگر مقصود حق گوئی و شرح حال و حال الحیر است پس این نعمت را نیز باید منظور داشت باقی منوط بر رحمت طا کفان حضرت جیل المتین است افسوس که از ضیق وقت و عدم امکان میسر نشد این عرض را با خطی خوب و عبارتی مرفوق عرض نماید و مجلی از شرح حال خود که کیست و چیست عرض عالی برساند همینقدر (بنده حقیر عیبی) است

اعلان

قرآن مشهور سمرقندی حکوفی که در کتابخانه بطرزبورغ (امپراتورسکایا پوبلیج نایا بیلیونیسکا) موجود بود طبع میشود - این قرآن گویا نوشته دست خلیفه سوم عثمان سال (۶۱ تا ۷۲ هجری) میباشد چند جلد روی کاغذ بسیار اعلی با قطع خوب و شکل (فاکسیمبله ۶۷ Centimeters) چاپ میشود تقریباً بیشتر از بیست و پنج جلد بفروش نخواهد رسید - قیمت فی جلد پانصد منات است

این قرآن را س - ی - بساروف در (پترزبورغسکی آرخیولوگیکسکی اینستیتوت) در سنه ۱۹۰۵ طبع میباشد این قرآن مشهور سمرقندی عثمانی خیلی بزرگ است ۷۰۶ صفحه دارد نقشه های رنگین بسیار خوب روی بسیاری از صفحه های اوست - در وقت چاپ کردن دقت شده که نقشه های رنگین و خط همان شکل در بیاید - هرکس که بخواهد این قرآن را از کتاب خانه س - ی - بساروف طلب کند - ۱۰۰ منات بیانه باید فرستد باین آدرس - شهر پترزبورغ (روسیه) در کوچه نوسی پروسیکت خانه نمبر ۶۰ طرح پست نیز فایده فروشنده است

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۲۶)

عساکر نقلیه

از قافله های عساکر نقلیه حکومت ژاپونیا سیزده فوج است که خاصه میباشد و هر فوج قافله مرئ از سه بلوکست - ترتیب عساکر نقلیه حضری بروجه آبی است

(ترتیب بلوک نقلیه حضری)

اسب و یابو	افراد	ضابط	
.	.	۱	سلطان
.	.	۶	نایب
.	۱۸	.	ضابط کوچک
.	۱۸	.	با مواجب
.	۷۶	.	افراد
.	۲۴۰	.	ارابه چیا
.	.	.	اسب سواری
۱۴۰	۰۰	.	اسب ارابه
۱۰۰	۲۵۷	۷	جمع

(ترتیب حضری يك فوج نقلیه)

حیوان	نفر	ضابط	
.	.	۱	سرهنگ
.	.	۲	معاون ضابطان
.	.	۲	طیب
.	.	۱	کاتب
.	.	۲	بیطار
.	۲۸	.	افراد
۷	.	.	اسب سواری
۴۰۰	۱۰۵۶	۲۱	۳ بلوک
۴۵۷	۱۰۸۴	۳۰	جمع

کاروان نقلیه عساکر دائمه در هنگام سفر بواسطه يك جمع آئینی از افراد احتیاط نواقصش اكمال میشود در هنگام سفر بلوک های کاروان نقلیه عبارتست از ده ضابط و (۸۷۸) افراد و (۶۲۷) ارکب بقی اسب و یا بو

افراد کاروانان که غیر محارب مخصوص سیزده اردو میباشد هیئت مجموعه آنان بیش از سی هزار نفر میباشد

در داخل هر اردو ترتیبات اسب ارابه بر وجه آبی است

چهار دسته قلیه که هر دسته ماکولات يك روزه اردو را نقل مینمایند

چهار دسته هم کاروان ناقل جبهه خانه و قورخانه پیاده

دو ویاسه کاروان دسته‌های قلیه جبهه خانه توپچی

شش دسته کاروان طست خانه های سیار

و يك دسته حیوان بدکی یعنی یابری بارکش و اسب ارايه - و در دعوائی که با چین ده سال قبل نمود

جمع لوازم اردو را به پشت حیوانات بارکش و بواسطه حملان نقل میداد - چون حرکات عسکره با بطايات اجرا میداد و تخمین از برای حمل اقبال يك نفر عسکر يك حال تخصیص شده بود

لاکن امروزه چون ارايه های بسیار خفیف که يك اسب بآنها می بندند استعمال مینمایند لذا موی و

حرکت اردو کسب سرعت نموده است

(ضابطان بزرگ و کوچک)

اصول و قانون تدارك ضابطه جبهه اردوها عین اصول آلمانیست جواتایک میل دارند که ضابط

باشوند اگر در آلاهی‌ها می باشند و بدین هوس نیفتند که احراز مقام نامزدی ضابط را بنایند اقتضا مینمایند از عموم تعلیقات امتحان بداند

و در ژاپونیاوشی مکتب رشديه عسکری دولتی هست که در هر يك صد و پنجاه شاگرد موجود است

و در این مکتب سه سال بعد التحصیل امتحان داده بیرون میروند که سالی سیصد نفر ازین شش مکتب شاگرد

فارغ التحصیل خارج شده داخل میشود بمکتب اعدادی عسکری که در توکیو میباشد - بعد از دو سال تحصیل

باسم نامزدی ضابط آنها با آلاهی یعنی شعبات اردوها روانه میکنند در آنجا شش سال باقیای خدمت و وظیفه برداشته

پس از آن داخل مکتب حربیه که در توکیو میباشد داخل در آنجا پس از اكمال شهادتنامه ضابطی را اخذ مینمایند

برخی که داخل مکاتب رشديه و اعدادیه دولتی نشده و در خارج تحصیل نموده و میل دارند که در سلك

ضابطان داخل شوند اولاً باید امتحان درجات همگانه مکاتب مزبوره را بدهند بعد از آنکه لیاقت شان تحقیق

نموده با نام نامزدی ضابط در آلاهی‌ها مستخدم شده و پس از انقضای مدت خدمت امتحانی هم که راجع

آنجاست داده وجهه آنکه بکلیه در سلك ضابط قید و قبول شود داخل مکتب حربیه توکیو میشود

در مکاتب حربیه توکیو از باصد الی مفتصد شاگرد از صنوف منسوب بعسکری موجودست که این شاگردان از

دو منبع مخصوص که در فوق ذکر شد تدارك میشوند - مدت تحصیل این مکتب تنها يك سال است بیشتر مدت

تحصیل هیجده ماه بود جبهه آنکه بقدر کفایت جبهه اردوها در زمان کم صاحب منصب آماده نمایند بيك سال

تزیل نمودند - شاگردانی که در آنجا اكمال تحصیل نموده و از مکتب بیرون مینمایند تماماً را بالاپها میفرستند تا در

مواقع مذکوره باصفت معاون استخدام شوند - در همین نزدیکی مفتصد و شانزده شاگرد فارغ التحصیل از مکتب

توکیو بیرون آمده بودند چهار صد و شانزده نفر از آنان بمعاونی ضابطان پیاده و شصت نفر را بسواره و

صد و یازده نفر را در معاونی ضابطان توپچیان همراهی و پنجاه شش نفر را در جرك توپچیان قلمه و سی و

يك نفر را استحکام و جهل نفر را سلك مأمورین و ندادارمه قید نمودند - اینان که در آلاهی‌ها باصفت معاون

ضابط استخدام میشوند و باقیای وظیفه میپردازند مخصصات يك نایب ثانی یعنی جیره و مواجب نایب دوم را

میکرند و همیشه جای یازده منصب نایب ثانی نصب و تعیین میشوند

اگر با اعانه این ترتیب و نسبتات جا خالی اردوهای ژاپون برنمورد از ضابطان کوچک که در آلاهی‌ها

بدستی تربیه و تعلیم دیده‌اند يك نوع ضابط تشکیل مینمایند که اینان با آنکه شمشیر می بندند وای با ضابطان

نمی‌توانند همزانو شوند بلکه با افراد امرار دقت مینمایند

(باقی دارد)

رپورت مهندس هولاندی

در باره تعمیر سد اهواز

ترجمه دبیر ثانی سابق اداره آقا محمد
(کازم شیوازی فیلسوف)

در اواخر سال (۱۹۰۲) باسر اولیای دولت علیه ایران وارد طهران شدم - اولیای دولت علیه سرا امر فرمودند که بجانب مرستان رفته تعمیرات بند اهواز و ملاحظات خویش را تقدیم آستان مایوی نمایم - و رأی خویش را بیان کنم که بجهت قسم اقدام در تعمیر آن مناسب است بشود تا آبادی دیرینه این مملکت و مانند قرون ماضیه این اراضی بصورت اولیه باز گردد

حسب الامر اولیاء دولت از طهران حرکت و از طریق اصفهان براه بختباری بمرستان رفته و شهر شوستر را اقامت گاه خویش قرار داده از آنجا شروع بتعمیرات لازم نمودم - اعمال متقدمین و آبشار های قدیم را دیده معلوم شد که بجهت وضع باید آغاز کرد که بسرعت کار زراعت درین مملکت پیشرفت نماید - برای تکمیل تحقیقات خود لازم دیدم که کلیه نواح عربستان و شهرهای معتبره آن را مانند شوستر و دزفول و اهواز و سایر قرات آن حوالی را بگردم - چنانچه گردش کرده از طریق پشت کوه بطهران باز آمده نتایج سفر و حاصل تحقیقات خود را داشته که درین باب لازم بود تقدیم اولیای دولت علیه ایران نموده و عرض داشته که فعلاً اراضی شرق و جنوب اهواز که سمت چپ رود کارون واقع است تعمیرش مفید و زراعتش اولی است برای اجرای این مقصود امور ذیل را مراعات باید نمود

(۱) سد های رودخانه کارون را که خراب شده بنوعی باید بست که باداره چهار متر آب بروی هم سوار شود (۲) لازم است حوالی سد نهر های چند کلمه شود که چون آب مرتفع گردد در آن محاری ریخته باراضی مزروعه تقسیم شود

(۳) آبشارها و استخرهای چند لازم است در اطراف سد تعمیر شود که در موسم بهار و طیفانی رودخانه استخرها نیز از آب پر شده عمد نهر های بریده شده کشته تا بدین وسیله اراضی بسیار را آبیاری توان نمود

(۴) اراضی که در آن نواح آبگیر و قابل زراعت است بقطعات مختلفه حصه باید نمود مثلاً یک نهر و یک استخر هزار (هکترا) زمین را آب یاری تواند کرد پس اراضی را به میزان تقسیم زمین باید نمود که همه ساله یک قطعه یا بیشتر آن را مزید بر زراعت سال پیش شود - و بقسمی کارها را باید منظم داشت که همه ساله یکی دو استخر ساخته و نهر بریده تا یکی دو نقطه از اراضی غیر مزروع اضافه برزراعت سال قبل شود

فعلاً باید سد و بندهای خراب شده قدیم را بطول هزار متر تعمیر نمود - در تعمیر سد و بند باید ملاحظه بجرائی برای داخل و خارج شدن آب کرد تا درجانب نشیب کارون آب را مناسب موسم شوان کم و بیش نمود و نیز برای ورود و خروج کشتیها درین رودخانه و عبور از سد درهای مخصوص و مجرای خاص وقت ساختن باید بنا شود - برای کندن و شخم اراضی و حمل و نقل حاصل میتوان از قوه کهرتابه کار

گرفت - این قوه کهرتابه از ریزش آب سد بر بندها پیدا خواهد شد - این نکته را نیز باید از نظر دقت دور نداشت که بدن تدبیر و اصول موسم تابستان در نشیب رود کارون هم سطح آب را فرق پیدا نخواهد شد و بحالت طبی خود باقی خواهد ماند ازین رو خلی در آمد و شد سفاین پیدا نخواهد گردید

اهواز برای صادر و خارج محصولات اراضی بندوبست بسیار موزون ولی لازم است که کارخانجات لازمه مثل بدن گتری بنه وصف کردن گندم وغیره و اسباب حمل بری حمل و نقل مال و انبار های تجارتی آماده شود تا مانعی برای پیشرفت امور زراعت نباشد چه ظاهر است هر یک ازینها باآمال مؤید امور زراعت اند اینک بواسطه قلت آب و عدم موجودگی اسباب آب یاری اندک حاصلی که درین مملکت بعمل می آید از باران است و هر وقت بارندگی کم شود این جزئی حاصل نیز خراب می شود چنانچه امسال قلت باران صورت جزئی زراعت و پریشانی زراعت و انباشت زوایا گردیده است - ازین بیانات ظاهر میگردد که حاصل اسرودزه این نواح برای تمام مرستان کافی است و هرگاه حاصل کم عمل آید حمل و نقلش را منع نمایند و این نکته مایه پریشانی تمام اهلی عربستان می شود - در صورتیکه اراضی را بقاعده صحیح زراعت نمایند تمام این نواقر رفع میگردد و هرگاه زیاده بر ضرورت اهالی ملک زراعت شود اسباب ثروت مملکت میگردد

نظر بااطلاعی که من حاصل کرده ام در اهواز حاصلات ذیل مانند بهترین قطعات حاصل خیز بعمل می آید (۱) گندم فی نحسی هفتاد هشتاد و اگر روی هم رفته حد متوسط آن ملاحظه شود چهل بسول خواهد آمد

- (۲) پنبه
- (۳) خرما
- (۴) برنج

مطابق این حساب یعنی حد متوسط حاصل یک قطعه زمین که هزار (هکترا) باشد سالانه دوازده هزار تن خواهد بود (تن بیست و هشت تن سنگال و من سنگال چهل سیر و سیر دویت انتقال است) و قیمت محصولات حاصله ازین یکمطمه اراضی تخمیناً صد هزار تومان ببول اسرودزه ایران است - در باره پنبه لازم است اظهار دارم که چون در عربستان اسرودزه پیدا زراعت نمی شود تخمیناً حاصل خیزی آن را نمیتوان نمود ولی چون این اراضی مانند عراق عرب و شیبه برود تیل است و آب و هوایش نیز مشابهت تامه بدانجاها دارد میتوان گفت بهترین بنه دنیا در آنجا عمل خواهد آمد لذا جای شبهه نیست که زراعت پنبه در آن سر زمین دارای منافع بسیار است - درین ورقه تخمیناً مناضه به را ذکر نه نموده ام ولی در رپورت مخصوصیکه بحضور اولیای دولت علیه رسائیده مفصلاً ذکر کرده ام

درین سر زمین دوخت خرما چهار ساله بارور می شود ولی در بهره و بوشهر کم از هفت سال درخت خرما بار نمی دهد - رسم است بدو خوشه گل درخت خرما را میبرند که پر قوت شود و بار زیاد دهد حاصل یک درخت خرما سه چهار ساله تخمیناً پانزده مراگک خواهد شد و بصارف پرورش آن هیچ نیست مگر آنکه باید بطریق شایسته آبیاری شود درخت خرما را بفاصله پنج متر از یکدیگر می نهانند

مثلاً فرض شود که در طول مجرای نهر و دور استخرها در یک قطعه هزار (هکتار) پاتوده هزار درخت خرما میتوان نشان داد و هر یک سالانه پاتوده فرانک دخل او خواهد بود یعنی نهمه و سی و هفت هزار فرانک ازین یک حاصل بی زحمت و خرج یک فائده زراعت این قطعه زمین خواهد بود تخمیناً حاصل زراعت برنج را نیز درین اراضی ندانم ازین رو دوست میتوانم فائده آن را بیان کنم - بواسطه رعایت شکر در مصر و امریکا و هند و اروپا امروزه بیان فائده آن عمل اطمینان نتواند شد هرگاه زراعت نیشکر را هم مصمم شود لازم است که کارخانجات شکر سازی احداث شود چه بسجود بریدن نیشکر شیره اش را باید استخراج - تسیر کارخانجات شکر سازی مصارف زیاد برمی داند وجه قابلی باید بخارج برای خریدن ماشین و قیچہ فرستاده و نیز لازم است که برای عمل آوردن نیشکر از خارجه مستظم گذارند

در اینکه اراضی این صناعات خیلی حاصل خیز است جای هیچ شک و شبه نیست (میسودی ماریس) که بریاست هیئت کبسیون تحقیقات آثار عتیقه ایران آمد و خرابهای شوش را حفر کرد و در عربستان نیز سفر نمود درحاصل خیزی این اراضی تأیید کلام مرا نموده چنانچه مشارالیه ۱۵ مارچ (۱۹۰۴) در خطی که بمن نوشته چنین می نویسد (چه قدر مایه افسوس است سر زمینیکه بدین پایه حاصل خیز است باز گذارده اند - من مسلم دارم که باید بدوا مبلغی صرف تصحیرات لازمه و بندهای قدیمی آن نمایند ولی این نکته را باید دید که چون آب رودخانه درین اراضی جاری شود این بیابان وسیع تماماً زیر زراعت خواهد آمد و حاصلانش صحرا ها را پرخواهد کرد در این اراضی هم قسم حاصل میتوان عمل آورد نیل - شکر - برنج - گندم - جو - پنبه - خرما و غیره امالی این سر زمین با اینکه در زراعت اصول یارونه دارند و بوضع جدید عمل نمیکند مع ذلک سالی دو نوبت ازین اراضی حاصل میکنند)

اراضی حصه بدوا باید زیر زراعت آورد اراضی باثرة اطراف قریه اهواز است که در ساحل رودخانه کارون واقع شده این اراضی در ارمنه قدیمه در حکمت بونانیان نیز معروف بحاصل چیزی بود - و مشهور است که هارون الرشید که یکی از ملکان عباسیه است هم ساله خراج زیادی ازین قطعه اراضی حاصل می نمود - بهرین است که هرچه در تعمیر این اراضی صرف شود و در زراعت آن کوشش نمایند زحمت برایگان نرود و فوائد بزرگ و عظیم حاصل آید - چه این ممکن بحسب طبیعت زمین و آب و هوا حاصل حیر بوده و اینک که سالهاست لم یزرع مانده حکم اراضی بکر را دارد - تابش آفتاب بدان اراضی معتدل - آب و هوایش خوب - امراض مسریه معدوم هوام الارض مانند مار و حفره و سایر حشرات ارضی هم به ندرت دیده می شود صلا - برای اینکه منافع بسیار از زراعت این اراضی حاصل شود جز آب هیچ ضرورت نیست هرگاه آب برای صحرائی وسیع جاری آید زارین هواید هم عقول حاصل خواهند نمود اگر امالی این مملکت دارای علوم و فنون زراعت شوند دو مقابل فائده نسبت باول حاصل خواهند کرد - و ثروت آنان در قلیل زمان در چند دقیقه پدید خواهد آمد - این در صورت قطع نتیجه مأمور نیست که من از

جانب دولت علیه ایران دایم من باب ضرب این صناعات قصه ذکر می شود که بیانی خالی از تفریح نیست - افول است صفا در ایام طلب تاجر مستبری که دارای زراعت بسیار بود و در اهواز سکونت داشت قصد زیارت عتبات عالیات نمود - قبل از حرکت نیشکرهای خود را بریده بانبارها ریخت منظوم نیست که تاجر مذکور بکجا رفت که به اهواز باز نگشت پس از چهار سال صفا مردم از آمدن او مطبوس شدند در انبارهای او را گشاده عملی الاخرین دیدند آن متاربه از آن انبار در آورده دو شهر منتشر شد و تا مدتی مردم از آن حیوان فونزی در اذیت بودند - امالی این نواح خرابی این شهر را بسبب آن متاربه میگویند اینها مسوولان است ولی تجربه من این است که با جهد و کوشش و نجس بسیار اگر خرابی را پیدا بتوان کرد

ضمیمه من این است صفا بواسطه خرابی بند اهواز و شکستگی بند کارون زراعت اهواز نابود و معدوم گردید و از انهدام زراعت تجارت او معدوم شده است - همینکه بند کارون بسته شد آب بالا می آید و بواسطه جریان مصنوعی تمام اراضی وسیع آن که امروز باثر است دایر و بجانب جنوب و مشرق نیز بر آبادانی می آید

بالجمله - چون از عربستان معاودت بطهران نمودم نتیجه ملاحظات و تحقیقات خویش را باولایای دولت علیه تقدیم کردم و در آن رپورت رأی خویش را نیز ظاهر ساختم که قبل از آغاز بدین امر برخی اقدامات لازم است بشود و آن اقدامات ازین قرار است

باید اراضی آن نواح را از روی علم و فن زراعت ملاحظه کرد و نقشه تصیرات را کشیده سپس تخمیناً مصارف آن را با اندازه لزوم نمود

همچنین میتوانم گفت که اولیای دولت علیه اهمیت این امر را دریافته اند چرا که بدوا هیجده هزار تومان بدون تأمل مصارف ابتدائی آن را مقرر داشتند که به نگارنده به پردازند که فوراً لازمه تحقیقات را نموده در کارهای ابتدائی آن اقدام نمایم اینک دو نفر معمار کامل و یک سبب برداشته که باسلطنت آنها اراضی اهواز را درست ملاحظه آنچه لازمه تحقیق است معمول دارم - و چنان تصور میکنم که تا آخر سال ۱۹۰۵ میلادی نقشه کلیه امور را کشیده و تخمیناً مصارف را کرده تقدیم اولیای امور نمایم - هرگاه چنانکه ذکر شد دولت علیه ایران مصارف آن را میسر نموده باشد از آغاز سال (۱۹۰۶) ابتدا به تعمیر بند خواهد شد این عمل چون لوازمات بسیار از قبیل ماشین بند سازی و کندن کالاب و نهر و غیره دارد که آنوقت باید نموده - تصیرات در اواخر سال مذکور شروع خواهد شد - و اصول تصیرات ازین قرار خواهد بود

سال (۱۹۰۷) میلادی یک قطعه که عبارت از هزار (هکتار) زمین پاتوده نیشکر و آباد و منزرع خواهد شد سال (۱۹۰۸) فائده دروات کم خواهد بود چه فقط از هزار (هکتار) زمین حاصل گرفته قطعه دیگر را بهمان مقاصد آباد نموده زیر زراعت خواهد آورد (سال ۱۹۰۹) از دو قطعه اراضی حاصل گرفته قطعه سوم را تعمیر و زراعت خواهد نمود درین حال قطعه دولت ازین دو قطعه نیشکر باقی مانده خواهد بود

میتوان اراضی شمال غرب و شرقی را نیز آباد نمود قرنها
میگذرد که جلّه (بن اراضی تحت زراعت آید

آنگه ظاهر است پس از جریان آنها دو اراضی و
غرس درختهای دریا هوا و اراضی آن سر زمین نسبت
بمجالس طوی خواهد شد و از آنکه امروزه طران می بارد
بیشتر خواهد بارید ایلات و چادر نشینان آن صناعات بواسطه
آبادانی اقامت خواهد گردید و اطراف احوار سکونت خواهند
گرفت و زراعت اشتغال خواهند نمود هم خودشان مقصدن
خواهند شد و هم بر آبادی شهرهای آن نواح خواهد
افزود و ثروت و امنیت ترقی خواهد کرد و این اطراف
ممالک که قریب است از آبادی افتاده ویران شده است بهترین
حصص ممالک ایران خواهد شد - تمام این ترقیات نام اقدس
شاهنشاه ایران که مصمم چنین امر - طبری شده در تاریخ
زنده خواهد بود - امیدوارم این کار بزرگ که فوائدش نسل
بعد نسل باقی و برقرار خواهد بود انجام گیرد و مانع و
باقی از پلایت مصارف آن پیش نیاید ستمبر ۱۹۰۵

(دی - ال - گرا)

(رئیس مهندسین هولاندی سد اهواز)

سال (۱۹۱۰) یکصد و بیست و یک هزار فرانک
گرو و سیصد هزار فرانک نفع دولت خواهد بود

سال (۱۹۱۶) چهارصد و بیست و یک هزار فرانک
سال (۱۹۱۷) ششصد و بیست و یک هزار فرانک

سال (۱۹۱۳) هفتصد و بیست و یک هزار فرانک
سال (۱۹۱۴) نهصد و بیست و یک هزار فرانک

سال (۱۹۱۵) یکصد و بیست و یک هزار فرانک
رو جهت هر ده ساله اول قانده دولت لوزین هر چهار

و یک کرو و دو بیست و پنج هزار فرانک خواهد بود
از میزان فوق ظاهر گردید پس از چهار سال حاکم

ملکونه دولت لازمه دیگر خرید شود و بکار افتد دولت
و منفعت سنگت باید خواهد شد و هم ساله این منابع

در ازدیاد خواهد بود - و تا سالهای بسیار بهین منوال
میتوان هم ساله نطفه از آن اراضی را تسخیر و بر دخل

افزود - فقط سال اول خرج و زحمت زیاد و دو سال دوم
همین قدر که دخلش زیاد شده زحمتش کم می شود و مصارف

جری تعلق میگیرد - این سلسله را تا سالهای بسیار میتوان
جاری داشت چه رود کارون در سری جبال احوار واقع و



(نقشه سد اهواز و تسخیر و آبادی ممالک خوزستان)

جبل التین

سرت اعضاء امامه مقدس از اقدامات شاهزاده صدر اعظم و محققان مهندس و نقشه تعمیرات که با اندازه ایست که بنوایم بیان نمود چرا که دوازده سال است درین موضوع قلم زده و خوابه جگر ریخته ایم بر همصران محترم و جرائد فارسی متأذیم که ما در فاصله ده هزار میل این گونه عناوین را بچنگ آورده در نشوونوی و ترغیب دولت و بشارت ملت از واقعات خانه و محل سکونت آنها مینگاریم و آن بزرگواران کلام فی غفله من هذا انگاشته گویا نگاشتن این سخوز عناوین را خارج از وظیفه جریده نگاری میشمارند و در سایر امور عذر عدم آزادی قلم شامد پذیرفته آید ولی اینگونه موضوعات آزادی قلم را مدحبتی نیست تا اخبارات فارسی از داخله خود سخن نرانند و از نواقص ملک خویش مؤذبانه بحث نکنند ملت رجوع بآنها نخواهد کرد و تا وقتی که اهالی رجوع باخبارات ملکی نمایند حالت مالیه آنها ترقی نخواهد نمود و تا وقتی حیثت مالیه اخبارات ترقی نکند هماره مطایع ناقص خواهد ماند و صارف تکمیل نخواهد شد - این نکته را فقط از روی حیرت خوانی و هم قلمی مرض نموده و هیچگونه مرض و غرض نداشته ایم بلکه هر قدر جرائد فارسی کم تر تکمیل شوند نواقص ما کتر ظاهر خواهد شد و تا اندازه این امر مفید بحال ماست ولی ما هماره فائده نومی را بر منافع شخصی ترجیح داده ایم امیدواریم همصران محترم ازین و بهد بیشتر بحث خود را در معاملات داخله قرار دهند و سعی واقدام فرمایند که بیگونه عناوین که اندا آزادی قلم در کار ندارد و فائده اش برای ملت و دولت پیش از آن است که ما بنوایم تشریح کرد بدست آورده بنگارند تا اندک اندک طرف رجوع ملت شوند اعضاء امامه مقدس ازین جسارت و قصور نسبت به همصران محترم خود امید عفو فرمایند - و بزرگان گفته اند

(الذو عند کرام اللاس مقبول)

آثر خامه یکی از دانایان

مؤید لا-لاطا - شماره هشت و نه روزنامه مقدس را نوام آوردند بمطالعاه پرداختیم رسیدیم فقره بند اهواز عقده دلم کشوده و از اقدامات نواب اشرف اسعد والا شاهزاده عین الدوله صدراعظم دامت شوکت بی اختیارگریه شوق دست داده تقرین سلف حضرتش بزبان جاری شد - که ای از خدا بیخبر دشمن هیکل اجتماعه و عدوی دین مبین چه می شد در استقراض نخستین با آنکه بدون سبب و وجهه بدان اقدام و صحیفه تاریخ ملت و دولت را لکه دار و خال نشکی بر پیشانی هیئت ملت گذاردی بهمین عهدیکه محض فریب ملت در روزنامه رسمی اعلان نمودی که از وجه استقراض بند اهواز را خواهم بست وفا میکردی و از پست و چهار کرور بیفای پست سکرور اکتفا و چهار

کرور را در اینراه مصرف می نمودی که هم اندکی موجب التیام این زخم ها که بر بدن ملک و ملت کشاده بودی میشد هم فی الجمله خاطر ما تسلی می یافت
بلی از آن جنس آدم نباید چشم داشت غیر از آنچه کرد داشته باشیم - کسی که بعمداً ولی نعمت خود را شهید خواهد و خزانه دولت را در آن هنگامه بیغا ببرد و واردات خزانه دولت را مخصوصاً بتساراج دهد تا دولت را محتاج باستقراض نماید در حسب مواضعه که با غیر در میان دارد هزار گونه آهو گردانی نموده و نگذارد هیچ دولت و ملت اقدام فرس دادن بنمایند و با آن شرایط منحوس استقراض نموده و فوراً وجهش را هباء متثورا یعنی برفقا و همدستان خود تقسیم و برده در فرنگستان بطورهاییکه گفتنی نیست مصرف نمایند - بهیسی است ازین جنس آدم غیر از این گونه حیانت ها بروز نتواند نمود از حفظه حلاوت شکر خواستن نباید

بر ادب دانش و هوش حیانتهای او و همراهانش در خصوص سرحد خراسان و فیروزه و آنچه دولت شمالی طرف مقابل بوده هویداست محب انجاست که گویا حس همی هو و زایل و خرد و هوش از سر جبه اهل ملت بریده زیرا در طهران که دارای پانصد و شصت هزار نفوس است - این بی همه چیز سد همه بلبر را نمود و هیچکس بی بخلاف او نبرد اکثر دول و ملک با شرایط بسیار سهل و آسان طالب قرض دادن بودند هر یک را به تمهیدی ساکت نمود - از آنجمله دولت و ملتی که حبه استقراض دادن با شرایط بسیار نافع حاضر بود ملت و دولت فرانسه بود - شرح آن قضیه آنکه پس از حصول یقین که دولت علیه ایران استقراض خواهند نمود موسسولر معلم فرانسوی اخطاب را با وزیر مختار فرانسه در میان نهاد و سفیر فرانسه با کمال شوق با در میان شده و با دربار دولت فرانسه آغاز گفتگو نمود - بانکهای دولتی قوم نجیب فرانسه حاضر شدند که بقدر لزوم از قرار صدی سه وجه بدهند بدون هیچگونه شرایط خانه برانداز - و در ضمن این استقراض میخواستند دولت را بیک خیر بزرگی دسترس نمایند یعنی تکلیف نمودند که دولت بیک بانک ملتی که فرانسوی (آترماسوال)

موجب و نسیب را مردم تومانی به دو هزار و سه هزار میفروختند و همیشه خزانه مالیات می و آواز ولدینا از هر طرف بتد بود - چه شد که در عرض اندک فرصت موجب و وظیفه عموم در سر هر سه ماه بدون زحمت تمام و کمال تقدماً پرداخته میشود و چهار کرور جبهه سد بند اهواز آماده و فراهم و زنک ملال را از خاطر مقدس هاپونی ردوده اند
(جو دستور باشد چنین کاردان)

(نو شه را هنر نیز بسیار دان)
ذات اقدس هاپونی از روزیکه زیب افزای اورنگ شهریاری گردیده اند پیوسته در صد آسودگی ملت و آبادی ملک و ترقی دستگاه حرب بوده اند. و (مفاد الملوك مملومون) دانسته اند هر دولت تا دستگاه حرب خود را در خور دفاع آماده و مهیا نسازد چه بگونه ترقی نائل نتواند شد و آرایش لشکر سته باسایش رعیت و آبادی کشورست

رعیت چون رعایت دید ملک آباد میگردد و تا ملک آباد و رعیت دارای ثروت نگردد دستگاه حرب انتظام نخواهد یافت. و اگر ایوان جهاد بطور البق تشکیل و مهیا نگردد ترقی و پابندی ملت محالست - لذا جبهه دخل عاجل انتظام اداره رسومات و اراده فرمودند - ولی نامرد ازل و ابد محض استبداد وای و خدمت و همراهی از خیال همسایه بدون آنکه با مردمان آگاه از خودی و بیگانه استناره نماید معاوله نامه را که دست نشاندگی طرف مقابل بدخلوا بلکه سواد راجع باو درکاینه خود آن دولت تنظیم شده بود بامضای دولت علیه ایران رسانیده و بموقع اجرا وضع نمود و سبب شد که طریق تجارت ایران مسدود و دخول افش و استه ایران بروسه محدود و اسباب سهولت تجار روس فراهم و امتعه او ترویج گردید صد هزاران مردم از کار مانده سفیل شدند و سالی هابالغ کلی از دخل مملکت گاست

(بدن عنصری نمی یابد)

(بلکه پابنده نلم نیک و بد است)

(قانون مملکت که دو صد خانه گنج داشت)

(نوشیروان مردم که نام نکو گذاشت)

بزرگان و حکمای عالم و خردمندان متمدن خدمت

می نامند به تکمیل نماید - و بانک مزبور وجه را استقراض کند و جبهه فروش اکیبونها صدی دو تریلیون صدی بود و هفت نقد بگیرند - چون دیدند در کار میرزا علی اسفرخان تعلل دارد چنان پنداشتند جبهه تعارف صد هزار تومان هم جبهه تعارف منظور داشتند - همینکه کار را بدینگونه دید ترسید رفته رفته مطلب به پیشگاه اعلی برسد حضرات را اغفال و در کار استقراض از همسایه شمالی با آن شرایط نیاید بر انداز تسجیل و معنی از همگان شرایط را بامضای هاپونی رساند - يك وقت دیگران خبر گرفتند که کار از کار گذشته بود بلی آن نمک بمرام جز اجرای مقاصد و پیشرفت امراض شخصی اندیشه نداشت اینهمه شرایط منحوسه را که در ضمن آن استقراض پذیرفته بی سبب نیست حیث

(گوشها پهن است اما باز نیست)

يك کرور نقدا تعارف گرفت و هم دولت روس در ضمن این خدمت و مکافات این خیانت که بدولت خود خواهد نمود بعهده گرفت که تا افضاء مدت این استقراض خواه منصوب باشد خواه معزول طایفه هزار تومان که سالی صد و پست هزار تومان باشد باو بدهد و پس از کشیدن نفس واپسین درباره باز ماندگان او برقرار باشد

ای ملت ایران اگر هوش و گورن تان بازست در آنچه نگارش رفته خوب تأمل نماید و بسختان ساخته طرف داران او اعتنا فرمائید که اگر سیات اعمال هر يك از آنان را که در ابطال حقوق دولت و ملت ایران بکار برده اند چنانچه میدانم بقلم آدیم خایمان آنانرا باید از ایران براندازند - صد هزار افسوس که محکمه های ملی قائم نیست تا آنان را بمحاکمه کشیده و جزای کردار آنان کما یلیق جبهه تنبیه دیگران درکنار شان نهاده شود - آیا در مقابل آن خدمتیکه بدولت شمالی ما این خائبن دین و دولت و ملت نمود این یاداش و مکافات زیادست؟ خیر - ما را هزار يك اجر خدمت او نیست

ای برادران ایرانی هم وطنان غیور درست فکر نمائید ایران همان ایران - ایراد و مصارف همان - حسب چه بود در وزارت میرزا علی اسفر خان پرات

آنصر گذشته است که

مکتوب یکی از مؤمنین

بدارالانشاء نامه مقدس جبلالین زاوایه متانت
زحمت افزا آنک :-

چندی قبل در برلن پایتخت دولت آلمان بودم
یکی از سفارت دولت معظمه مسلمانان ممالک روس
عرض حالی جبهه تقدیم بحضور اعلیحضرت امپراطور
آلمان فرستاده بودند. چون ترکی العبارة بود عرض حال
مزبور را نزد من آوردند ترجمه نایم. لذا استساخ نمود
و ترجمه اش را بترجمان سفارت مزبور دادم. بقدر دو
صفحه در آغاز عرض حال آیات و احادیث و اخبار
نگاشته اند که آن خود دلیلی است حکمانی بر اسارت
معنوی آنان. گویا بچارگان از وضع عالم خطه ندارند و
نمی دانند در عرض حالیکه بدول اروپا داده میشود آیات
و احادیث نباید نوشته شود. بلکه مطالب را بقانون
اروپا تطبیق نموده و از روی قانون اروپا که در این
عصر مدنیت عموم ملل اروپا مطابقت از او را فرض
مبهارند در صدور مطالبه حق خود برآیند. چون
بوجهه ای بر ذمه خود فرض دانستم صرف نظر
از مقدمه خلاصه مطالب عرض حال مزبور را ترجمه
و ابنت ارسال اداره مقدس داشتم. که محض انسانیت
در ضمن صحیف نامه مقدس به انتشار او پردازید.
به ینم قوم مدنی اروپا خاصه دولت و ملت انگلیس
و دولت و ملت امریکا که دایم دم از عدل و داد
زده و خود را دادرس درماتدگان وضعنا بشمار می
آورند چه خواهند کرد و عرض نظم این بیچارگان
بجائی خواهد رسید یا وجهه انسانیت را رها و بوجهه
حمایه روس که از دول مسیحی بشمارست مسکوت
منه رها خواهند کرد

(مواد عرض حال بدین قرار است)

در اینصورت مدنیت که هرکس از حریت افکار
استفاده مینماید چرا باید ما مسلمانان که در تحت تابیت
روس میباشیم از این فیض محروم باشیم
هر حقوق ما مسلمانان در زیر فرمان دولت روس
خارج شده و همه روز ضایع تر میفود. نخست دواتر
مخصوص جبهه اداره روحانی ما مسلمانان دائر و مسیحا

بیت اجتماعی را طایفه بقای نام و پابندی جاوید داشت
و در آن راه صرف همت نموده اند تا در جبرک اموات
بشمار نیامده و هم استقبال بازماندگان تائین شود
این مرد با همه اینها ننگار دخیل رسومات بخرج
سودمندی برسد. کرد آنچه کرد که اگر سیات آن
نامرد را ساطا بهاریم یکی از صدرا گفتن نتوانیم. در
انجا محض یاد آوری لازم دانست این نکته اهم را
بعرض حضور اولیای امور عرضه دارد تا خود را
مستغنی از همه چیز ندانیم نباید مانع منافع تجارتی هیچ
قوم باشیم و تجارت عموم دول را باید در یک میزان
نگاه داشته و هیچ دولت و ملت را مایوس از منافع
ممالک ایران نسازیم ازین بهتر گفتن شاید.

باری گفتم نام نیک حیات جاویدست پس هیچ
کس در اموریکه بدست کفایت او سپرده است تا اظهار
وجود نموده و ازو خارق العاده بظهور نیاید بکس
نام نیک دسترس نتواند شد. نظیر ایمنی در میدانست
امروز در عالم نام (میکادو) امپراطور ژاپون باشد است
نام امپرالبحر او توغو و هکذا نام اویاما و نوژی که
(براتور) را فتح نمود و اوغو در هر عقل به نیکی برده
میشود. زیرا در بی سال بقدر سیصد سال ملت و
ملك و لشکر را ترقی داده و سرداران او در هر
میدان کوی مراد را میرایند. نواب اشرف احمد والا
هم حق اینست در انتظام امور خزانه مالیات بد و
بیضا نمودند ولی ملت ایران و هیئت اجتماعی از آن
بزرگوار بهمین قدرها قانع نتواند شد. هموما در انتظار
مباشند. نفوس ایران بهمت والامشخص و در وضع
اخذ مالیات تعدیلات کافی بعمل آمده دستگاه حرب
انتظام یافته و بقانون اروپا جمیع ملت داخل سلك
جایل عسکری شده. دوا بر از یکدیگر مجزی و تبولها
لغو. خرابیها آباد. جهان عالم با بجزیران از حال عالم
با خبر رسم مساوات مجزی گردد. زیرا بی اعتدالی و
استبداد همیش باحر رسیده. اگر دولت چین است که
در آخرین نقطه آسیا واقع شده بالاطبع او را بترك
استبداد و اجرائی عدل و داد مجبور مینمایند. و اگر
دهنت با سلطوت روس است باز ملت در صدد مطالبه
این حق خود برمیآید پس طبیعت عالم مقتضی اینست
که باید قانون عدل جاری باشد و حقوق ملت محفوظ.

(اسکار درپون) علیحدہ تشکیل شدہ بود کہ تنها در شبہ جزیرہ قرم استخدام شوند و بسایر ولایات روسیہ سوق نہایند و ہم مخصوص خودشان اطعمہ داشتہ باشند

راباً - عموم مسلمانان کہ در ممالک روسیہ بودند بر حسب قانون در آیین روحانی خود آزاد و در حقوق با قوم روس مساوی باشند

و قس علیہذا معلوم است اگر ہمین چند فقرہ حقوق کہ شمرده شد در طردہ مسلمانان رعایت و بر وجہ احسن محافظہ میشد البتہ قوم تاتار در مقابل آن با کمال صداقت فرمان حکومت را گردن نہادہ و از جان و دل اطاعت مینمودند - ولی افسوس کہ بموجب ارادہ امپراطوری در سال ۹۳ قرار بر آن داده شدہ کہ متقیان باید از کسانی انتخاب شود کہ در مکاتب عالیہ روس اکمال تحصیل نموده باشند

مسلمت در مکاتب روس علوم شرعیہ دین مبین اسلام تدریس نمیشود بس شاگردان آن مدرسہ جاہل و بجزیر از شریعت اسلام میدانشند چنانچہ الیوم جبہ متفیکری حکمہ (اورنبورغ) کسی را انتخاب نموده اند کہ اہدا از علوم دینیہ و احکام شرعیہ آگاہی ندارد بلکہ از خواندن و نوشتن خط اسلام عاجز است - و حکذا مقرر داشته اند حکمہ اعصاء محاکم مزبور مطلقاً باید روسی بدانند و حق انتخاب ملت اسلام دربارہ مفتی و قاضی نزع شدہ است و حکومت بدخواہ خود برخی مردمان جاہل بی دیانت را مفتی و قاضی تعیین نموده و مینماید - احکامات مستبدانہ حکومت منحصر بہ اینہا نیست تقسیم ترکہ اموات را ہم در (اورنبورغ) از حکمہ شرعیہ گرفته بمحکمہ نظامیہ سپردہ اند و جای هیچگونہ شک و شبہ باقی نماندہ در ہمین زودہای عمل نکاح و طلاق را ہم بمحکمہ نظامیہ حوالہ خواہند نمود

حق چند سال قبل در ولایت (آق ملاق) در شہر (کوکچہ طار) از (او مسق) ارجاری نام مأمور حکومت آمدہ و بتوسط پولیس و قزاق ہمہ را بہ کلیسا جمع نموده و مسلمانان را مخاطب کردہ و گفت - از امروز بید شما نباید بہ احکام قرآن رفتار نماید اینست کتاب شما و بہ توزیع انجیل پرداخت و

بود و مسلمانان امتیازات چند را داوا بودند - ولی در این عصر دستم کہ نور مدنیت آفاق را منور ساختہ چرا برخلاف مراسم مدنیت و برخلاف مقتضیات وقت دولت روس ہم بدم بر استبداد خود افزوده و در حدود محو و ابطال حقوق ما مسلمانان بر آید

چون کمال امنیت و خاطر جمعی را داریم کہ دول و ملل متمدن اروپا بوجہ آدمیت رضا با ابطال حقوق ما نخواہند بود و بدون تفریق دین و مذهب بنام انسانیت بفریاد ما خواہند رسید - لذا بعضی از حقوق ضایع شدہ خود را بروجہ آبی تعداد و بیان مینمایم در زمان سلطنت امپراتوریہ کترینہ حکمہ سال ۱۷۸۷ مسیحی بودہ باشد بمقتضای قانون دولت روس جبہ رؤیت امور مسلمانان بقانون شرع شریف اسلام در بلدہ (اوغا) یک حکمہ شرعیہ مرکب از یک مفتی و سہ قاضی کہ از طرف علماء با اتفاق آرای مسلمانان قزان انتخاب میشد موجود و بر قرار بود تا بمعاملات و مسائلیکہ فیما بین مسلمانان مکنون و واقع میشد رسیدگی و حل و بہ ادارہ مساجد و مدارس نظارت نمایند کہ در معاملات طلاق و نکاح و تقسیم ترکہ ہم بدان حکمہ مراجعت و در آنجا تدقیق و فصل میشد و ہمہ این امور راجع بدان حکمہ بود

ثانیاً - بموجب امر نامہ امپراطوری کہ در سال ۱۷۹۴ صدور یافت جبہ تعلیم اواصر دین اسلام جواز داده شدہ بود کہ بقدر لزوم از فرقة علمای اسلام چہان طوائف مسلمانان صحرا نورد مانند عشایر (قرغزو قزان) رفته بامر معروف و نہی از منکر پرداختہ علوم و مسائل دینیہ را بدانان بیاموزند - و حق بمسلمانیکہ از سمت بخارا و خیوہ مهاجرت و در قطعہ (سریا) سکنا نموده اند امتیازات وسیعتر از اینہا دادہ و آنان از مالیات سر شہاری و بدہ تجارتی معاف بودند

ثالثاً - مسلمانان قرم ہم خودشان مالک یک حکمہ شرعیہ بودند کہ در امورات دینیہ بدان حکمہ مراجعت مینمودند و اوقاف مسلمانان نیز در تحت ادارہ آنان واگذار بود - و واردات اوقاف بامور نافذہ ملت مانند مکاتب و مدارس و تعمیر مساجد صرف میشد - و از برای عساکری کہ از مسلمانان (قرم) میگرفتند یک

میخواهد حتی زبان روسی را داخل نماید و این در هیچ ملت روا نیست (بالی دارد)

مکتوب از خراسان

(آن یکی گفتش که خواجه بوالی)

(بانک طاؤسان کنی گنتا حکه لا)

امروز ازدگان عطاری دواي استفراغي خواست بودم. ملفوفه بعضی از عساقیر نسخه صفحه مطبوعه بود که از قراین روزنامه چه بنظرم آمد. از آنجا که دای را عشق غریبی بقرائن جراید است بنا کردم بخواندن صفحه. چند مطلب در او یاقم قلم گرفتم و گفتم جواب بشویم اگر میدانستم این جریده از کجا و مدیرش را چه نام و نشان است شخصاً و راساً این چند کلمه را که غرضم اصلاح حال عالم جرائد است و بس بخود آن اداره مینوشتم همین قدر دالتم که از بناهای جدید است و بدقتی او هم بر صاحب پلتیک محسوس است این چند کلمه را نوشتم

اولاً اینکه این جریده نویسن چنین فهییده است که پلتیک یعنی دروغی که در حین گفتن مستمعین دروغ بودنش را برای العین بینند و شرط هم همچو دروغی جایز است گفتن و از قبیل مزاح محسوب است. مثل اینکه در یکشنبه دوازدهم رمضان مینویسد (فتوحات و همیه ژاپونیان و غلبه موموم واپون) اگر شا اطلاعتان این قدر است (الحق) مثل شا مثل آنکس است که از حکومت امر صادر شده بود حکه او را قویروقه بکنند یعنی بچوب بزرگی دم مصنوعی باو کارگزارند. مأموران حکومت دپوسی را که دو سه ذرع و بیشتر بود بر موضع محسوس بوشی غیرمانوس گذارده بنای کوفتن را گذاشتند مقصر درین حال بخیالات شخصی خود استقبال داشت و بعد از ارتکاز دو سه وجب روی بجنب نموده از تماشایشان سؤال مینمود که این صدای طق و طق از کجاست

دیگر مینویسد حکه جبل اللین بوسیله مقالات غرض آمیز قلوب قاریان را بهیجان آورده در ضمن باغراض شخصی مکتونه خود نائل میگردد. بایشان باید گفت حکه جریده فریده جبل اللین اینک سال دوازدهم را نزدیک تمام کردن است و در امر بدست آوردن اغراض شخصی خود و علم پلتیک و سیاسی

عموم اطمینان را مخاطب نموده و گفت - از امروز به بعد ما ذون نیستیم در میان مسلمانان با شریعت پیغمبر رفتار کنید و کسی از شما نباید نام شریعت را بزبان جنری نماید و به عمل نکاح و طلاق و قسم ابداً نباید مداخله نماید. يك سال پیش از این (اقموانسکی) جنرال و ایالتی کورناتور و (والی عسکری آمیرال سوحاتین) با فرمان مخصوص اطمینان مسلمانان را از مسامحه با احکام شرعیه رسماً و عتاً منع نمودند و این فرمان با روزنامه های ولایت نشر و اعلان شد. چون نوروز ملا امام (کوچه طار) مخالف احکام فرمان مزبور حرکت کرد او را با دو رفیقش ضی و تجید نمودند. دوات روس مسلمانان تبعه خود را با این شدت از محاکم شرعیه که مرجع دینی آنانست منع مینماید شبه نیست که آرزو و آماش آست اسلامیت را از ممالک خود بکلی محو و برطرف نماید ولی عمل و سکناي ما مسلمانان ملك او نیست خانه ما است که بشرط مساوات و آزادی آیین بدو برده ایم. و چون در فکر آنست که طوایف قزاق و قرغز را یکباره روس نماید. لذا مساعدت نمیدهد که با اعلامی تاآر مخالفه و ملاقات نمایند سه ماه پیش از این والی (آق مالا) آمده بشهر (پتروپاول) و در آنجا علمای اسلام جمع کرده و گفته است - شما را بکلی از اختلاط باقرغزان منع مینمایم هر آنکس که باقرغزان ملاقات و در صدد تعلیم اوامی اسلام برآید جزای او در دست من است و در یست و چهار ساعت به قصای شرق ضی میشود. و از سال ۱۸۶۸ اداره مکاتب و مدارس از محاکم شرعیه گرفته و بنظارت معارف برده شده و حال آنکه مکاتب و مدارس ما محسوس تدریس علوم و آداب دینی است و در نظارت معارف يك نفر یافت نمی شود که بزبان تاآر آشنا باشد. جبهه محافظه و ترقی مکاتب اسلامیة ازچهل سال پیش تا بحال ابداً از جانب معارف روس اقدامی نشده. نادراً اگر در برخی ولایات يك (آنسکتور) آمده است تکلیفش این بوده که باید در مکاتب لسان روس تدریس شود و اگر اهالی نمی پذیرفتند خدمتی از او روز نمیکرد مگر سد باب مکاتب مسلمانان که در آن مکاتب تحصیل علم دیانت میشد. و در مکاتیک درسی آیین تحصیل میشود

که محل اشکال نبوده و نیست و لیکن اگر بخوایم چیزی چند بیان کنیم چون در ضمن مطلب بیان خیانات اشیاء الرجال مملکت را لازم است

درد دل پنهان نمودن تا جگر بر خون شود

و که با هر کس نمودن جان زار خویش را

آنچه مقصد اصلی از نوشتن این کلمات شد این است

که در بیانات ژاپنیسان را دارای مذهب باطنه میخواند اگر غرضش از این اختصاص این است که دیگران مذهب باطل ندارند خود اطلاعش معلوم است.

بجهت اینکه اگر نسبت باسلام میخواند بگوید همه پسر کافرند. اگر نسبت به توحید ملاحظه شود همه مشرکند

ژاپنیان نویسد معنی دو خدائی و مسیحیان حلیه مثلثه اند

یعنی سه خدائی و هر دو قول در بطلان و نصف

مثل هم است. و اگر نسبت بتصدیق انبیا علیهم السلام

ملاحظه شود هیچکدام تصدیق انبیا قول صحیح

عقل پسند نمیکند زیرا که فضلا مسیحین حلیه مسیح

عینه السلام را یکی از خدایان ثلثه میدانند و در این

کتابهای که اسمش را کتب آسمانی گذاشته اند عیسی

را خدا نام میبرد و مع ذلك نسبت بانجواب وسایر انبیا

نسبت معاصی و شرب خمر و زنا و غیره بسیار میدهد

و حاصل از همه این مطالب اینکه کرور کرور ازین

کتابها ر بهمه زبان ترجمه کرده بتوان وقف و خیرات

هردم میدهند. این است که این انبیا را مردم امثال

خودشان فرض کنند و اعتقاد کنند که آنها هم مثل

مترجمین قوانین جدید مثل مردمانی بودند و در اذهان

عوام فرقی میان این قانون و آن قانون نماند. پس در

این قول هم مثل هم میباشد و مسلمانان اگر مسلمان

حسند اعتقاد شان این است که مدعی از سر رفع خود

اسمش هر چه میخواهد باشد دشمن اسلام و اسلامیان

که شد بتغییر اسم و لباس مستوجب نکوهش و سیاسی

نخواهد بود (زهر طرف که شود کشته شود اسلام است)

اما اینکه بوزن مدید و بحر طویل در مقام

مخالف خوانی مدیر جبل اللتین را خواه انگلیسان

و سخن پرداز پلتیک ایفان خوانده هیچگاه ندیدیم که

جبل اللتین در مقام حق گوئی پلتیک ایران و ایرانیان را

از دست داده بفرماید انگلیسان دولت خواه ایرانند

و هیچگاه نوشته است مثل این روزنامه نویس که

امروز بقدری استاد و سرآمد اقران و انداست که

هتاج باین گونه وسائل نباشد. ولی شما که شاید شن

حاه از هر شرفشان زیاده نگذشته است خودتان را

بوسیله بدگویی مدیر جبل اللتین که سبب بیخبر او نتیجه

مخاطب بمخاطب (ان شاکه هو الایق) معرووف نمیتوانید

بکنید. این چراغ خدائی است هر کس بظ کند ریشش

یسوزد و نم ما قاله الشیخ

سگی پای صبرا نشینی سکزد

بخشی که زهرش ز دندان جبکد

شب از درد بیچاره خوابش نه برد

بخیل اندرش دختری بود خورد

پدر را جفا سکزد و تندی نمود

سکه آخر ترا بز دندان نبود

پس از گریه مرد پراکنده روز

بخندید سکای بابک دافروز

مرا گر چه هم سلطنت بود پیش

دریغ آدمم گام و دندان خویش

حال است اگر نیخ بر سر خورم

سکه دندان پهای سگ اندر دم

توان سکزد با ناسکسان بدری

و لیکن نیساید ز مردم سگی

دیگر اینکه مینویسد که صفت صلح اندیش دولت

روسیه و این که هیچ وقت بخمال مداخله کردن در

امور داخلی دول همجوار خود نیفتاده بر هر کس

واضح و معلوم است - بی

(آنانکه منکرند بگو رو برو کنند)

صلح اندیشی روسیان و عدم مداخله آنها در

حک همجوار است که دو بیست هزار شان در کوریا و

جنجوریا کشته و هفتاد هزار و زیاده شان در مملکت

ژاپون اسیرند. گرفتاری جبهی سالوات و صاحب منصب

ایفان بدست همایان در واقعه گریت و یوتان بلکه تمام

وقایع تاریخیه ایفان دلالت نامه بر مطلوب و مدعا دارد

صلح اندیشی اینان را خاصه با اهالی ایران هر کس

بیلاذ روسیه سفر کرده خوب میداند - در گیلانات و

حدود استراباد و خراسان مداخله نکردن حضرات

روسیان در مملکت همجوار اظهر من الشمس است - فی

دراستتالار - روابط دوستی ما بین دولین ایران و روس

نفوس - مجموع نفوس این ولایت با تخمین نزدیک به
یقین از روی قواعد و تطبیقات فی دو میلیون بلکه
علاوه تر میباشد

ایالت آذربایجان در تحت اداره حضرت ولیعهد
اداره میشود. مرکز حکومت شهر تبریز و بلاد معروفه
اش (ارومیه) (خلوی) (مراغه) (دیلمقان) (طولج)
(مرند) (سوفیان) (اهر) (سرآب) (اردبیل)
(ترکانچای) (میانه) (خاتون آباد) (ساین قلعه)
(یناب) (میان دو آب) (دهختران) (ساووج بلاغ)
(اوشو) (بردازون) (آوه) (ماکو) (توطور)
و سایر است

تبریز - از جهت شهرهای بزرگ و منصور ایران
و کنار دشت وسیعی که تا ساحل دریای ارومیه امتداد
می یابد و دامنه شمال شرقی کوه سهند در ساحل یسار
رود معروف به (آبی جای) و در (۴۸۰) کیلومتره
غرب شمالی طهران و چهل کیلومتره شمال شرقی دریای
ارومیه و در (۳ - ۳/۸) عرض شمالی و (۱۲ - ۱۳)
طول شرقی واقع و دارای سیصد و پنجاه الی چهار
صد هزار نفوس است - هر چند در سابق با قلعه و
حصاری محاط بوده که طول آن دایره میباشد کیلومتره
بوده است - اما اینک در اطراف قلعه خارج از حصار
مخالت و سیعه و بناهای رفیع بنیاد شده از روی
حکوه سهند همینکه بسوی شهر عطف نظر شود از
شهرهای جسم کره ارض بودنش مشهود میگردد

این شهر دارای یست و چهار محله بسیار بزرگ
است که هر محله بمنزله یک شهری است و دارای
چندین جامع و مساجد شریفه و مبان عالیه ملکیه و
سکریه و مدارس قدیمه و جدیده متعدد و مکاتب
قدیم و جدید و باراری بسیار وسیع و زیبا بنام
قیصریه و کوجه و خیابانهای وسیع و میاه جاریه و
باغ و باغچه های این شهر نهد رشته جدول و
جوبهای مختلف آب یاری میشود

مشهورترین جوامع آن شهر یکی مسجد جهان
شاهت معروف به (کوی مسجد) که در بیرون
دروازه خیابان واقع شده و دیگری مسجد علی شاهت
که این هر دو مسجد اینک در حالت مخروبه می
باشند اینک هم باز در مسجد جسم جهان شاه

مینوسد هیچگاه بر ایران از طرف روسیه خطری
مظنون و محتمل نبوده و نخواهد بود که بر ایران از
طرف انگلیسان هیچگاه خطری مظنون و محتمل نبوده
و نخواهد بود - بلکه همواره بالنسبه مختلفه و عبارات
شکی گفته و میگوید که خانه دار از مطلق همسایه باید
خود را بیاید و تریه خانه داری را درست بنماید خواه
روسیا باشد یا انگلیس البته دول معظمه در احرای
نفوذ و یلتیک تجارت و امارت خود در دولت همجوار
کوتاهی نکرده و نخواهد کرد اگر ما ایرانیان باندازه
قدرت خودمان هرکس باندازه خود با این بیچاره
جبلالتین هم آواز شده بودیم حالا خانه ما گلستان بود
زیاده بر این چه عرض کنم (لا اعبد ما بعدون ولا
اتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین)

جغرافیای ایران

(از شماره ۲۶)

ایالت آذربایجان

(بموجب نقشه شماره یک)

ولایت آذربایجان در منتهای غرب شمالی ایالت
ایران واقع شمالاً با قفقازیه که اینک در تصرف روس
است و غرباً با ممالک دولت علیه عثمانی و ایضاً شرقاً
با روسیه و گیلان و عراق ایران و جنوباً با کردستان
محاط است

(احوال طبیعی)

ایالت آذربایجان در داخل سردترین منطقه
ایران واقع هر چند شمالاً با کوه قریحه داغ که از کوه
(آرارات) گرفته تا کوه های (تالش) امتداد نموده و شرقاً
با کوه های تالش و گیلان محاط است - ولی در قسم
داخلی ولایت نیز حکومت های بلند (اق داش) و
(او لرچاملی) و (سهند) و (سالان) موجود است
اراضی این ایالت بسیار بر آب است و اکثر
نهرهاییکه بسفید رود و اواس ملحق میشوند منبشان
در داخل این ایالت است و علاوه بر آن رودهاییکه
از اطراف اربعه دریای ارومی قیرشاهی که در سمت
غربی ایالت واقع است بدو منصب میشوند علی الخصوص
آنها را پیشتر حکوه از جنوب شرقی و جنوب دریای
داخل او میشود

(جبهخانه) و (عم خانه) دولتی که امروز تعطیل است و (جسخانه) عموم و در سر در آله قاپی - (قاره خانه و یا کرمانی خانه) و در محله خایابان در جوار (قاری کوچه) - پل پره زن (تمام خانه جسم عسکری و قشقه که سر بازخانه مینامند - و در روی رود خانه آبی پل سنگی بسیار محکم که دارای هیجده چشمه است موجود است مرتفع و محکم و جسم ترین بناهای تبریز - ارک تبریز است که چهار گوشه و ارتفاع بیست و پنج متره از آجر و کج بنیاد شده ولی با مرور ایام سنگره هایش را ریخته و دیوارهایش را جاپاسه های کوهی زده دار نموده اند - زبازد بین عوام الناس است که در اندرون ارک یک چاه آب و یک دستگاه سلاح سازی و یک دستگاه توب ریزی و یک درزخانه و چکه دوزخانه موجود است و هم دستگاه های حلقا کوی و فلوریک ربهان موجود است

هر چند در شهر تبریز مکاتب فراوان است اما مکتبی که با اصول جدید تدریس شود منحصرست به (لقابیه) و (کالبه) و (محمدیه) و (مظفریه) و (معرفت) و (اکابیه) که همگی مکاتب خصوصی میباشد

در این شهر پیش از هفتاد مطبعه لبطو خراف در اداره مسلمانان موجود است که معروف ترین آنها مطبعه حاجی ابراهیم و مشهدی اسد آقا و مشهدی عباس علی و آقا علی است - و یک مطبعه دیبکر هم هست که هم با سنگ و هم با حروف کتب و رسائل متنوعه طبع مینماید و در مقام مطبعه شناخته میشود غیر از اینها در محله ارامنه پیش از بیست دستگاه لبطو خرافیا و تیپو خرافیا هست که بطبع کتب می پردازند - از میان و نسطوریان و موسیو نرها ای امر کاپی بقدر باتزده باب مکاتب منتظم و هست کلیسای معتبر دارند

در تبریز چنانکه کاروانسراهای جسم متعدد و فراوان است دارای پیش از دویست باب حمام مرده و زنانه میباشد (بقی دارد)

قابل توجه وزارت گمرکات

از هنگامیکه جهازات آتشی از بندر بمبئی بخلیج باوس راه افتاد بسیاری از مالالتجاره هندوستان از راه بندر هلسن بطرف روسکستان و اراضی ترکان

جسی ستونهای مرمر در جسم او یادگار برگزیده و گرامی میباشد که برجا مانده - افسوس با آنکه لازم و واجب است در هر جای مملکت آثار قدیمی که از باستان بیادگار مانده محترم شمرده در حفظ او کوشیده از تخریبات فضولی محافظه شود - چنانچه در هیچ گوشه ایران اعتنا باین امر مهم که گواه شوکت دیرین و عظمت و حرمت ملی است نمینمایند - در تبریز هم باین امر مهم قطعاً اهمیت نداده و اهالی که در جوار آن بنای محترم ممکن دارند بدفست از روی نادانی گوشه و گنار آن بنیاد گرامی را که مایه شوکت و وطن و شرف ملت است خراب و بقدر لزوم مرمر و کاشی و آجر از آن بنای رفیع برده و بتعمیر مساکن خود مصرف نموده و مینمایند - باید دانست مرمرهایی که در این بنای عظیم محترم بکار رفته از بهترین مرمرهای عالم میباشد و کاشی ها که در آن بنا بکار برده اند از چینی های کرانیا کرانیا تر است - علی الخصوص خطوط و نقوش حیرت بخشای آنها که با کمال مهارت بیکدیگر ربط شده یک منظره دلنفریب ذقیمتی را تشکیل نموده در حلقی که باید حفظ آنها را که نمونه جیره دستی استادان ماهر ایران است مایه افتخار قرار داده شود از عدم حیرت و بیداشی خراب و بر باد مینمایند

جوامع و مساجد مشهور که در میان قلعه واقع است مسجد (جهه) مدرسه (طالبیه) مسجد (حسنة الاسلام) مسجد (بالا مجتهد) مسجد (حاجی میرزا اسماعیل) مسجد (سبزستون) نام مسجدهای حاجی میرزا موسی است مسجد (حاجی میرزا حسن) قزلی (مسجد) نام که مسجد حاجی میرزا یوسف است مسجد (قاری اوغلی) مسجد (حاجی میرزا مهدی) مسجد (تقاة الاسلام) مقام (حضرت صاحب) مسجد (زنانة حاجی ملا علی) جامع (سابقه) مدرسه (سابقه) جامع (حسن پاشا) مدرسه (حسن پاشا) جامع (خواجہ علی اصغر) مدرسه (خواجہ علی اصغر) جامع (حاجی ملا صفر علی) مدرسه (حاجی ملا صفر علی) مسجد (واذال) مسجد (قائل) مسجد (مقبور) جامع (شیخ الاسلام) جامع (شاهزاده) و سائره در سمت جنوبی شهر تبریز نخست (باب عالی) مشهور به (آله قاپی) است که محل اقامت حضرت ولیمهد است - و در آنجا جوار

بیرون می آورند ظاهراً امیدخواهشات کسیون را قبول
و منظور نفروده و یا باید گفت هنوز روز اول است
جنرال استاسل

خبر (روتر) از لندن خبر میدهد که اهالی
با جنرال (استاسل) خیلی به مودت و دوستی پیش
آمده در اطراف مقام او هجوم آورده از ملاقاتش
اظهار مسرت میکردند - جنرال موصوف با شهزاده خانم
(سرگی) نهار خورد - و در جواب سپاس نامه که
از جانب اداره بلدیة مسکو پیش شده بود بیان کرد
(ماحقق آن را داشتیم که در چنان حالت سخت پورت
(آرتھر) را به خصم حواله کنیم تا خون مردمان ما
پیش ازین ریخته نشود چه ژاپونیسان قلاع معتبره را
فتح کرده بودند

جنرال (استاسل) وقتی که در (تهودوسیه) وارد
شد - اهالی با گرجبوشی تمام او را پذیرفته - جنرال
مزبور علی رؤس الاشهاد اظهار داشت که حواله کردن
ما خود را بدست دشمن لازم بود - و اخبارات مهمه
و غلط که درین باب اشاعت یافته همه مبنی بر عداوت
است و از کلمات کاذبه آنها خیلی بر افروختگی ظاهر
شک کرد - جماعتیکه برای دیدن جنرال موصوف حاضر
بودند بسیاری از اقربایشان که در بندر (آرتھر)
کشته شده بودند - جنرال موصوف پیوگان و یتیمان
مقتولین را بقسمی تسلی داد - که همه متأثر شده از وی
متأثر گردیدند و برنی از فرط مسرت و برخی از جوش
غم گریه کنان و اشک ریزان بودند

کلکته

کلکته - قرب ساعت هفت حرکت زمین معلوم شد
و رفتار حرکت از شمال بجنوب بود چنانچه خیلی کمی
از مردم احساس زلزله را نمودند - از تلگرافات که بعد
ها رسیده خبر زلزله در شمله - مسوری - ال آباد -
آگره و دهلی که سه ربع ساعت قبل در آن اطراف
زلزله آمده خبر دار شدیم - در هوره که ضلع کلکته
است نیز حرکت زمین را محسوس نمودند

در ماه گذشته در محابب خانه کلکته (۳۹۳۷۵)
قرعش نایباً رفتند که منجمله آن (۸۷۵)
اروپاییان و (۷۸۰۰) بومیان چند بودند

دیانت کم دیده میشود با تعجب - حالا وضع ادارات
روس چه طور است
جواب - دزدی - دزدی - دزدی - دزدی -
دزدی . . .

الجبار موصوف می نویسد که در جنگ عثمانی
بجز همین آتش در کاسه بود - ولی چون سرداران
عثمانی پیش از آنها مبتلای بدین مرض بودند چندان
صدمه بدولت روس نرسید و ژاپونیسان از جمیع این
عیوب مبرا و معریند خیلی بر روسها سرایت
نمیشد

افغانستان

بموجب خبر تازه که از کابل رسیده - امیر هم مثل
هند و ایران بنای لقب بخشی را نهاده و این امر از
نجره میمون و مبارک معلوم نمی شود چنانچه سردار
نصرتخان برادر سکهتر خود را نصیرالسلطنه لقب
بخشیده و لقب معینالسلطنه به سردار عنایتخان
فرزند ارجمند خود مرحمت نموده - و سردار
عبدالقدوس خان را به خطاب معین لدوله مخاطب و
وزیر اعظم سرفراز فرموده اند - سردار فتح خان
وزیر پلیس سویمجات مقرر کرده است

سردار عنایتخان از مهمان نوازی لاردرکن
و از حسن تہذیب و شایستگی هندوستان خیلی متأثر
افغانستان را عاودت کرده و برای آبی نیکو اثر خواهد
بخشید

کسیون افغانستان

روزنامه (هندو) می نویسد که کسیون افغانستان
در کار مراجعت است و واقعتیکه به ما رسیده مظهر
این معنی هستند که کسیون در مقاصد خود مظهر
و منصور نه گشته - چه مستر (وین) رئیس کسیون
از وی دستور العمل دولت انگلیس و اشارات حکومت
مند رفتار میکرد و از این است که کارروائی و نتایج
قطعات کسیون بر احدی از اهالی آشکارا نیست
لاردر (لندون) وزیر خارجه و مستر (بلفور)
صدر اعظم در الشراح و اظهار حالات این کسیون
و اضراض آن صراحتاً ابا فرمودند - اهالی هند کم و
بیش از نکات ملتفت شده تا درجه از اقدامات عم نتیجه

جبل‌المتین کاکته

مطبع کالج استریت نمبر ۱

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

متنظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۱۱ صفر ۱۳۲۳ هجری

مصادف با

از هر کس و هر جا بلا استثناء ابونه اخبار

(مقدم گرفته میشود)

روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

سالانه — شش ماهه

هند — و برمه

۱۲ روپه — ۷ روپه

ایران و افغانستان

۴۰ قران — ۲۵ قران

عثمانی — و مصر

۵ عییدی — ۳ عییدی

اروپا — و چین

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

روس و ترکستان

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

۱۷ اپریل ۱۹۰۵ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

جبل‌المتین

سنه ۱۳۱۱

فهرست مندرجات

- سیاسی • مسافرت اعلیحضرت شاهنشاه ایران • جبل‌المتین • ایران • حجاج بیت‌الله • جغرافیای ایران • تاریخ حرب‌ابون • مکتوب یکی از موثقین • مظالم • اثرنامه یکی از داناان • وقایع مختلفه دارالخلافه طهران • جبل‌المتین • اعلان • مکتوب یکی از دانشمندان • اخبارات خارجه • مکتوب از طهران • اطارت رامپور • ترجمه از روزنامه طمس بمبئی • جبل‌المتین • بنایندة فوق‌العاده چین • اعلان رؤسای بیوه برمه • تحقیق حادثات زلزله • قیامگاه حملجات در رنگون • سفر دین وزیر خارجه هند • آگره • ورود کشتی جنگی ایران به بمبئی • مکتوب بوشهر • جبل‌المتین • اعلان • کیسیون تجارتی انگلیسان در ایران • رنگون و بلای طاعون • تکرافات

سیاسی

عظمت دولت روس و استقلال و استقامت این سلطنت بزرگ را دلیلی آشکارا تر ازین نتواند بود - که با آن همه شکستهای بی‌دری پلزده ماهه - و آن اندازه خسارت ماله و اتلاف قشون و نقصان قورخانه و اسلحه برآ و بجزا - و تزلزل سلطنت از بلواهای داخل - و خالی بودن خزانه و عسکر اعتبار در استقراضات خارجه و داخلی - و پیشقدمی روزانه خصم قوی بجه - هنوز ذره از مقام و خیال اولیه خود تزلزل نموده - و از آن ضرور و نخوت که در جمیع دول لباسی بر قامت وی مویزون بود نیوفزاده است - از یکطرف بمبئی قشون بری پرداخته که در (هاربن) از (مارشل اوپاما)

جلوگیری نماید - از طرف دیگر دستة جهازات باتیک را با کمال استعداد تا سواحل (جاوا) که دهنه دریای چین است رسانیده - عمأ قریب با جهازات ژاپون مقابل شده جنگی که جمیع ارباب سیاست خاتمه و پرا تصور میگردند آغاز و کسب اهمیت فوق‌العاده خواهد کرد

برخی از ارباب سیاست را عقیده این است که دولت روس بعد از شکست (مکدن) و برپادی بالغ بر دوست هزار قشون - و نابودی یک طام قوای حربیه - و از دست رفتن یک دنیا آلات و ادوات جنگی - مائل بل مصمم بساح برود - و من غیر رسم استعزاز از ژاپون درباره شرایط صلح نمود - چون تکالیف شاقه ژاپون معلوم شد قبولش بر دولت روس گران آمد - ازین رو (الزار و لهار) گفته چار و ناچار جنگ را مصمم و خواه خواه بجدا ناحیای قوای خویش پرداخته است

اگرچه برخی از ارباب درایت این حرکت روس را مبنی بر لجسجت گفت - ولی دو نظر ارباب غیرت این گونه لحاظ چندان محبوب شمرده نمیشود - اهم بر اینکه طاقت آن نخیم یا ولیم باشد - و این استقلال و استقامت روس که بعرف ارباب سیاست امروزه لجسجت گفته می‌شود تاکنون دولت مشارالیه را ترقی داده - بلکه اول دول وی زمینش قرار داده بود

هر دولت و سلطنت که بجای روس بودی پس ازین همه خرابی و تباہ پای تابش لغزیده بهر وسیله بود متشبث برشته صلح میسر - و تا این درجه که روس خود داری نموده میگرد - بلکه میتوان گفت هرگاه دولت روس را سلطنت شعی و تا این پایه پادشاه خود مختار

خشم را عقب نماند - اینک در تحت فرمان جنرال (لینویچ) با آن همه خساره های عظیم از میسنرو بجای هزارقشون متجاوزاست - چه قبل ازاینکه جنگ (مکن) آغاز شود از همنه دریایچه بیکال تا سرحد (شاهو) هفتصد و پنجاه هزارقشون روس موجود بود - دویست و پنجاه هزار این اردو در (مکن) نبود و بیکارشد - پنجاه هزار در (ولادیوستک) و صد هزار نیز در مقامات دیگر ساخلو و در منچوریا منتشر بوده و هستند - هرگاه در (هاربن) دویست هزارقشون تازه اردوی موجوده روس کک برسد جنرال (لینویچ) را تحت فرمان باند و پنجاه هزار قشون خواهد بود - شک نیست که روسها تدارک کامل برای دفع دشمن در این مرکز خواهند دید - از طرف دیگر متصل مهات جنگی و قشون در (ولادیوستک) فرستاده می شود چه توجه روسپان بر (ولادیوستک) پیش از (هاربن) است و در حفظ و استحکامات آن زیاده سعی و اقدام مینمایند

در جواب این استمدادات روس ژاپون در مملکت های آرامی و اطمینان حرکت کرده چنان تهیه و تدارک دیده که تا اول خزان يك ميليون قشون بر اردوی موجوده میدان جنگ بیفزاید - ظاهراً بدین سرعت روس نتواند از تجهیزات میل در مقابل ژاپون اینگونه استمداد بروز دهد چون درست ملاحظه شود سخنان (بارن هیاشی) سفیر ژاپون بدون اغراق و غلو بوده - حاکم قوای ژاپون مستور است و در هر موقع هر قدر ضرورت شود برابر تواند داد - ژاپون اینک قریب يك ميليون قشون در میدان جنگ دارد و تدارک يك ميليون قشون دیگر هم دیده که در مدت سه ماه بشکریان خویش احق سازد - و هنوز معلوم نیست این نقطه آخر قوت اوست یا نه و اما آنچه ژاپون بروز قوت داده بیرون از تصور جمیع ارباب دانش و سیاست بوده است

قوة مالى ژاپون و اعتبارش در خارجه و داخله پس از یازده ماه جنگ و عالم عالم خساره درجه است که فوق آن تصور نیست - یازده میلیون لیرا در بازار سراسران لندن اعلان قرص فی صدی چهار و نیم داد از کثرت هجوم مردم برای تقدیم عرضداشت در ادای آن خوف بد نظمی پیدا شده پلیس مردم را منع از هجوم نموده و قبل از موعد دفتر استقراض را بند نموده مع ذلک یکصد و پنجاه میلیون لیرا در خواست برای ادای آن رسیده بود - همین قسم در آمریکا یازده میلیون لیرا اعلان قرض داده جهان منوار عرضداشت برای ادای آن رسید در داخله خود یکصد میلیون (ین) اعلان قرض داد پانصد میلیون در خواست برای ادای آن رسید و سرمایه داران

و مطلق العنان نبود - جنگ تا این حد طول نمی کشید و بعد از شکست مندر (آرتھر) و (مکن) متمسک بسلاسل صلح میگردد - چنانچه ارکان شورای روس امروزه غالب مائل صلح اند - ولی میلان قلبی اعلیحضرت امپراطور بر بقای جنگ آراء جنگجویان را رجحان داده - آیا بدوا هم اعلیحضرت امپراطوری مائل بجنگ بوده اند یا نه نمیتوان ادای داد - ولی امروزه میتوان گفت شخصاً امپراطور مائل صلح نیست - یعنی اینک جنگ تاریخی و داغ امله را بر سلطنت روس نمی بیند حق این است که اگر امپراطور بدون آنکه قصاص از خصم نماید بدین ذلت و خواری صلح کند دولت روس که نول درجه سلاطین مقتدره عالم پشمار بود در عداد درجه دوم دول محسوب خواهد شد - و آن شرف و سیادت که از بعد بترکبیر این سلطنت را مسلم شده باقی نخواهد ماند - واضح است شخص ذی شرف طایق العنان تا بتواند بدین ذلت رضا نتواند داد

شرایط ژاپون درباره صلح رسماً بیان شده - ولی آنچه اخبارات درین موضوع می نویسند برخی ازین قرار است

(۱) ساحل (سنگارین) و (ولادیوستک) و (هاربن) و برخی از استحکامات ماورای آن که از قدیم راجع بدولت روس بود و بیرون از منچوریا شناخته شده بیرون واگذار شود

(۲) راه آهن - پیریا که دولتی است تا جایکه دخل منچوریا و بکن می شود تجارتی قرارداد داده جمیع اقوام در خریداری آن آزاد باشند - در عاده تاوان جنگ چنین ذکر میشود - که ژاپون از محاصل منچوریا حاصل خواهد نمود و دولت چین نیز درین باب عذری نخواهد آورد چه ژاپون منچوریا را تحت بدولت مشارالیه واگذار خواهد کرد واضح است که دولت روس با این همه خساره مالی و حیاتی هرگز راضی نتواند شد سه صومعه او که هر يك در مقام بانک است اختیاراً بدشمن واگذار نمود - ازین رو میتوان گفت تا ژاپون شرایط صلح را نرم تر نماید - و شکستی سخت تر ازین بر روس بدهد تنور جنگ شعله ور و گهواره صلح جنبش نخواهد نمود

آنچه از نگرافات ظاهر می شود امروز دولت روس بام قوت خود را صرف نگاهداری دو نقطه نموده - اول (ولادیوستک) دوم (هاربن) و سعی است که قبل از رسیدن (مارشل اوپل) به هاربن دویست هزارقشون تازه به اردوی خرد بیفزاید - و در (هاربن) تدارک جنگی عظیم دیده که شاید بتواند در این نقطه اهم

در تمام آن اشتغال دارند - و گاه گاهی بین ساقه اردوی روسی و مقدمه قشون ژاپون مقابله خفیه می شود و روسها تند تر عقب می کشند - اردوی ژاپون با نظام تمام پیش می رود - چون از عقب خویش ایمن است در هر قدمی که بر میدارد خوارهای راه را صاف کرده برای آینده سدی در جلو خصم میگذارد - ژاپونیان از روی نقشه دویست و کثری میل طی مسافت کرده شصت میل بیشتر تا هارین ندارند - عقیده ارباب بصیرت این است که همین نظام که اردوی ژاپون پیش می رود بدون مقابله شدیدی (هارین) را متصرف خواهند شد - چه اردوی روس را مهلت خود سازی و خود آرائی نمیدهند - از قراریکه جنرال (اینویچ) اطلاع داده اگر دویست هزار قشون کک فوری باو نرسد در حفظ و نگاهداری (هارین) معذور خواهد بود و این امر خارج از امکان معلوم می شود که بدین سرعت روس بتواند دویست هزار قشون با جمیع مهماتش به هارین برساند - و از طرف دیگر تدارک دفع و رفع محاصره (ولادپوستک) را هم به بند

جای شبهه نیست که استحکامات طبیعی و مصنوعی (هارین) خیلی متین و برای مدافعه از بهترین مراکز جنگی بشمار است - ولی ژاپونیان در میسادهای عده نه با اندازه قدرت نهائی کرده که بتوان تصور کرد مانند (هارین) حتی جلو حملات آنان تواند ایستاد خصوصاً وقتی مد مقابل قشون مرعوب شکسته خورده باشد که سیصد میل از جلو دشمن فرار کرده است

نقشه صکه ژاپون برای جنگ در آتیه کشیده این است که (هارین) را در کمال سرعت متصرف شود و از آنجا برام خشکی قطع راه آهن سایبریا را از (ولادپوستک) نموده مانند بندر (آرتھر) بر او بجزا او را در محاصره اندازد - اینک (ولادپوستک) از دو طریق در محاصره وسیع است - یک شعبه راه آهن (ولادپوستک) که متصل بمکن بود قبضه ژاپونیان در آمده قطع عابرات و آمده شد شان ازین طریق شده است - همراً نیز تا اندازه عصور است یعنی ژاپونیان گریزگاهها را گرفته قسمی در کین نشسته اند که جهنمات جنگی را جرئت بیرون آمدن نیست - همینکه (هارین) را ژاپونیان متصرف شده راه آهن سایبریا را بولادپوستک قطع نمودند علناً بندر مذکور در محاصره خواهد در آمد - روسها نیز اقدامات ژاپونیا ترا پی برده میتوان گفت که چندان در نگاهداری هارین سعی نشده تمام توجه خود را بر او و بجزا در حفظ (ولادپوستک) معطوف خواهند داشت چه اگر (ولادپوستک) قبضه ژاپون در آید قطع جمیع تعلقات

ژاپون دولت متبوعه خود را اطمینان داده اند که وضع طایه ژاپون نیکوست - و جمیع سرمایه شان در بدل راه ترقی دولت حاضر و موجود است - کدام مات و دولت با چنین سلطنتی که دارای بجاه میلیون رعیت که اقلاً ده میلیون آن مشق دیده و رطابیش در راه خروج سلطنت از بدل مال و منال و اهل و عیال پیدر بند مقابله تواند نمود - چنین اتحادی که در ملت و دولت ژاپون دیده می شود در هیچ دولت و ملت تا امروز دیده نشده - مسلم است تا این اتحاد و اتفاق در آنان باقی است حائر بالاترین درجه سیادت و همت و اقتدار و قوت خواهند بود

یکی از ارباب بصیرت میگوید که از جمله تصورات باطله سیاسیون غرب آن است که قالب را عقیده این بود که هر قدر ژاپون از مرکز خود دور شود از قوت او کاسته و برجسارت خصمش خواهد افزود - اولاً (هارین) تا برسد بسرحده ژاپون اضافاً بر هشتصد میل نیست - در سورنیک راه آهن موجود است هیچ گونه اشکالی برای ژاپون پیش نمی آید -

گذشته بر این مملکت منچوریا با لاساله مملکتی است دارای همه گونه مرکزیت و طبیعتاً کفایت یک اردوی بسیار بزرگی را از آنوقت و سازمهمات جنگی میتواند نمود - ژاپون وقتی که مملکت منچوریا را در قبضه داشته باشد (هارین) رود خانه (یلو) برای او یک حکم خواهد داشت - برخلاف روس که از پنج هزار میل جمیع مهمات اردو را باید به (ولادپوستک) و (هارین) برساند - در حقیقت برای روس صعوبت و برای ژاپون سهولت دست داده - چه مملکتی مانند منچوریا از قبضه روس خارج و به تصرف ژاپون در آمده مشکلات ژاپون نصف و سهولت روس دو سگونه باک سه گونه شده است - اینک در (هارین) و (ولادپوستک) ارسپاهی ذغال تا سفیدی غنک را دولت روس باید از داخله خود با آن به المشرقین برساند و تا امروز که نصف بیشتر مهمات اردوی روس را منچوریا کفایت میکرد و رساندن بقیا لوازم لشکر کشی برای او ازین راه دور و دراز دشوار بود - اینک که باید جمیع مهماتش را برساند چه قدر دشوار پس او را پیش خواهد آمد - پس ازین بیانات ظاهر میگردد که هر قدر روس جلو رود و ژاپون پیش آید آن را صعوبت و این را سهولت دست خواهد داد و ژاپونیان را امید فتح مندی پیش خواهد شد

از تکرار این نکته ظاهری می شود که در جنگ منچوریا واقعه ای پیش نیامده روسها بجانب (هارین) و ژاپونیان

روس از خاک چین شد و (سنگاری) و (مرسکوار) و غیره که از سواحل عمده سائیریا و در شمال و شمال غربی مرکز منچوریا واقع اند بدون متناهی قبضه ژاپون خواهد درآمد. در آن صورت مرگه صلح شود برای تخلیه این سواحل عمده و (ولادیوستک) خواه عخواه دولت روس خساره جنگی که بزرگترین خسارتهای جنگی این قرن خواهد بود باید قبول نماید. و اگر جنگ را برقرار دارد مشکل است چنانکه بجهت ژاپون فرو رفتن و یرقی او کوفته شد مجدد متصرف گردد

یکی از سیاستپون میگوید که این تصور غلط محض است که بعد از مغلوبیت روس بتواند بهرور زمان محالی که در جنگ ژاپون آمده خارج نماید - چه حریف هم دانا تر و عالم تر و مال بین تر و مستعد تر است و هم در عقون ترقی میباشد - لذا مناسبت که دولت روس پای بیفشرد شاید بدوا خصم را از تصرفات حالگاه مانع آید ورنه ژاپونرا نمیتوان هم از سوی عثمانی و ابراش قرارداد که فردای طویش را بداندند و از حرکات آتیه خصم بیخبر بر آیش امروزی قانع بلکه مغرور گردند یکی از ارباب بصیرت را عقیده این است که دولت روسرا امید فتح و تصرفات دوباره بر منچوریا باقی نماند - اینک عمده اقداماتش برای آست که ژاپونرا از فتوحات تازه در مستملکات خود باز دارد - چه تا امروز دولت ژاپون را حق دعوی تاوان جنگ کامل نیست - زیرا در صورتی تاوان جنگ طلب می شود که شهری یا مملکتی از خصم در جنگ متصرف شده باو واگذار شود در حقیقت به ازای آن شهرهای فتح شده که بدولت مغلوب واگذار می شود هرامت جنگ طلب می نمایند - دعوی ژاپون بر منچوریا بود و قبضه نمود مسلم است که ارتك منچوریا چیزی بروس واگذار نخواهد شد که بدین اسم هرامت جنگ خواست آید - بندر (آرتھر) ودالتی را نیز چنین ژاپون بروس واگذار نخواهد نمود - ولومد خزینه عمل از زر ناب بدو داده شود - چه نتیجه این همه خساره مال و جان ژاپون همین بندر است و بس - باین قاعده اگر صلح شود چیزی که ژاپون متصرف شده بروس باز داده نخواهد شد که در مقابل مسلم تاوان جنگ مبتنی از وی طلب نمود - این است که دولت ژاپون تمام قوت خود را صرف میکند حکه از مالک متصرف بروس مثل (هاربین) و (ولادیوستک) و (سنگاری) جایی را بچنگ آورد - چون اسپر زیادم از روس در ژاپون است دعوی او برای تاوان جنگ تا درجه مسلم خواهد شد

بالجمله پس از این همه خرابیهای گونه گونه و شکستهای

لاقصای جہازات بنگر بالتیک بطرف اقصای شرق روسی آورده جز نگاهداری (ولادیوستک) منظور نمی دارند : اگر چه جہازات بالتیک با ذبده و قوت تمام بطرف اقصای شرق روسی آورده و امیدواری روسیان همه باین جہازات است - و من حیث المبدء هم نمیتوان جہازات ژاپون را از جہازات بالتیک زیاده گفت - ولی چون در قنون بحری ژاپونیان امر و تہ مسلم جمیع بول بحریه اند - و وجب بوجب دریاهای شرقی را پی موده و از راه و ریجہ این نواح نیکو آگاه اند و از شش ماه باین طرف که خبر حرکت جہازات بالتیک بجناب اقصای شرق متیقن شده تدارکات کافی در مقابلہ آن دیده و قوای بحری خود را کامل کرده است - کچن نمی رود که ازین جہازات نیز کاری از پیش رود - و مظلون است حکه مانند جہازات بندر (آرتھر) یکدفعه بیکار گردد - اگر چه هنوز بصراحت خبری از جنگ بحری نرسیده ولی بمناسبت قرب جہازات روس و ژاپون بیک دیگر البته عنقریب آفاق جنگ خواهد شد

مرگه جہازات بالتیک را آفتی رسد یکدفعه قوای بحری روس زائل شده و رعب و عظمت وی در سواحل اروپا معدوم خواهد شد - چه عظمت روس در دریای اروپا از این جہازات جنگی بود - لذا میتوان گفت که اگر جہازات بالتیک را قصابی رسد ضد روس در اروپا پیش از خساراتش در اقصای شرق خواهد بود - چه دولت روس با این خزینہ خالی و مصارف زیاد و رعایای سرکش فقیر و قروض بسیار تا دیر باز نمیتواند تجدید قوای بحری خویش نماید - بر امور مکنونہ کس آگاه نیست - ولی قرآن خارجه و داخلہ فتح روس را برآ با بحرآ در اقصای شرق بمقابلہ ژاپون می باید

مسافرت اعلیحضرت شاهنشاه ایران

مخبر (روز) ارطهران خبر میدهد که اعلیحضرت شاهنشاهی در اواخر اپریل براه (رشت) و (بادکوبه) نهضت فرمای اروپا خواهند شد

جبل المتین

هنوز ما تصدیق این خبر را نمیتوانیم نمود و قایم نگاران مخصوص اداره این اقوامات را تاکنون تردید کرده اند - چون این خبر تلگرافی است فلا تصدیق یا تکذیبش را نتوانیم کرد - ولی امیدواریم مقرون بصحت نباشد و ضرورت فوق العاده مسافرت ملوکانه را داعی لغده باشد (لا و برحمتہ جبار القاد آمین)

ایران

وقایع نگار (طمس) لندن از طهران بدین گونه اطلاع میدهد - وضع پلنیک ایران حالت سکون اختیار نموده - وزیر اعظم دولت علیه صکه از منتسبان شاهنشاهی میباشد زیارتی از وظائف و ماهانه نوکر و وظیفه خواوان کم کرد و این امر گویا سرمایه ترقی امور نظمیة ملکی مطوم میشود

از بعد انتقال شاهزاده سپهسالار امیرخان سردار (ک - سی - ام - جی) عهده سپهسالاری خالی و مقنون است که جناب امیر بهادر جنگ وزیر دربار به این عهده نائل شود

حجاج بیت الله

وقایع نگار (استنبین) ۴۰ ملرج از (لاهور) مینویسد - حجاجیکه از مکه مراجعت کرده میگورند امسال کرایه شتر که دو تقررا از جده تا مکه (که دو و نیم روز راهست) برساند بیست و پنج تا سی روپیه بود انتظام این امر در دست اطرافهای شریف است - ازین کرایه ده روپیه به مالکان شتر داده میشوند - بقیه را شریف و عملجاتش می برند - علاوه از هر نفر دو و نیم روپیه باسم اعانة راه آهن حجاج می طلبیدند - امسال انتظام دولت عثمانی برای واردین و مسافرین خوب بود - بین راه سربازان مسلح ساختلو و همراه حجاج سواران در حرکات بودند - فعلاً دولت پنج هزار سوار منظم درین راه معین فرموده - مخارج آنها را شخصاً سلطان از کیسه قنوت خود میدهد فقط از هر حاج باسم تذکره هفت روپیه میگیرند - عمارات بسیار برای قیام حجاج هندی تعمیر شده - از غربا کرایه نمیگیرند ولی امراء حسب الاستطاعة خود از بجاه الی سیصد روپیه میدهند - امسال شانزده هزار حاج هندی و پنج هزار افغانی و بسیاری از (جلوا) و از نقاط مختلفه هم خیلی بودند تخمین یک صد و سی هزار نفر زیارت بیت الله شریف شدند

راه مدینه منوره امن نبود - یکدسته حاج هفت هزار نفر بودند بحکم شریف بجانب مدینه روانه شدند در راه عربها شش صد نفر را مجروح کردند و اموال آنها را سرق کرده فرار نمودند - این راه خیلی پرخطر است

سال گذشته هرامیان بیگم (بهوبال) را نیز هانجامت کردند - و حاجیکه یکسر میخواستند به مدینه منوره بروند از خوف به جده عودت کرده از طریق دریا رفتند و بکال آسانی به مدینه منوره رسیدند - بعد از رسیدن به مدینه باز دو و نیم روپیه قشتری باسم اعانة راه آهن حجاج گرفتند - امسال شصت و یک روپیه باسم مصارف راه آهن که سیزده فرسخ است تا مدینه برسد روی هر نفره از هر نفر گرفته شد

در مدینه منوره منسب موقوفی برده فروشی نمایر شده در مکه معظمه تاکنون آری دیده نمیشود از حاج قیمت ماکولات دو گونه گرفته میشود - آب خالص و صاف جز در مکه و مدینه منوره و جده کم گیر می آید

جغرافیای ایران

(از شماره ۲۷)

تجارت تبریز کرمانشاه و همدان و قزوین و طهران و عراق ایران و خراسان و هندوستان و ممالک عثمانیه و روسیه کلی است - زیرا در نقطه تلاقی بسیاری از طرق بره واقع شده است و چون هوایش بنسایت سالم و معتدل است او را تبریز نامیده اند یعنی دافع الحما در بازار تجارت تبریز هر چند در این ایام هم آثار رواجی پدیدارست اما اهمیت فوق العاده قدیم او از میان رفته بلکه بکلی ضایع شده است - زیرا در سال (۱۸۴۲) میلادی تجارت این شهر که با خارج واقع میشد عبارت از بیست و پنج میلیون فرنک بوده و اگر با این سالها مقایسه شود دیده میشود که بسیار تنزل نموده بازار تجارت امروزی تبریز در نخستین درجه از مال روس و انگلیس و قسماً از مال آلمان و نهمه و فرانسه و عثمانی املا میکرده که مقابل آن مسلم بیابادی اجانب میگذرد

در حوزه ارومیه سالانه حیوانات بطور فوق العاده با برکت و فراوانست و در حوزه ارومیه و مراغه و خود تبریز و اطراف آن کبمش و بادام و قیسی بسیار خوب که میخشکانند بنایت فراوانست حیوانات چون وسائط مکمل و قلبه از برای مخرج مفقودست در تبریز قیمت آنها بسیار ارزالت ولی کبمش و سبزه و قیسی و بادام بخارج قتل میشود و همه ساله

در نخستین پایه طرف احتیاط را مرعی میداریم تا کسی را بر ما مجال ابرام نباشد و در چهار نخوس هم جا حد وسط را احتیاط نموده سیصد هزار نوشتیم - حال آنکه تا چهار صد و پنجاه هزار هم بقم آورده‌اید

در مهاجرات مدولان اهالی تبریز با فدیهای بزرگ این شهر را از خرابی محافظه نمودند و امیر تیمور بتعمیر و تزیینش صرف مقدرت فرمود - دوباره در مهاجرات اصف انگیز که در ایام سلطنت سلاطین صفوی پایان دولتین علیتین اسلام بوقوع پیوست ویران و اهالیش پراکنده گردیدند - همچنین در زلزله‌های سختی که در سال (۱۷۲۲) و سال (۱۷۲۳) و سال (۱۷۸۰) میلادی بوقوع پیوست از اهالی تبریز بقدر صد و ده هزار کس تلف شدند و آن زمین لرزه‌ها سبب هو و خرابی مبانی باد بیان گرا آبهای سلاطین گذشته گردید

این شهر در اواخر سلطنت سلاطین صفویه زعمان سلطنت (شاه طهماسب ثانی) بدست عثمانیان افتاد بعد سلطان با فر و جاه نادر شاه افشار استرداد نمود از این شهر علمای و ادبای اسلام بسیار ظهور نموده که مشهورترین آنان امام الادب [ابوزکریا عی بن علی] معروف بخطیب تبریزی و مظفرالدین شارح مقامات حریری و طرف کامل شمش تبریزی است (شهر ارومیه)

شهر مزبور تخمیناً در پست کیلومتری ساحل غربی دریاچه ارومیه که بشاهی معروف است و در سمت بسار رودخانه (چار) که بدریای مزبور مصب میگردد در دامنه کوه درکنار وادشیکه طاقه طرف غربی دریاچه را تشکیل مینماید بنیاد شده و در چهار منزلی شهر تبریز واقع است - آب و هوایش بسیار خوب و سازگار و فراوانی باغ و باغاتش بی اندازه است علاوه برمنطقه بسیار وسیعی که جوار اربعه شهر را احاطه نموده و در داخل شهر در میان محلات هم طاقاً شکل یک حدود طبیعی را ارائه مینماید همه سال بطور فوق‌التصور سبزه و شکمش و همه جور خوشک بار از آنجا خارج میشود

در جوار شهر مغاره هست بسیار خسیم که از طرف مردم تخمین وکان میروند که روزگاری آراگاه زردشت بوده

خارج از حساب قله بروسیه میشود و دائرة تجارت بسیار بزرگی را تشکیل میدهد ولی زراع از حیوانات جهت عدم طرق و هوارع و آلات تشویل مناقلات استفاده کردن نمیتوانند

در اطراف تبریز هر نوع انعام و ازهاریکه مخصوص اقالیم معتدله است بکثرت حاصل می‌آید یک نوع انگوری دارد بی حبه که سلطان مینامند و انواع اقسام انگور های بی حبه و حبه دار پسندیده بسیار اعلای ممتاز دارد و همچنین قیسی‌های بسیار لطیف لذیذ و یک نوع شفتالوی بسیار اعلای شیرین آبدار دارد که (هلو) مینامند و همچنین میوه‌های مختلف پشمار در آن دیار حاصل می‌آید

و یک نوع شراب در اینجا اجمال میشود که ثابت مشهور است - و در داخل شهر جهت اجمال بارچه ابریشمی ویشم وینه (قاوریک - کارخانه) های بسیار موجود است و صنعت قالی باقی در آنجا در نخستین پایه ترقی نموده شهر تبریز چون در زمستان بسیار سرد و در تابستان بشدت گرم میشود لذا گروه اغنیا در ایام تابستان باغها و همسارات صیفیه که در دامنه و کوه (سهند) در جوار آبهای معدنی از برای خودشان آماده و تدارک نموده اند میروند

در آنجا دو صخره‌دشگاه یعنی مسیره موسوم به (لا) و (سردرود) موجود است و بمقامهای قدرتی یعنی آبهای گرم معدنی که در آنجا هست همه ساله در موسم مخصوص اهالی بسیار جهت استنجام میروند از سه صیفیه که در جوار تبریز است یکی از آنها چون بسیار لطیف و دلکش است برخی از شعرا آنجا را بخردوس تشبیه نموده و بتوصیف آنجا پرداخته‌اند مورخین ایران برآند که شهر تبریز را (زیبده خوانون) زن هارون الرشید که از خلفای بنی عباس است بنیاد نموده و بعد بیلابی زلزله خراب و در تانی در ذور متوکل مجدداً تعمیر شده است

تبریز پس از انتشار مدنیت اسلام در سال ۱۶۵۲ میلادی بطور فوق‌العاده کسب معموریت نموده بود چارسوی داشت که دارای پانزده هزار دکان و سیصد کاروانسرا بود و در آنوقت شهر تبریز دارای پانصد و پنجاه هزار نفوس بوده - اینک هم با آنکه در این کتاب

در میان دشت واقع و محاطه است با باغ و باغچه و هوایش بغایت لطیف و سالم در نخستین درجه جای شیرین و دلنفریب است و قوس شهر زیست الی پست و پنجهزار نهمین میشود

در نصف آخر عصر سوم این شهر در علوم و ادبیات مشهور بوده و در آن تاریخ وحید عصر و فرید زمان یگانه دوران فیلسوف بی مانند حکیم نصیرالدین (توسی - طوسی) علیه الرحمة اجرای رصدات فلکیه مبنی بر میل و خواص هلاکو خان بشرط آنکه در (۶۹°) طول شرقی و (۲۲°) عرض شمالی خراسان واقع شود رصدخانه تأسیس و بنا فرمود و در جوار رصدخانه هم يك سراي عالی از برای خودش و جمعیت هیئت شناسان مع کتابخانه مملو از کتاب و يك مدونه علمیه تأسیس نمود و از این شهر کلی ها حکمش و خوشگبار بمالك روسیه میرود (باقی دارد)

از محل مرتفع (سپ) نام که مسیونرهای امریکائی در سال (۱۸۴۹) در آنجا رسیده خانه بنیاد نموده اند همینکه بدامنه صکوه عطف نظر شود با کمال سهولت منظره دلگشا و دشت وسیعی عطف نظر می آید که وسعتش هر ضاً از دامنه کوه تا ساحل دریا پیش از پست و پنج کیلومتره و طولش چند صد کیلومتره و تماماً با باغ و باغچه مزین و دارای سبزه و شمت پارچه قریه و قبه است

شهر ارومیه وقتی جسم و معمور بوده در تالی بسیار ثنی نموده است و از ابحا علما و مشاهیر بسیار ظهور نموده اند - قسم اعظم اهالی آنجا افشاران میباشد که از خراسان آورده اند قوس شهر ارومی از هفتاد الی هشتاد هزار است

(شهر مراغه)

این شهر در دامنه سمت جنوبی کوه (سهند)

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۲۷)

چنانچه ضابطان پیاده را يك سال و یا هشت ماه بمکتب انداخت یعنی تیر اندازی میفرستند - و اراد را هم بمکتب تطبیقات علم سواری میفرستند و در آنجا ده ماه تحصیل مینمایند - این مکتب سواری دو گونه شاگرد می پذیرد - فرقه اول نایب اول و سلطان است که به آنان وظائف ضابطانرا تعلیم میدهند - و دومی نایب دوم و آنان که بصابطی نامزد میباشند و ضابطهای کوچک را تنها سلامت سواری یاد میدهند - اما توجیهی و استحکام دو سال بمکتب تطبیقات توجیهی دوام میکنند و در هر سه سال بقدر سه ماه در مکتب تطبیقات بمالیات تیراندازی توجیهی دوام میکنند و سه ماه هم بمالیات تیراندازی میپردازند - توجیهیان قائم بمکتبی که جبهه آنان دایر است با کمال تحصیل میپردازند

جبهه سایر خدمات و صنوف مختلفه عساکر مکتب - موسی دیگر بموجب آن وجود است

مکتب باروت و شوره سازی

مکتب طبو خرافای عسکری

مکتب اداره عسکره

مکتب طیه و بیطاری عسکری

مکتب لطفندی

مکتب استادی و تزی و چکمه دوزی

ضابطان رهیف با ضابطان قدیم بطور دو طلب یکسال خدمت نموده بعد از ضابطانیکه امتحان داده اند تشکیل مینمایند - ضابطان رهیف در مدتی که با این سلاک استخدام میشد هر دو سال يك وقفه پنج هفته در تعلیم و تربیه عسکری اشکال مینمایند عساکر رهیف که لازم میباشد بوضع سفربری در آیند هنوز جبهه آنان بقدر کفایت ضابط ترتیب و نداردند

مراتب عسکره در اردوهای ژاپون در حالیکه برتبه و درجه مرتب شده است جبهه استلانی بررتبه

آنان حدود معینه دارد

اسامی رتبه	حدود امان برای هر رتبه
(۱) امیر نوین	حدی ندارد
(۲) سر پنج یا امیر تومان	تا ۷۰ سالگی
(۳) سرتیب اول	تا ۶۰
(۴) سرتیب دوم	تا ۵۴
(۵) سرتیب سوم	تا ۵۴
(۶) سرهنگ	تا ۵۹
(۷) سلطان	تا ۵۵
(۸) نایب اول	تا ۴۰
(۹) نایب دوم	تا ۴۰

(ارکان حرب)

از کسانی که در (مکتب عالی عسکری) دارالفنون توکیو اكمال تحصیل نموده تفریق و تدارک میشود . ضابطان صنوف مختلفه عسکره از روزیکه حائز رتبه میشوند تا انتهای دو سال میتوانند جبهه آله داخل ارکان حرب شوند به تشبیهات ابتداء نمایند . و این گونه ضابطان مطلق باید انتخاب نامه کوماندان فرقه ویاوارا احراز نمایند تا آنکه شایان قبول بشوند . جبهه قبول شدن درجرك ارکان حرب نخست دو معاینه اجرا میشود یکی از آنها امتحانیکه کوماندان فرقه ویاوارا جبهه اعطای انتخاب نامه اجرا مینماید - و دیگری امتحان مسابقه است که در مکتب عالی عسکری در توکیو اجرا میشود

همه ساله در این خصوص عدد معین که از انتخاب شدگان جبهه مکتب ارکان حرب دعوت میشوند صد نفر میباشد که با امتحان سابقه بجای نفر از آنان قید و قبول میشود که پس از اكمال مدت تحصیل آنان از پست الی می فر در ارکان حرب و باقی درمیت ارکان حرب استخدام و یا درمکاتب معلمی نامزد و بنام ضابطان ممتاز نشاند مینمایند

مکتب عالی عسکری مدت تحصیل سه سال تمام است که از ابتدای کانون اول افرنجی آغاز به تحصیل مینمایند . کافه ضابطانیکه بدین مکتب دوام مینمایند در موسم تابستان ملحق میشوند به آلبانیکی یعنی دسته منصوب بصنف آنان میباشد و در مأمورها حضور دارند

پس از آنکه فارغالتحصیل شدند بزرگ که کسب استحقاق شهادتنامه مکمل بی نقصان نموده يك قطعه نشان (معارف عسکری) اعطا میشود که این قاعده و اصول در روسیه هم جاری است و در آنجا بکسانی که از آن (سن نیقولا) استحقاق کسب اخذ شهادتنامه نمودماند داده میشود

در ژاپون بشاکردانیکه فوقالعاده امتحان داده و مشار بالبنان میباشد از طرف اعلیحضرت میکادو یک قبضه (سیف اعتبار) را حسان میشود - پس از آنکه بکلی از تحصیل این مکتب عالی فارغ شدند يك سال هم در آلائی یعنی اردو مستخدم میشوند پس از آن بکلی در جرگه ضابطان حرب در می آیند بالانتخاب بعضی از آنان بنام مأموریت نه بنام اكمال تحصیل بممالک اجلیه فرستاده میشود

در ژاپونیان هم مانند آلمان در رفاقت ارکان حرب ضابطان بسیار استخدام میشوند و نامرادان که در فوق ذکرش سبقت نموده بدین وظیفه مکلف میگردند

رئیس ارکان حربیه هموسی حائز ریاست ارکان حربیه سائره علیالمعوم میباشد الیوم در ژاپون رئیس ارکان حربیه هموسی (جنرال مارکیز اوپاما) می مشیر میباشد که رأساً یا امپراطور بخاره مینماید و معاون رئیس ارکان حرب هموسی (توداما) است که امیر تومان است

مکتوب یکی از مؤلفین

(از شماره ۲۷)

عجب انجاست ! آنکه مصارف مکاتب روس تماماً از خزانه مصارف پرداخته میشود باز زمام مکاتب دینیه آنان در دست رجال علمیه آنست - ولی هم ما مصارف مکاتب خود را خودمان میدهم و معارف دیناری نمیدهم و هم مکاتب ما را محکم از دست عظاما گرفته و به نظارت معارف میسپارند و هم مصارف تدریس و تعلیم زبان روسی را بعهده ما تکمیل مینمایند - گذشته از اینها به (امامها - پیش نماز) های قری تکلیف مینماید تکلیف اجباری که باید بروسی بخوانید و بنویسید و حال آنکه علما اقلاباً بعد از نوزده سال در مدرسه به تحصیل علوم دینیه به پردازند - چون میداند پس از اكمال تحصیل علوم دینیه دیگر نمک نیست بلکه داخل مکاتب ابتدائی روس شده و زبان روسی تحصیل نمایند لذا قبل از تحصیل علوم دینیه باید بمکاتب ابتدائی داخل شود و بدین جهت ناچار از تحصیل علوم دینیه بازخواهند ماند - رفته رفته علما در قری یافت نشده امامت دهات لغو و بکلی محو خواهد شد پس تعرض بدین عوام آسان گردیده رفته رفته اسلامیت را محو میتواند نمود - اینست که مساعده نمیدهد امامیک روسی نمیداند در قری به امامت قیام نماید و همین سبب اکثر اهالی تاتار ناچار از مهاجرت گردیده اند بدین طرف و آن طرف مهاجرت نموده پراکنده میشوند و اکثر آنان بممالک دولت علیه همان التجا مینمایند

ای دول اروپا که همه شما در مستملکات خود رعایای مسلم دارید آیا هیچ يك از شما این مظالم را در باره آنان روا میدارید ؟ دولت انگلیس اقله هشتاد میلیون تبعه مسلمان دارد مسلمان سهل است عجباً آزادی دینی بت پرستان را نزع نموده سبب چیست که همگی ساکت و مابین نوایان عاجز را مقهور مظالم این حکومت مستبد گذارده آید عجباً در حضور حضرت اله بجه عذر متمسک خواهید گردید ؟

گواه این سوء نیت روس که ذکرش سبقت نمود مکاتب جز نوشته چاپیت بلکه فباین رئیس سینود (پاپاوشیف) با مدیر دارالفنون تزان (ایلمنسی)

تعالی و از طرف مطبوعات نشر و اعلان شده که آن مکاتب و مخبراتی که فباین آنان بوقوع یافته سوء نیت دولت روس را درباره مسلمانان بطور وضوح ظاهر و اثبات مینماید

و امتیازیکه در آماز بمهاجرین که از بخارا و خبوه آمده و در سیریا اقامت گزیده اند داده بود هیچ يك از آنها قی نمائند سهل است - تمام اراضی متصرفی آنان را حکومت ضبط نموده و امتیازاتهم که در خصوص تجارت داده بود کاملاً را زایل حق اداره مختاریت (وولسی) مسلمانان سیریا را لغو و قرار داده که بمختاریت قرای روس ملحق شود - در نظارت داخله معاملات مقتضیه آن در تحت مذاکره است بنا بر آن آنان نیز مجبور از هجرت شده و دکلاهی چند به اسلامبول ارسال نموده اند

قانون انتخاب مفتی اصیل را هم در میان مسلمانان قدیم لغو نموده و در عوض از طرف حکومت جهانی چند را که ابداً از احکام شرع آگاهی ندارند وکیل مفتی تعیین نموده اند

اوقاف بیکاره از محاکم شرعیه امتزاع و نامورین روس سپرده شده و آنها وارداتی را که تحصیل می نمایند دیناری در راه منافع مدرسه و مکتب صرف نموده و کیف طایفه در اوتصرف و مستهلك مینمایند در حالیکه امروزه از نیم میلیون بیشتر وجه اوقاف در صندوق قصبیون موجودست دیناری از آن در راه منافع اسلامی خرج نمیشود سهل است که املاک وقف را مع العموم بنام املاک تاتار حکومت ضبط و برخلاف قانون عساکر اسلامرا بولایات پراکنده نموده اند و از اطمان (اسقادرین) تنها اسمی بجا مانده است و بس - بناء علیه آنهم بمظالم واقع تب مقاومت نیآورده بالعموم مهاجرت اختیار نموده اند اما در مسئله آزادی دین و مذهب و بخت مساوات حقوق مسلمانان و روسیان

در شهرها بر حسب قانون موضوعه ثلث اعضای مجلس بجهه باید روس باشد حق در برخی شهرها مانند (سیمی پولات) با آنکه مسلمان غلبه و زیادتی دارد باز هم ثلث اعضا روس است در صورتیکه مسلمانان در ادای هرگونه طلبات و بدهی با روسها

مساوی میباشد و حقوق دوازده از طرفین يك و بنحو
اخذ میشود - آیا معنی این شرط چیست ؟

چرا اید در عموم مکاتب جبهه تدوین مسائل
دینی به اطفال روس معمم موجود باشد و از برای
تدریس مسائل دینی به مسلمانان اسلام ایداً معمم یافت
نشود ؟ سبب چیست برحال روحانی روسیان مسلمان
داده میشود و به مسکاتب آنان وجه مقرر برقرار
است ولی نه رؤسای روحانی ما معاش و نه به مکاتب ما
مداونت میشود و حال آنکه در بدی مساوی و با آنها
شريك التفع و الضرر میباشد - و علاوه بر آن رؤس روحانی
ما را از خدمت عسکریم معاف نیدارند بچاره امروز
در مهاب اطاعت میباشد نگاه ردیف و مستحفظ و روز
دیگر او را بزیر سلاح در آورده مجبوراً بمیدان مشق
عبیرند و از هیچگونه بدی دیوانم معاف نیستند

بدترین همه اسم و جورها آنکه حکومت روسیه
چهل هزار نفوس اسلامرا جبراً اسم خریستیانی داده و
حال آنکه ابا عن جد مسلمان بن مسلمانند شرح این
ماجرای آنکه از طرف حکومت جبهه نصر به انواع
تضییقات گرفتار هرگونه جبر و اعتساف میباشد اینک
از مسلمان دارای دو اسم شده اند یکی نامی که پدر
و مادر آنان گذارده و دیگر اسمی است که حکومت
جبراً بر آنان بسته - يك نفر نامش هم محمدست هم یووان -
هم احمدست هم پتر - هم علی است هم سیمون - و اطفال
این مظلومین بچاره را چار و ناچار کهیستان بتوسط
پولیس گرفته و بکلیسا برده غسل تعمید داده و بدخواه
نام عیسوی بر او مینهند و بحکومت خبر میدهند جهان
اسم در دفتر ثبت و قید نمایند و حکومت آنان را
مثلاً بنام یووان و پتر و سیمون میخواند

عجبا شایسته است در چنین عصری مردم را
بدینگونه به تبدیل دین و مذهب اجبار نمایند - مسلم
است مسلمانان زیرا بر این تکلیف نرفته و نام اصلی
خود را حکه احمد و محمد و علی است حفظ خواهند
حکمر - ولی حکومت در تذکره دولتی که به آنان
میدهد هم احمد و هم یووان نوشته و مینویسد - از
مذهب (اردو توفکس) برگشته الیوم چهل هزار مسلمان
مبتلای اجمالت میباشد - استخام نامه های متعدد
تقدیم نمودند علاوه بر آنکه آری بر آنها مکتوب

نیامد هرمانی پس از را در سر اینست بجزای کوراک
محکوم و جمع کثیری هم در حبسها گرفتار و نج و محنتند
حتی یکی از کشیشان خبر داده که بر روی این شخص
راه در قریه (نورکان) که از ناحیه (منزه) جزیه
ولایت (اوق) میباشد دیدم بجهت یکی از اطالین رفت
دو امام همان محله را محکوم بجزای کوراک نموده و جیب
را هم در حبس تلف نمودند و از این دو امام یکی
در حبسخانه (اوقا) وقت و دیگری تبعید شد این معاصره
تالایی به مجرد قول يك کشیش بوقوع پیوست که گویا
اطمان بدان کودک دین اسلام را تلقین مینموده اند
(باقی وارد)

مظالم

در شهر روما که پایتخت دولت ایتالیا است روزنامه
مزاج مصوری در هفته يك نسخه بنام (بابا فالو) طبع
و نشر میشود - در نیم فوریه ۱۹۰۵ که سال ششم
نشر او میباشد نسخه سی و سه از که حاوی تصاویری که
استدلالات آنها راجع بحکومت روس بود انتشار یافته
و ما استدلالات مزبور را ذیلاً مینگاریم

در روزنامه مزبور مظالم روسها را که در حق تبعه
خود از سنوات عدیده روا دیده و میدارد هر يك را
بنام بلوچیه کوهی تصور نموده و این پارچه ها را که
از مظالم تنصیب یافته در روی یکدیگر وضع
نموده و از تراکم آنان کوه جیبی ترکیب یافته جسامت
اینکوه مظالم را بحدی بزرگ شمرده حکه سیکره
ارض را در دامنه آن کوه به بزرگی گویی که طفلان
بازی کنند قفس نموده و هیئت اجتهابیه تبعه دولت
مزبور را بصورت يك حجد نمودند چسور بلند قامت
هریانی در بالای اینکوه مظالم با چهار دست و پای
بسته با زنجیر اسارت قرار داده و در روی قید دست
راست اچمد عبارت پلیس و در روی قید دست چپ
او عبارات قازاق و در روی قید پای راست عبارت
حساک نظامیه و در روی قید پای چپ لفظ حنیف را
نگاشته و تمثال جنم حکومت روس را بشکل عصاب
دو سر که جنگالهای نیز خود را بر دوران آن جسم
هریان فرو برده و با منقار سر طرف راست خود
جنگال آن جسم هریمان را میشکافند و با سر طرف چپ

خود بطور بسیار خطناک نسبت به دست چپ خود دارد که گویا بتهدید ملك الملوت میردازد نقش و در طرف راست این چند همین کلامی بفکل کلامهای سرخ نك باریك که اسپانیولها در مظالم (انکبسیون) که معروف است در هنگامیکه در حق بتایبی مسلمان اندلس و موشویان به اجرای سیاست میرداختند بر سر آنان گذارده و بمعرض سیاست آورده و آنان را با آنکلاه در آتش می انداختند رسم نمود - و در روی معده چپ آن جسد که از شدت برآبی از ریح و متفت بلند نموده رسم لوحه را سکه در او این صفت (پاینده ماد جمهوریت فرانسه) با طون ثبت و در پروازست نقش نموده

(الامنة آزادی)

و در میدان فجاج شکل پیر مرد بلند قامتی را که موی سر و ریشش مانند پنبه سفید و در روی سرش دو شمع افروخته که در هر یک عبارت حقیقت نوشته شده مانند دو شاخ روشن و در سرش فغان سرخی می باشد که از زیر سینه باین بدن او را تاها پوشیده و دامتش بر روی زمین کفاله میخورد و در روی آن فغان نوشته شده آزادی - سرپستی - عدالت - مشروطیت - جمهوریت - و در روی سینه این شخص نام معتزیم نگارش یافته و این شخص را حکومت روس ملك الملوت فرض نموده و با سر چپ خود چنانچه در فوق نگارش یافت به تهدید او میبردازد - و در روی تنه داسی که از دست راست این پیر بر ریه شکی افتاده عبارت (عصر پستم) ثبت است و بر صیغه آن سنگی که در اس بر روی آن افتاده عبارت (اکرامیه بزرگ) نقش شده - فباین آن پیر مرد و پارچه سنگ بزرگی که داس بر روی او افتاده يك کنسای باز شده ورق سفیدی که در روی هر صیغه او نگارش یافته امریکا از آن امریکالیست در زمین افتاده و دو کتاب دیگر هست که جلد آنها زردست و نگونار افتاده و با خط قرص در روی جلد آنها نوشته شده (آمل) ادیب مشهور روس (تولستوی)

در میان این میدان مصائب شایقه های کهنستان و حمله جنت و یابوش کودکان و نازیانه همراه چیان و نازیانه سه شقه زندان باز و کاره و شمشیریکه از میان

دو نیمه شده و سنگ های بزرگ و کوچک بسیار و دو سنجاق که پرده آنها سفید و در روی آن پرده ها عبارت (پاینده باد آزادی) نوشته شده موجودست و يك نیم تخت چوبی سرنگون شده که در روی او نوشته سینه کوبی نیز موجودست و در پیخ بن پیدن فجلهت و مظالم يك بتای جیبی دیده میشود که در سر در او عبارت (خاتمه بدرايه) بخط جلی نوشته شده و در مقابل پیر مردی در قیافه اهل روستا سکه در دستش استرحاننامه می باشد اسقاوه که بجای پاسخ يك کلاه ننگ او را زده اند

و در طرف چپ این بتای عالی قامه نمودارست که دارای سه توبست و در عقب هر توب يك دار سیاستی بریاست

در طرف دست چپ میدان هیاكل حكومات آلمان اتریش - بلجیکا - اسپانیا - انگلیس - فرانسه - و ایتالیا - و او بجزیره - موجودست و در زیر پای هیاكل پارچه گوهی وضع و در روی آن عبارت ماجا مساکین نوشته شده و قریم هم بشکل يك حجرة در آنجا نمودارست

استدلالات مظالم بمرتبه زیاده شد که بشکل کوههای دهمشتاك در آمد و اهالی روس که گرفتار شهسكنجه حكومت ، هبتت عسکریه می باشند مشابهند بقرانهای (انکیزسیون) - آمال و آرزوی ماتت ناداس احل از ریشه قطع شد مسکن و طاوای آنان نگونار گردید يك فدائی ضربت کشیده پس از مراجعت بطول از دربار حكومت که خاتمه پدر می انگاشت بجای نوازش با کلاه ننگ مقابله میشود - در حالتیکه تاسیان عسکریه هر يك به ترکیب يك سیاستگاه در آمده و دول معظمه و حكومات مختلفه که مدعی حامیان مدینه می باشند چرا در انخصوص اطهار عجز نموده مانند عاجزان دارالجزیه بی حرکت مانده اند - در زمان شماره بسیار که نامش معتزلی میباشد که امروز هم یکی از آرزوهایت در عوض با یخ باریق بر آن معصومین چند را بختك هلاک می اندازد - ای مال منمدن خود را ازین خواب غفالت بیدار نماید و حاتم بدهد باین قتل عام که از مظالم استبداد متولد شده است

حکایت از خامه یکی از دانایان

(از شماره ۲۷)

آن عصر گذشته است که همه کار با رأی واحد انجام پذیرد امروزه رأی واحد بادی انهدام اساس دین و دولت و مملکت است هرکاری را لازم است با شورا بکند که گفته اند - اگر مقرر دولت مؤسس بر دار باشد شرفات آن از ایوان کیوان بگذرد و اگر کاخ سلطنت مبنی بر غدر و عدوان بود در اندک زمانی با خاک یکسان شود و قانون عدل و داد را نمیتوان بموقع اجرا گذارد مگر در سایه مواسات - و معنی مواسات آنست که در کلیه امور به آرای جمهور مراجعت شود زیرا تا به آرای جمهور مراجعت نشود ملت خود را شریک قمع و ضرر نخواهد دانست - و تا ملت خود را در امور ملک شریک المنعمه نداند دولت دارای هیچگونه قدرت و توانائی نخواهد گردید و مملکت اقتدار دفع مضرت و جلب منافع نتواند شد - و هر قومیکه از ترقیات دولت و ملت ژاپون عبرت نگیرد و بر مزایای اطاق و اتحاد واقف نگردد و معنی شرف و وطن دوستی را درک ننماید بدرکات محو و اضمه حلال و همسپار خواهد گردید

بلی دشمنان دین و دولت و هیئت اجتهادیه چون روزنامه های آزاد را مغل خبیالات قاسد خود میدانستند در سد بند شدن آنها می کوشیدند و حال آنکه هر آنکس از اساتید بهره و از غیرت ملی نسبی هست باید در تکذیب نامهای آزاد صرف مقدرت نماید - زیرا مندرجات نامه های آزاد بشرط آنکه صاحب امتیازش از وظیفه روزنامه نگاری آگاه و با اطلاع و بر وضع عالم واقف و از سیاست دول و ملل با خبر باشد که در آن صورت مندرجات آن روزنامه حلال مشکلات و سرآت خطا و تفسیرات و مایه بیه جهال و ابقاظ حقیقتان بتر غفک و نادانی و مشوق درستکاران و کائف کردار کجروشان است - پس نیکوترین وسیله ترقی و بهترین اسباب اطلاع و آگاهی دولت و هیئت اجتهادیه است - هادی طریق ترقی است و کائف اسرار معنی - نواقص دستگاه حکومت را از روی اطلاع و آگاهی از روی یک قاعده صحیح بیان و گوشزد همکنان میباید - معایب را می شمارد و راه دفع و رفع آنرا ارائه

میدارد که هر ناشایست هرکس را موعو تدقیق و بدون اغراض بیان مینماید متکبرین از زیور دانش بری را بی آب و سلطوت مستبدین خود بسند را در هم می شکنند (مافوق همینها) جلوس صداقت پشه است که پیوسته بکف خیالات و سیاست دول در ماده یک دیگر میکوشد و حقیقت مطلب را بیان و بجهت توجه اولیای امور صرف مقدرت مینماید حق ایست که خدمت جراید دولت و ملت حد و اندازه ندارد خوشبخت - گروهی که در مندرجات نامه ملی از روی دقت تأمل نمایند و در صدور حد طریق متجاوزین برآمده و در دفع عیوب و نواقص جهد کافی بعمل آرند اهل ملت باید از مندرجات چنین نامه تنبه حاصل نموده از برای ابتناء خود و سایل دانش را فراهم و در ترقی دستگاه صنایع کوشش نمایند - و فرض روزنامه نگار است که هیئت اجتهادیه را از حال ملل و دول آگاهی بخشیدند و طریق ترقی را بایشان بنماید

پس وظیفه مقدس که روزنامه ملی در عهده دارد اینست که بکلی چشم از همه چیز پوشیده و فریب برنی دروغگو یارا نخورده بد را بد و نیک را نیک بنگارد بدون استحقاق در مدح و قدح احدی سخنی نراند و نام نیک خود را لگدار ننماید - زیرا هر قلمی که در جراید گذارده میشود در عاجل و آجل برای عمالک خطیره و خلائیق کفیره موهم حالتین خیر و شر و جنیتین قمع و ضررت - و تا روزنامه نگار چنانچه شاید و باید بخدا نزدیک و در دقایق امور چون مو باریک نشود محالست به نتیجه و نمری که از روزنامه منظور است نائل گردد و کوی سعادت و نیکو نامی را بر باید - در صورتیکه روزنامه نگار اینوظیفه را در عهده دارد اگر روزنامه مقدس صد سال متوالی از سیات میرزا علی اصغر خان و همدستان او بنگارد تا کسانیکه پیرو روش آن به کفشت میباشند ترک طوی و عادت دیرینه گویند و راه و رسم راستی گزینند باز کم است - زیرا هر بدبختی که بتصور آید آن ملون ازل و ابد و همدستان او جبهه این دولت و ملت قدیم دعوت نموده و در راه ... طریق تجاوزات دشمنان بقوی کوشش کرده اند که اگر صد یک آن آن را در بعد آل طریق میگویند صد سال دیگر

هولت ما بدین درجه نازل نمی‌شود - حق اینست
 فقره در یکی از رساله های موقوته فرانسه اندراج
 یافته است که منز استخوان مرا گذاخته و چون میدانم
 « بد کردن شمر هم زید کردن اوست » همان اختیار
 از گفم بیروست

پس از آنکه شخص اول دولت اجانب را
 اینقدر پیشقدمی بخشد و اسرار دولت و ملک و ملت
 را به آنان بسپارد و در خواهش آنان در هر جنبه
 سر اطاعت خم نماید حدود ملک را بدشمن بسپارد
 نتیجه بهتر ازین بروز نخواهد کرد - باری محض آنکه
 هیئت اجنبیه بر خیالات دیگران واقف گردند ترجه
 آنچه در آن رساله مندرج است مبنگام ولو آنکه
 هر پیدایش بخردی بر ما و شما خورده بگیرد که نباید آنچه
 تقصیر است در روزنامه ملی درج نمایند - پاسخ آنکه ای
 احمق مانند کبک سر را زیر برف نمودن جز گرفتاری
 در دام سیاه حاصل ندارد

در اداره (پیژرنال) درطای دو رساله طبع
 میشود بنام علاوة پیژرنال رساله مصور اینک نسخه
 نوزدهم او بنام اردوهای عصر پنجم که نامش منصور
 از وضع اردوهای روس است طبع و نشر شده این
 نسخه در صفحه ۲۹۴ در آخرستون دوم محتوی فقره
 آتی است که توجهش نگاشته میشود

امروز اصلاً و قطعاً شبهه باقی نمانده است پس از آنکه
 محاربه مدعی که فیاپین ژاپون و روس در جریالت
 بعد ختام و اصل شود اردوهای روس که از مساله
 ژاپون فارغ نمائند بسمت هندوستان و با ایران توجیه
 وجهه عزیمت خواهند نمود و درین شبهه نیست و خلافت
 مهمه اردو روس که منسوب بچسارند و باید در
 اوایل عصر بستم ایجا بمانند استیلای ممالک ایران و وارد
 شدن بسواحل خلیج فارس است

ایقوم بر که بیوست غیرت و حمیت و شجاعت
 شما ضربالذکر خوب تصور نماید که علی اسفرخان
 شهبازچه در - نازل داده - کو اردوهای منتظم شما -
 کجاست صاحب منصبان و سرداران با علم شما کو مهیات
 حرب شما - که سلحه نو ایجاد شما - چرا شما از همه چیز
 محروم مانده اید - چرا باید لیل و نهاراً بجهان او و
 حدستان او تفرین فرستید هر دشمن هیئت اجنبیه

که درست خطیانت‌های او سخن کند خود دشمن دین
 و دولت و هیئت اجنبیه است - چرا باید امروز هزار
 ها یار سپان با علم و دانش غیور دولت و ملت و وطن
 درست سرکارهای دولتی و ملکی ما قائم نباشند و بجای
 آنان دشمنان دین و دولت و ملت در سر امور
 باشند - کوشزاة دولت ما کو ثروت مات ما و کو قوه
 جهادیه ما - چه شد که ما بدین پایه نازل نمودیم - علی
 ادارات کیفیه ملرا بدین درکه هوانک در انداختند - ثروت
 ملرا بتاراج دادند - ناموس ملرا محو نمودند - دین ما را
 بازیچه خیالات شهوت پرستانه خود نمودند - اینفقره را
 که فرانسویان نوشته اند عین دوستی و جنبه اقاط ماست
 پس برعهده حضرت نواب اشرف و الافرض عین
 است که قبل از همه کار از روی جهد با اصلاح و انتظام
 دستگاه جهادیه صرف مقدرت فرمایند و در سد
 تدارک نمودن صاحب منصبان با علم و لوازم حرب از
 مهیات و اسلحه جدید الاختراع برآیند و پسران عموم
 خوانین و بزرگان عشایر را به مقر سلطنت دعوت و
 به تربیت عموم پرداخته حب الوطن را در منز آنان
 جای دهند و مشاقلان آزموده از اهالی ایران بمیان
 جمیع عشایر فرستاده عموم سواران را تعلیم بدهند و
 از برای همگی اسلحه یک نسق و مهیات حرب تدارک
 و آماده فرمایند و در هر ولایت تدارک یک اردو که
 اقلای می هزار کس بوده باشد علی السحاله به بینند - خصوصاً
 خراسان - کرمان - فارس - کبلاک و تبریز - دولت
 علیه ایران هر قدر صاحب منصب با علم و مهیات حرب
 تدارک فرماید پیش از آن عسکر موجود دارد زیرا جمیع
 اهالی ایران سلح شور و مقتدر حرب و ضرر - همینکه
 ضابط با علم داشته باشند چندان به تعلیم محتاج نیستند
 خاصه سواران عشایر بقدر سواره جمیع دول در ایران
 حاضر و آماده و با اندک توجه اولیای امور و تدارک
 لوازم حیماً با برکاب حاضر میباشند و همچنین عموم
 رعیت ایران از روزی که با برصه و حرد می‌نهند با
 اسلحه حرب انس دارند - یک چیز همه که لازم است
 توجه علماء بدین نکته دقیق است که امروز از جمیع
 فرائض بر همه آن بزرگواران فرض تر این است که با
 مواظط موافق آیات منزل و احادیث معتبر عموم امت
 را بسوی آمادگی جنبه دفاع دعوت نمایند امروز از

اگر گاوی بپندد دز هفت زاد
بیتلابد همه غلوان نه را
بچه از قومی یکی بیداشی کرد
نه که را منزلت فاند نه مه را

سایا است که آنچه قصد و اراده نموده اند فوراً اطاعت شده و ضد آنها امتیازات که هر کدام شاه ملک و ملت را ویران نموده بیک اظهار بدانی بخشیده اند مضمون این مصرع (از تو بیک اشاره از مابسر دویدن) در حق وزیر سابق و همسایه شاهی بطور اتم و اتمک صادق آمده بود. از اینرو طبیعتاً بنظر حقارت در ما مینگریستند بلکه از حلیه عیوش و فهم کمترین مطالب طاری تصور میکردند و تکلیف طرا در هر مهم خواه جزئی یا کلی اطاعت و اقیصاد میبناختند و نوز آنکه خواهش بیک ایالت و ناحیه بزرگی باشد جنبه در خصوص فیروزه و غیره باندک اشاره بعمل آمد

خلاصه این خبر بهر طرف منتشر و گوشزد خاص و عام گردید مقام منبع صدارت جلالت عظمی شیدانه ارتکابها از استماع این خبر و صدور حرکت که مخالف هرگونه قواعد و حقوق است سخت رآشتند. بدیهی است هر یک نفر که خود را ایرانی محسوب ندارد و داخل در حوزه و هیئت این ملت بوده باشد و اعلی حضرت اقدس شهرباری خلافت ملکه را صاحب و سرپرست و پدر مهربان خود بداند از این حرکت که مشرب بر بی اعتباری با افراد مات و توتمین دولت است متأثر و متألم شود و قهراً متنبیر گردد. اگر چه در اقصا سرحد شمال یا جنوبش مسکن باشد فکیف شخص شخص حضرت صدارت پناهی که بحمد غیرت ملی و حجت شاه پرستی و دولت خواهی و دین داری است و حفظ حقوق ملت و دولت بکف با کفایت اوست و در صدور استرداد حقوق منصوبه و استرجاع شرف موهوبه و تصداحیاء این ملت کمر بست و خواب و خور بر خود حرام نموده. مع هذا نظر بکمال درایت و کفایت و نجابت فطری در بدو امر نشده و تئیر را جایز ندانسته بتوان اندرز و نصیحت رئیس را متب و متذکر ساطقتند که از این حرکات ناشایسته که مورت تولید قمار و گدورت بین دو کذولت هم جوار است پرهیز کند و باین همه مساعدت و همراهی صکه از طرف

خورد و بزرگ عالم و جاهل هر آنکو ازین خیال فارغ باشد اطلاق نام مرد بر او حرام است
هر که این آتش ندارد نیست باد
(یک ایرانی هوات پرست وطن دوست)

وقایع مختلفه دارالخلافت طهران

در این اوقات رئیس راه آهن حضرت عبدالعظیم و طهران و هم راه آهن آسی که در داخله شهر طهران است تغییر یافت رئیس سابق اصلاً انگلیسی بود ولی اینک روسی است. نظریاتی که رئیس سابق بابت راه را ترقی داده و مبلغی بر مدخول و واردات کمپانی افزوده بود (زیرا که ابتداء میزان واگون آسی سه شاهی و از شندوفر بخاری ده شاهی بود بمروور آن یک پنج شاهی و شش شاهی و این دیگر بازرده شاهی و یکتران شد) رئیس تازه نیز مصمم همین خیال گردید بدون اینکه ملاحظه وقت و زمان و مقتضیات پلنیک را نماید و لا اقل سیری در احوال هیئت دولتی و شخص اول مملکت مکرده در کمال جرات و جلالت یا جلفی و شطط بدون آنکه اولیاء امور را مطلع سازد یا بوزارت خارجه عرضه نموده تحصیل اذن و اجازه از طرف دولت ابد مدت نماید گویا این ملت نجیب چندین هزار ساله را هیچ و بدون قائد و سرپرست بی صاحب و حافظ فرض نموده در ذی القعدة گذشته اعلان از جانب خود بی امضاء وزارت اسطیاعات و معارف و نظیه منتشر نموده که فادش قریب باین مضمون بود

چون در نایستان گذشته بواسطه حدوث مرض واه در طهران مداخلی که حکمیان را منظور بود باید نگشته لهذا این امر را که واقعه فوق القاعده است وسیله دست آویز کرده قیمت بلیت راه آهن حضرت عبدالعظیم را کران کردیم (درجه اول را سی شاهی و درجه دوم را یکتران مقرر داشتیم) هر چند این ضرر دهنی و موقتی بود ولی ما نرخ مزبور را دائمی کردیم زیرا که بر منافع کبانی افزوده میگردد و مسافری عجز نماید و مجیده خاطر شود چه ما را غرض جز تحصیل سود در مد نظر نیست.

اگر تحقیق بنگریم چندان شخص رئیس را مقصر نمیتوانیم بگوئیم چرا که گفته اند

شوشه و ترتیب حمل و نقل مسافری و کمال مراقبت و درستکاریش معروف در تمامی این صفحات است عرض اقتداء بولی نعمت معظم و وطن گرامی خویش مقرر داشت - همه بسیاری از کالک و دلاشک و دلچسبان با اسبهای کوه بیکر قرب دروازه حضرت عبدالعظیم بجهت حمل مسافرین بقیمت ده شلای حاضر نمایند و مردم بعد ها دو ساعت منتظر ورود تربین راه آهن شده روی پا نیز نایستند -

این اقدامات که از اصحاب حیث و غیرت ناشی شده بود چنان رئیس کمزه کار طارا برحمت انداخت که جز توبه و التابه و اعتذار از فعل خویش چاره ندید داستک حریف بر زور است بزور و زر فریفته نگردد و آنچه تصور کرده بود همگی اشتباه بود هر رشته را کم کرده و قافیه را از دست داده بود -

هر حال آستان ملی شافت و اعتذار خود را تقدیم نموده متعهد شد که بعدها مرکز باشکوه انجمن مبادرت نهاد و مستعدی عنو قصیرات گردید هر وقت و قوت کرپانه شامل حالتش گردیده مقرر فرمودند کسی بر ضد او اقدامی نماید و قیمت مثل سالهای قبل معروض شود - شنیدم چند شبی بعد از این واقعه رئیس مزبور از یکی استعمار نموده بود حاکم جبراً سالهای پیش بخوری مقاصد بزرگ ما انجام میپذیرفت و اکنون در امری جزئی تا این حد سخت گیری و اصرار نمودند؟ رفیقش در جواب گفته بود مگر نغیدای که نظام مهمان ملک و مات دست شاهزاده آزاده وطن پرست غیرتمندی است که راحت و آسایش در سبیل ترقی دین و دولت بر خود حرام نموده با تمامی قوای خویش در حدود رهنه کردن این امت برآمده ایران را وطن عزیز خویش میشناسد و اطاعت پادشاه و خدمت بولی نعمت را اولین بایسته و وطنه خود میداند طمع و آرزویش حق بنفش است - در اینجا و بیگانگاری نخورد و آنکس که در سابق مباشر مهمان بود چون اصلاً خارج از زاد ایرانی محسوب میشد ازین شرف ایران و ایرانیان را بهاء محسوس هر کس و ماسکس میفرودخت از ترضیع حقوق مضایقه نمیشود -

این بیایلت او را ضار نموده برخواست و زبان حال میگفت -

لولیساء دولت علیه در بازه این کپانی میشود قناعت کند - وگرنه در کدام مملکت مرسوم است که مسافر را در رکاب جای دهند و در یک اطاق که محل پست و چهار نفر است هشتاد نفر حمل کنند و در بین کارکنان اروپایی و ایرانی فرق بنهند

رئیس مزبور مسئله را اشتباه تصور نموده کمان کرد حکایت مایه گپران جزیره (هل) است که بتوان بقوت پول مدعیان را راضی نمود در جواب فرمایشات والا مبلغ چهار هزار تومان فرستاد و متمسک شد که با قیمت حالیه دخل و خرج موافق نمیشود - این معنی که حقیقت منویات و پلتیک همایه را بخوبی نشان میداد بر طبع والا چنان کران آمد که با وجود اشراج صدور دست و متانت که از ایشان مرسوم است از جامه صبر و شکیبائی بدر رفته از موقف قهر و حلال حکم اکید صادر شد که جناب سیدالسلطنه و بربر نظبه این اعلان قیبح را که موجب توهین ملک و ملت است کنند و محو سازد و اسکر باز بردونی و سماجت کنند قطار راه آهن را توقیف نمود از حرکت مانع شود و برئیس رسماً ابلاغ شود که اگر در سر این گونه هوا و هوس دارد رهسپار خانه خود شود که وجود این قسم اشخاص بیلاحظه ابداً در این مملکت لازم نیست بمحافظه دولت ایران هنوز آندرت و قوت بر برقرار است که حقوق ملی را از تصدی دیگران حبط نماید و آن نغمه چرب لقبذبت که هر کس بتواند بطرف اودست دراز کند و طعمه خویش قرار دهد بلع نشود - بلکه خلق را بدرد - و شکم را بشکافد مرغیکدانه خور هما بود رفت و عنقارا آشیانه بنداست انتشار این حکم محکم وطن پرستان غیور دولت خواه را بوجوب هزاران هزار مسرت و خوشنودی گردیده از هر طرف غیرتمندان ملت پیروی از نیات مقدسه شاهزاده صدر اعظم را فریضه ذمت خود یافتند از یک سمت علماء اعلام دایا الحلافة باهره در مقدمه آنها جنبه حبه الاسلام امام جمعه دامت برکاته که شرح مناسخر و بزرگواری آنوجود مقدس در صفحات روزنامه نامی ذکر شده بتقویت این معنی اقدامات لازمه نموده تهدیدات سخت کردند - از طرف دیگر مشهدی علی صکر رئیس راه قم و هریستان که مراتب کار دانی و لیاقت او در راه

مکرر حدس زده ایم آنتکه پس از ملت واپون اول
ملت آسیای که قدم بیدان تقدم شد ایرانیان خواهند
بود و دربرنواين شهریار دادگر مهربان و وزیر روشن
ضمیر دل آگاه معارف خواه هرگونه رفعت و سیادت
نائل خواهند گردید بشرط آنکه اهالی نیز قدر این همه
زحمات را بدانند و کفران نعمت روا ندارند

اگر بیدۀ انصاف بتکریم باید این روز پیروز را
بزرگترین اعیاد ملی دانسته جشن و سرور در هر سو
بگیریم چه این اول روزی است که بعد از سالهای
زیاد دولت بر حفظ حقوق ملت قادر گردید و دست
رد بر سینۀ آمل اجانب زد - خداوند بر توفیقات و
تأییدات حضرت والا صدر اعظم بیفزاید و در هر دم قصد
دست غیبی او را کفک نماید تا بزودی نفوذ اجانب را
از بیخ و بن بکشد و همگان را سرافراز و خوشدل
سازد. والله ولی التوفیق -

اعلان

قرآن مشهور سمرقندی حکوفی که در کتابخانه
پترزبورغ (امپراتورسکایا پولیچ نایا بیلونیچسکا)
موجود بود طبع میشود - این قرآن گویا نوشته
دست حلیفه سوم عثمان (۶۱ - ۷۳ هجر) میباشد
چند جلد روی کاغذ بسیار اعلی با قطع خوب و شکل
(فاکسیمیله ۶۷۹ Centimeters) چاپ میشود تقریباً
بیشتر از پست و پنج جلد بفروش نخواهد رسید -
قیمت فی جلد پانصد منات است

این قرآن را س - ی - یساروف در
(پترزبورغسکی آرخیولوگیچسکی اینستیتوت) در سنه
۱۹۰۵ طبع میباشد این قرآن مشهور سمرقندی عثمانی
حلیلی بزرگ است ۷۰۶ صفحه دارد نقشه های رنگین
بسیار خوب روی بسیاری از صفحه های اوست - در
وقت چاپ کردن دقت شده که نقشه های رنگین و خط
همان شکل در بیاید - هرکس که بخواهد این قرآن را
از کتاب خانۀ س - ی - یساروف طلب کند - ۹۰۰
منات بیانه باید بفرستد باین آدرس - شهر پترزبورغ
(روسیه) در کوچۀ نومی پرو-یکت خانۀ نمبر ۹۰
خرج پست نیز ذمه فروشنده است

ما آزمودیم در این ملک بخت خویش
باید برون کشید از این ورطه رخت خویش

جبل المتین

اللیوم انجزت الامل ما وعدت
و ادرك الحمد اقصی ما تمناء
الیوم ردت علی الدنيا بداشتها
و ارضی الملائک و الاسلام والله

بارآلها - کریا - کردگارا - بجه زبانه سپاس گوید
و شکر نعمت را اداء نماید سکه اراده ازلیات باز
بترقی این ملت نجیب تعاق گرفته (کذک بچی الله الارض
بعد موس) کور باد چشم دشمنان و شکسته شود
دهن بدخواهان که ایران و ایرانیان را مضمحل و
بآمال تصور میکردند و سعادت این قوم را محال میشمردند
و گمان میکردند روزی دو سه نام این امت از صفحه
حقی محو گردد و آثاری جز در متون تواریخ از
آنها باقی نماند. اینک چشم بکشاید و اوضاع امروزه
را مشاهده کنید که نسیم فیروزی و اقبال بر پرچم شیر
و خورشید میوزد و آبان با سبای گشاده و خندان
نوید خوشبختی و سعادت در مستقبل میدهد - تاریخ
این سر زمین با نشان میدهد که این خاک پاک بسی اوقات
جولانگه دیگر ملل و امم شده بر روی هجوم کرده
علم ظلم و ضحیان افروخته اند - ولی بادک مدتی از بین
انفاد همان قوم برخواسته است یکتن غیور دلیر متمصب
مردانه و بسرعت برق و باد اجاب را بیرون کرده
شرف از دست رفته را بجای خود آورده آب رفته
را بمجرای خود برگردانیده است

چنانکه بعد از استیلاء کلدانیان کاوه آمنگر
قد سردی افراشت و بعد از غلبه ترکان دستان سام
بر آنان چیره گشت و چون یونانیان و مجانب ایشان
طنیان سکرند اردشیر بابکان آنها را ذلیل ساخت و
تسلط اهراب را سلاطین صفاریه و دیلمه دافع کردند -
افغان را مرحوم نادر شاه مغلوب و منسکوب نمود
(سنت الله التي قد حلت من قبل وان تجد لسنة الله
تبدیلا)

بجهدا در این عصر مبارک نیز این معنی را
بچشم خود دیدیم و امیدوار از فضل خداوند چنانکه

حجرات مکتوب یکی از دانشمندان

(ان لم اکن صلماً قان افتمه)

• عسکر پزشکی نیستم دانش پژوه
آگه از مرد و دوائی هر گروه •

• از موافق بخت و روفی دیده ام
کرم و سرد و خشک و ترسجیده ام •

• کر طبل را مرض باشد عیان
بادوائی جلوه آن میشود •

• علت و رنج و اثر هر یک یکی
به شود چسب آسان پیشی •

• در سبب باشد فرون بر مودمند
رنج ترسکب از دوشد ناپسند •

• گونه گون آثار و گوناگون دلیل
گشت تیره روزگار این علیل •

• این یگانه خسته اسلام نام
این چنین است ای طیبان و السلام •

• من بقدر فهم خود در این سخن
تا پزشکان بشکندش بیخ و بن •

• گردوست است این سخن یا نادرست
چستی باید نصیب بود ست •

• خسته در بدو جان زار و تیزند
کی نشیند خوش پزشک هوشمند •

• یا شود در کار درمان تیز تیز
یا بچستی سپرد راه سکر تیز •

• خسته ما بود ماو جان ماست
کی گریز از جان و بود خود رواست •

• بر هیچ ذی شعوری مخفی و مستور نیست سکه
همواره مخالفین اسلام در استیصال مسلمانان و اضلال

کله و شکست حوزه اسلامیانی سی تمام داشته و دارند -
قال الله تبارک و تعالی (و دت طاقه من اهل الکتاب لوبضلونکم)

ایضاً قوله تعالی (و اولو تکفرون کما کفروا فکونون سوا)
خصوصاً در این زمان که طیبین باسم عیسویت دست

آلود بر ادمار و افاد جمع طوایف گنوده اند (و بکرون و
بکراهه) لذا بر تمام افراد مسلمانان پیوسته از واجبات

عقلیه هایت حوزه و حفظ بیضه اسلام است و در وجوب این
امراحدی از مسلمانان و طوایف مختلفه ایشان شکی نکرده

و قول خلافی نیارود تا بجهت اثباتش محتاج بدلائل
آیات و اخبار بوده باشد - و الحق در ادای این تکلیف تا

کنون از همه مسلمانان نهایت تکامل و ذابت تهاون و لغافل
بنظور رسیده بلکه بواسطه افراض دنیا دنیویة شخصیبه
یاسفیه یا توجه یا جنبیه یا مذمبیه کمال اختلافی در ارکان
این مطلب مهم ظاهر گردیده عمدتاً در جبر کسور سالقه
و عمرانی در التیام جروح سابقه که عناوین توبت و انابت
از عصیان و خطیئات گذشته است فوراً هر ممکن واجب
و لازم است - چه در بیان توبه فرموده اند

اول ندامت و پشیمانی است از گذشته -

دوم عزم درست بر ترک آن مصیبت در آینده

سیم جبران و ادای حقوق سالقه -

چهارم استغفار از خدا بواسطه تقصیر و توبه الی الله

حیماً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون

امید از رحمت نامتناهی حضرت الهی و شفاعت

کامله ناطقه جناب رسالت بنامی صلوات علیه و آله و سلم

که خداوند بوعده خود میفرماید - (استغفروا و بکم

اه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا - و بعد کم

باموال و بنین و بجهل لکم جنات و بجهل لکم انهاراً)

همچنانکه امروزه اسلام شأن خدای اوست وفا فرموده

از قص و هلاک و حرص و نسله که فائده جنبیه قطبیه

فراق است نجات عنایت نموده باز دیاد برکات آسمان و

زمین کثرت قوس و اولاد و ثروت و عزت که فوائد

مبارکه جمیعت و اخلاقی است مدد فرماید و حوزه

اسلامیان که روح روان دولت و ملت و عنوان دنیا

و آخرت طست خدای نخواستہ مریضی را ماند که علل

و اسباب مختلفه مزاج او را در هم و بر هم نموده است -

و بواسطه علل مختلفه و اسباب متنوعه از او امراض

مرکبه حاصل شده و هم باین واسطه آثار مختلفه مینماید

و راه علاج دیر بدست می آید - طیبانرا بالفعل بحفظ

صحت حالیه و قطع عروض اسباب سکووشنی باید و

هدستی و هم نفسی را جوشنی شاید

فهم کردارند و انبازی کنند

قدرت حقرا سیساز می کنند

واعتمسوا بحبل الله حیماً ولا تفرقوا الخ - خداوند

در این آیه مبارکه دستور حفظ صحت بیان فرموده

میفرماید با اتفاق و اجتهاد چنگ در حبل متین دین

میین بزنید و متفرق نشوید و چون ابتداء حال

مسلمانان یعنی قبل از اسلام بر عدالت و مخالفت طوایف

با یکدیگر بود و بواسطه اسلام اتفاق حاصل گردیده است - حق تعالی میفرماید که متذکر شوید و بزرگ شایید نعمت خدا را زیرا که دشمن یکدیگر بودید و خداوند دلهای شما را با هم آشنائی داد - و نیز میفرماید [طیبر الاحیاء] یعنی اطاعت کنید خدا و رسول را و نزاع و جدال با یکدیگر مکنید که باین واسطه از یکدیگر بترسید و زایل گردد دولت و نصرت و قدرت شما - پس این است دستور خدائی در حفظ صحت و در این آیه اخیریه قدری از اسباب علت و قدری از آثار ظاهریه مرض را هم بیان فرموده است - و بعد از آنکه معلوم شد حفظ صحت بتفاتی است و سبب تمام علت تفاتی گزیری نیابد از اینکه اسباب تفاتی و ابتفاتی گفته شود تا قدر مقدور مصلحان در مقام اجتناب و احتیاز برآیند و تفاتی از قلوب بر اندازند

اول نزاع بجهت دولت است و سلطنت و الحمد لله والته در این اوقات فرستاده آیات از برکات روح اقدس و نور مقدس نبوی صلی الله علیه و آله و شهریار کامکار و دو جهاندار نامدار و دو ناجدار با اقتدار اسلام سلطان السلاطین و خاقان الخواقین اعلی حضرت شاهنشاه کشور ایران و وارث تخت و تاج کیان مظفرالدین شاه قاجار و اعلی حضرت خادم الحرمین الشریفین و ملائک البرین و البحرین بادشاه مملکت عثمانیه ابدالله شوکتها داد مودت و محبت دادند و ابواب الحوت و یگانگی گشادند و به برکت همت و حمید ایشان اولین پایه تفاتی و نزاع از میان برخاسته است - امید که همواره تاج رفیقان گردون بجای و شهباز دولت و اقتدار شان بال کشای باد تا بود ز آستاره و مه جبر خرا نقش و نگار باد تا آن اشراق هر دو مه خورشید وار حکم عزتشان روان از خاوران تا باختر شمع دولتشان فزون آید دوام روزگار دوستانشان را برفت بر فراز آسمان دشمنان دینشان از خاک ذلت خوار زار

(باقی درود)

خبر اخبارات خارجه

§ دولت (سیام) هشت ملیون فرمونه جدید خواستگار است
 § خبر (روت) از (کت زولنگ) خبر میدهد چسکه حاکم اردوی روسیه فرسخی شمال [کت زولنگ] جای

§ رجال دولت روس میخواهند بر (بیکم گورکی) که زیر حراست است مقدمه دایر کنند - به جرم اینکه مسوده اعلانی را که باعث انهدام ارکان سلطنت تصور می شود از دست خود نوشته - اگرچه تخفیف است ولی قابل آن میباشد که چند سالی در حبس اسیر ماند
 § پلیس (وارسا) هشتاد تارنجک در قبرستان (پونک) یافته - و چند نفر را به شبهه گرفتار کرده اند

§ در (پتسبرگ) نازه افشاش زیادی شده برخی از ملازمین اسباب آقایان خود را فارت کرده - یکی از کارخانجات که هشت هزار عمه در او کار میکرد یکدفعه بند شده است

§ (بیرن تولکن) بزرگ پلیس (وارسا) که برای تحقیق حادثات نازه (وستولا) مبرفت ناگهان نارنجکی در کاسکش افتاده از سدمه اوشش پلیس مجروح گردید - پلیسی دیگر قاتل را تصاحب کرده فوراً بر او شلیک نموده و گریخت طاقت قاتل را گریستار کردند و چون خود و هم مجروح بود به شفاخانه اش بردند - این همه بغاوت بسبب آن سرکشانی است که بالزام مفسده اول گرفتار شده اند - بلوایشان اراده داشتند (بیرن) مذکور از رودخانه (وستولا) عبور کند تا آنان را برای کشتن او موقی نیکو بدست آید

§ روسیهان خوف دارند که در شمال و مشرق و ممالک متوسطه روس و بای هیضه منتشر شود - ازین رو برای رفع آن قبل از وقت تدابیر میکنند

§ در مناقات (کتور) چین منافعه از زیادی سربازان هیچده نفر زارعین که بی اسلحه بودند مقتول و چهل و یک مجروح شدند - این بیچارگان را هنگام فرار سربازان هدف گلوله ساختند

§ برای مصارف سیاحت ولیمتد انگلستان و زوجة محترمة شان دو هفتاد پست هزار ایرا پارلمان منظور نموده و در جهاز جنگی (بودت) روانه هند خواهند شد
 § خبری موقی رسیده که شاهزاده (ویلن)